



# فرهنگ مختصر

دری - پښتو

مفتیسیم: محمد عتین «نؤفس»

کانل زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی.



اکادمی علوم افغانستان  
مرکز زبانها و ادبیات  
انستیتوت زبان و ادب دری



# فرهنگ مختصر

دری - پښتو

مهتمم: معاون محقق محمد متین « مؤنس »

کابل: زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی.



### مشخصات کتاب:

- نام اثر : فرهنگ مختصر دری - پښتو.
- گزینش و تدوین : اعضای علمی انستیتوت زبان و ادب دری.
- مهتمم: معاون محقق محمد متین « مونس »
- کمپوز و دیزاین : احمد خالد « سلطانی » و امان الله « جاوید »
- ناشر : ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان.
- سال چاپ : زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی.
- محل چاپ : مطبعه آزادی.
- تیراژ : (۳۰۰۰) جلد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## پیشگفتار

کشور عزیز ما افغانستان، از زمانه های باستان تا عصر حاضر، مهد پرورش تمدنها و فرهنگهای پربر و زادگاه زبانهای گوناگون بوده است.

از میان زبانهای زنده و رایج در کشور ما دو زبان (پشتو و دری) گوینده گان زیاد تر داشته و اکثریت عظیم افراد وطن ما میتوانند به یکی ازین دو زبان افهام و تفهیم نمایند.

زبان دری و پشتو در امتداد سده های نسبتاً دور، در روند پرفراز و فرود حرکت تاریخ تا کنون در کنار هم زیست نموده و هر یک حامل فرهنگ و ادبیات ارزشمند خویش میباشد. همزیستی دوستانه این دو زبان که هر دو زبان ملی و رسمی کشور ما اند، در کنار همدیگر، بیانگر همبسته گی خلل ناپذیر اکثریت مردمان این سرزمین بوده و در غنامندی فرهنگی و ادبی همدیگر تاثیر به سزا داشته اند.

در شرایط کنونی که کشور ما از فضای غم آلود جنگها و ویرانیها به سوی افقهای روشن تامین صلح و تحقق دموکراسی و تحکیم حاکمیت ملی به پیش میرود، بدون تردید رشد فرهنگ و ادبیات و زبانهای ملی ما در تقویت هر چه بیشتر و حدت ملی و ترقی و پیشرفت جامعه ما مقام مبارزی را احراز مینماید. بر مبنای این هدف ارزشمند بود که مقام ریاست جمهوری کشور ما، اکادمی علوم افغانستان را مؤظف گردانید تا فرهنگهای مختصر دری به پشتو و پشتو به دری را که بیشتر حاوی واژه های محاوره وی و کلمه های مورد مطالعه روز مره میباشد، ترتیب نمایند تا بعد از طبع در اختیار جوانان و علاقه مندان بالاخص جوانان مهاجر مقیم در کشور های خارج قرار گیرد و نیاز مندی آموزش زبانهای ملی و رسمی کشور برای آنان مرفوع گردد.

به تاسی از هدایت مقام ریاست جمهوری و مقامهای رهبری اکادمی علوم افغانستان، اعضای انیستیتوت زبان و ادب دری و برخی از اعضای مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان به تهیه فرهنگ مختصر دری به پشتو مطابق روش قاموس نگاری اقدام نموده و به اینصورت سهم خویشرا در اجرای این وجیه فرهنگی و ملی ایفا نمودند.

اسمای اعضای مسلکی که در ترتیب این فرهنگ سهم گرفته اند ، به اساس الفبا نامهای آنان از اینقرار اند:

- ۱- حروف ( ل ، م ، ن ) توسط معاون سر محقق سید علیشاه روستایار .
- ۲- حروف ( د ، ذ ) توسط محقق شاه محمد « مصلح » .
- ۳- حروف ( آ ، ا ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ) توسط معاون محقق صالحه « حبیبی » .

۴- حروف ( ف ، ق ) توسط محقق ظاهره « هنگامه » .

۵- حرف ( و ) توسط محقق عاطفه « نورستانی » .

۶- حروف ( ث ، ک ) توسط سر محقق عبدالواجد « واجد » .

۷- حروف ( ب ، پ ، گ ، ر ، ز ، ژ ) توسط سر محقق محمد آصف « آصف » .

۸- حروف ( ت ، ج ، چ ) توسط معاون محقق محمد فاضل « شریفی » .

۹- حروف ( ح ، خ ، ع ، غ ) توسط معاون محقق محمد متین « مونس » .

۱۰- حروف ( ه ، ی ) توسط معاون سر محقق نصر الله « ناصر » .

مرجع و ساخت پژوهنده گان در ترتیب این فرهنگ ( افغان قاموس ) اثر محترم عبدالله افغانی نویسنده بوده است و برخی در ضمن آن از قاموس دری ، انگلیسی و بعضی فرهنگهای دیگر نیز استفاده نموده اند . واژه های دری به شیوه قاموس نگاری به ترتیب الفبای تنظیم و در ستون مقابل آن به منظور تلفظ درست واژه با الفبای فونتیک نیز نگاشته شده است . در ستون بعدی مشخصه دستوری هر واژه با ارایه مخفف دستوری نشان داده شده است ، در ستون اخیر معنی پشتوی هر واژه تذکر یافته است .

منبع استفاده پژوهنده گان و ادیتور های این فرهنگ جهت کار برد الفبای فونتیک همانا دستور معاصر زبان پارسی دری تألیف محترم پوهاند دکتور محمد حسین یمین و رهنمایی های شفاهی ایشان بوده است .

هشت فونیم و اول الفبای نامبرده که در لهجه معیاری کابل وجود دارد . از اینقرار است .

آ - a.

ا - (الف مفتوح) - a

ا - (الف مضموم) - u

ا - (الف مسکور) - i

واو مجهول - o

واو معروف - u

یای مجهول - e

یای معروف - آ

### فونیم های شبه واول :

۱ - و - w

۲ - ی - y

### فونیم های کانسونانت :

۱. ب - b

۲. پ - P

۳. ت - t

۴. ث - s

۵. ج - j

۶. ح - h

۷. چ - Č

۸. خ - x

۹. د - d

۱۰. ذ - z

۱۱. ر - r

۱۲. ز - z

۱۳. ژ - ž

۱۴. س - S

۱۵. ش - Š

۱۶. ص - S

۱۷. ض - Z

۱۸. ط - t  
 ۱۹. ظ - z  
 ۲۰. ع - ?  
 ۲۱. غ - ġ  
 ۲۲. ف - f  
 ۲۳. ق - q  
 ۲۴. ک - k  
 ۲۵. گ - g  
 ۲۶. ل - l  
 ۲۷. م - m  
 ۲۸. ن - n  
 ۲۹. ه - h  
 ۳۰. ء - ?

به همینگونه مشخصه دستوری هر واژه با مخفف دستوری آن به صورت زیر نشان داده شده است:

ص - صفت	۱- اسم
ص ، ن صفت نسبتی	۱- آ ، اسم آله
ص ، ت - صفت تفصیلی	۱- جم ، اسم جمع
ص ، ع - صفت عالی	۱- خ ، اسم خاص
ص ، فا - صفت فاعلی	۱- م ، اسم مرکب
ض ، ضمیر	۱- ص ، اسم یا صفت
ق ، قید	۱- فا ، اسم فاعل
ف ، فعل	۱- مف ، اسم مفعول
ح ، ر - حرف ربط	۱- اسم فعل ( مصدر )
ح ، ن - حرف نفی	

انبشیتبوت زبان و ادب دری سه تن از اعضای این انبشیتبوت را معاون سر محقق محترم سید علیشاه روستایار و معاون سر محقق محترم شریف الله شریف و معاون محقق محترم محمد متین مونس را موظف نمود تا به منظور یک دست شدن و تصحیح کار اعضای ترتیب کننده به ادیت این فرهنگ بپردازند ، اعضای ادیتور با تلاش

خسته گی نا پذیر به اصلاح کمبود ها پرداخته و آن را آ ماده چاپ نمودند ، کار اهتمام و چاپ این فرهنگ به عهده محترم معاون محقق محمد متین « مونس » سپرده شد ، انبستیتوت زبان و ادب دری از همه دست اندر کاران تهیه این فرهنگ ، ادیتور ها ، مهتمم و دیزاینر ها محترم امان الله « جاوید » و محترم احمد خالد « سلطانی » ابراز تشکر نموده و امیدوار است تا جوانان و علاقه مندان در داخل و خارج از کشور بتوانند با فرا گیری زبان و ادبیات ملی کشور خویش از آن استفاده گسترده نموده و گامی ارزشمند در اعتلای فرهنگ و ادبیات مهین خویش بردارند.

انبستیتوت زبان و ادب دری  
اکادمی علوم افغانستان



آ

آبدار (ābdār) - ص. مخور، مخاوی.	آب (āb) - ا. اوبه.
آبدان (ābdān) - ا. م. تریلی، دند.	آب باز (ābbāz) - ا. فا.
آبدست (ābidast) - ا. م.	لامبوخن.
اودس.	آب بازی (ābbāzī) - ا. ف.
آبرو (ābraw) - ا. م. مقول، د	لامبو.
اوبو موری.	آبترازو (ābtarāzū) - ا. م.
آبرومند (ābromand) -	اوب تله.
ص. مخور، مخاوی.	آب حیات (ābihayāt) - ا.
آبریختن (ābr̥xtan) -	م. د ژوند اوبه.
ا. ف. بی پته کیدل.	آب خوردن (ābxūrdan)
آبریز (ābr̥z) - ا. م. تقی، باس.	- ا. ف. اوبه جخیل.
آب سر کردن	آب خیز (ābx̥z)
(ābsarkardan) -	ص. زیمجنه، اوبوسه.
ا. ف. اوبه په خان اچول.	آب دادن (ābdādan) - ا.
	ا. ف. اوبه ورکول.

آب و رنگ (āborang) -

ا.م. دید و دال.

آب و گل (ābogil) - ا.م.

خته، تومنه.

آب و هوا (ābohawa) -

ا.م. آب و هوا.

آبیاری (ābyār) - ا.ص. اوبه

لگونکی.

آبیاری (ābyārī) - ا.ف. اوبه

لگونکی.

آباء (ābā?) - ا. پلرونه.

آباد (ābād) - ص. ودان.

آبستن (ābistan) - ا.ص.

بلار بیدل.

آبگینه (ābgīna) - ا.م.

بنیینه.

آبله (ābila) - ا. کوی - دانی.

آبله رو (ābilar) - ص.

کورجن، کوچن.

آبی (ābī) - ا.ص. اوبنی.

آتش (ātas) - ا. اور

آبشار (ābsār) - ا. خروبی،

مکرونکه.

آبشخور (ābesxar) - ا.م.

برخه.

آب شدن (ābsudan) - ا.

ف. ویلی کیدل، اوبه کیدل.

آب صاف (ābisāf) - ا.

ص. رنی اوبه.

آب گرفتن (ābgiriftan) -

ا.ف. اوبه اخیستل، مکزک.

آبگوشت (ābgošt) - ا.م.

زومنه.

آبگین (ābgīn) - ا.م. نری،

تروب.

آب مروارید (ābimurwārd) -

ا.م. ستوی.

آب و تاب (ābotāb) - ا.

م. چول، چیل و دال.

آب و خاک (ābxāk) -

ا. م. سیمه، مهنه.

آتش گرفتن (ātesgīrftan)

۱. ف. اور اخیستل.

آتشگیر (ātaš gīr) - ۱.

اور نوسید.

آتشین (ātašīn) - ص.

سوراور.

آتیہ (atīya) - ق. گمانده،

وروسته.

آثار (āsar) - ۱. پیلای، نخبی.

آجیده (ajīda) - ۱. ف.

کینده کول.

آخر (āxir) - ق. بل-پای،

وروسته.

آخرت (āxirat) - ۱.

لویه ورخ.

آخور (āxor) - ۱. پمبی، اخور.

آخوند (āxōnd) - ۱. اخون.

آداب (ādāb) - ۱. روزنی.

آدرس (ādras) - ۱. پته.

آدم (ādam) - ۱. سپی، بابا آدم.

آتش افروختن (ātašafroxtan) -

۱. ف. اور لگول.

آتش بازی (ātašbāzī) -

۱. ف. اور لوبی.

آتش پاره (ātašpāra) - ۱.

م. اور بغرکی.

آتش پرست (ātašparast) -

۱. ص. اور پالونی.

آتش دان (ātašdān) - ۱.

م. اور غالی، یرغولی.

آتش زبان (ātašzabān) -

ص. اور ژبی.

آتش زدن (ātašzadan) -

۱. ف. اور اچول.

آتش فشان (ātašfīšān) -

ص. فا. بگوکپ و غر.

آتشک (ātašak) - ۱. اوبلک.

آتش کاو (ātaškaw) -

۱. اولرپونی.

آتشکده (āteskada) - ۱.

اور تون، دد هی.



آردترمیده (ārditarmayda) -

۱. م. پستور ه. پاسته اوړه.

آرزو (arīzū) - ۱. خوښه،

غوښته

آرمان (ārman) - ۱. ارماند.

آرامیدن (āramīdan) - ۱.

۲. ف. آرا میدل.

آرنج (ārinj) - ۱. څنگل.

آرن موتر (āranimotqr)

- ۱. بفقی.

آری (āre) . هو، هوکی.

آز (āz) - ۱. سوله، سړاښتوب.

آزار (āzār) - ۱. رې، کړاو.

آزاد (āzād) - ص. خوشی،

پرانېستی

آزرم (āzarm) - ۱. اورم، وایه،

اوبی، تاو، لورنه،

مینه، نول، ناورین، نیاو.

آزرم (āzarm) - ۱. کړاو، رې،

ښکاره، او څار سورگنه.

آزرم (āzarm) - ۱. پار، تونس

درد، کار، غوسه

آزرم (āzarm) - ۱. وبال، ساتنه.

آدمیت (ādamīyat) - ص.

سړیتوب.

آدمی زاده (ādamīzāda) -

۱. م. بنیادم.

آدینه (ādīna) - ۱. جمعه.

آزین (āzīn) - ۱. سینگار.

آر (ār) - ف. ۱. راوله.

آراء (āra?) - ۱. سلاوی.

آراستن (ārāstan) - ۱. ف.

جړول، پسرول

آرام (āram) - ص. سوله.

آرامش (āramīš) - ۱.

سوکالی، هوسایی.

آرامگاه (āramgah) - ۱. م.

تیکانه، تیکاونه.

آرایش (ārāyesh) - ۱. ډول،

سینگار.

آرد (ārd) - ۱. اوړه.

آردبیز (ārdbez) - ۱. م.

پروېزی.

- آزمایش (āzmāyeš) - ۱. ف. از میبشت.  
 آزمند (āzmand) - ص. سولند. سرا بنی  
 آزمودن (āzmūdan) - ۱. ف. از میبل.  
 آزموده (āzmūda) - ۱. از میبلی.  
 آزوقه (āzuqa) - ۱. خورقه. تایه.  
 آسان (āsān) - ص. سوان. آسان.  
 آسایش (āsāyeš) - ۱. ف. اسرحت، هوسایی.  
 آستان (āstān) - ۱. درشل.  
 آستین (āstīn) - ۱. لمبونی.  
 آسمان (āsmān) - ۱. هسک.  
 آسمان خراش (āsmān xaras) - ۱. م. آسمان خک.  
 آسودن (āsūdan) - ۱. ف. هوسا کیدل.  
 آسوده (āsūda) - ۱. ف. سود مرم، هوسا.  
 آسوده گی (āsūdagi) - ۱. ف. هوساینه.  
 آسیا (āsyā) - ۱. جرنده، ژرنده.  
 آسیا بان (āsyābān) - ۱. ف. جرنده گری.  
 آسیب (āseb) - ۱. تکه. ناورین.  
 آش (ās) - ۱. خواره.  
 آشپز (āspaz) - ۱. ف. پخلاوی، پخوونکی.  
 آشپز خانه (āspāxana) - ۱. م. پخلنخی، پخلوخی.  
 اشامیدن (āsamīdan) - ۱. ف. چنبیل، شومل.  
 آشتی (āstī) - ۱. ف. سوله.  
 آشفتن (āsuftan) - ۱. ف. ترهوریدل.  
 آشفته (āsufta) - ۱. ف. ترهور.  
 آشغال (āsgāl) - ۱. چفالی.  
 آشکار (āskār) - ص. خرگند، جوت.  
 آشنا (āsna) - ۱. پیژندوی، آشنا.

- آشوب (asob) - ۱. ف. انگل. غری  
آشیانه (asiyana) - ۱. خاله،  
جاله.  
آغا (āga) - ۱. بادار.  
آغاز (āgaz) - ۱. پیل، سرغه.  
آغشته (āgišta) - ص. م.  
ککړ، لړلی.  
آغوش (āgōs) - ۱. غیر.  
آفات (āfat) - ۱. بلاوی.  
آفاق (āfaq) - ۱. خنډی.  
آفت (āfat) - ۱. آیت، بلا.  
آفتاب (āftab) - ۱. لمر، نمر.  
آفتابه (āftaba) - ۱. کوزه.  
آفتابه ولگن (āftabawalagan) -  
۱. م. ګډوه لاس ولونی.  
آفریدن (afarīdan) - ۱. ف.  
پنځول، شته کول.  
آفریده ګار (afarīdagar) -  
ص. فا. پنځوونکی،  
شته کوونکی.  
آفرین (afarīn) - ۱. شا باش.
- آفرینش (afarīniš) - ۱. ف.  
پنځه، پیداښت.  
آگاه (āgah) - ص. خبر، اتر.  
آگنده (āgenda) - ص.  
سینځلی، ډک.  
آلات (alat) - ۱. اوږی، کالی.  
آلام (alam) - ۱. رنځونه، خوږ.  
آلایش (alayes) - ۱. م. ککړتیا.  
آلت (alat) - ۱. اوږه، رچ.  
آلوبالو (alubalu) - ۱. سرکڅی.  
آلوبخارا (aluboxara) - ۱. ولی.  
آلودن (aludan) - ۱. ف. لړل.  
آلوده (aluda) - ص. ف.  
لړلی، ککړ.  
آلوده ګی (aludagī) -  
ص. ککړتیا.  
آماج (amaj) - ۱. نښه، ټکی.  
آماده (amada) - ۱. ف. چمتو.  
آماس (amas) - ۱. پړسوب.  
آمال (amal) - ۱. غوښتنی،  
هیلی.

آن (ān) - ا. ا. رپ ، شيبه.  
 آنا (ānan) - ا. ا. هره شيبه.  
 آواره (āwāra) - ا. ص. پردیس.  
 آوازه (āwāza) - ا. ا. انگازه ،  
 ډنډوره.  
 آوردن (āwardan) - ا. ف.  
 راوستل.  
 آویختن (āwixtan) - ا. ف.  
 خړول.  
 آه (āh) - ا. وی.  
 آهسته (āhesta) - ا. ص. ورو.  
 آهن (āhan) - ا. ا. اوسپنه.  
 آهن ربا (āhanrubā) - ا. م.  
 اوسپنکښ.  
 آهنگر (āhangar) - ا. ف.  
 پښ ، لوهار.  
 آهڼين (āhanīn) - ا. ص ، ن.  
 کروړ.  
 آهنگ (āhang) - ا. ا. غاړه ،  
 تکل ، دود.

آمدن (āmadan) - ا. ف.  
 راتلل ، راتگ.  
 آمده (āmada) - ا. ف. راغلی.  
 آمر (āmīr) - ا. ف. ا. بگمارونی.  
 آمرزیدن (āmurzīdan) -  
 ا. ف. بخیل.  
 آمرزش (āmurziš) - ا. ف.  
 بخیښنه.  
 آمرزگار (āmurgār) -  
 ص. ف. بخیښاوو.  
 آمرزنده (āmurzinda) -  
 ص. ف. بخیښونی.  
 آموختن (āmoxtan) - ا. ف.  
 ورزده کول.  
 آمیختن (āmextan) -  
 ا. ف. گډول.  
 آموزگار (āmozgār) - ا.  
 ف. ښوونکی.  
 آمیزش (ām-zeš) - ا. ف.  
 گډون.  
 آن (ān) - ص. هغه.

آهو (āhū) - ۱. هوسى، غرخه.

آهو بره (āhūbara) - ۱. کبلی.

آیات (āyāt) - ۱. نښې، پیلامی.

آیین (āyen) - ۱. دور.

آینه (āyena) - ۱. هنداره.

آینه بندان (āyenabandān) -

۱. م. خراغان، ښارینگار.

# الف

اثر (asar) - ۱. ننبہ، پیلامہ، کرنسی  
 اجازہ (aijāza) - ۱. ف. رسخت  
 اجازہ  
 اجاق (aujaq) - ۱. نغری، اورغالی  
 اجتماع (?) (aijtinia) - ۱. ٲولنہ  
 اجرت (aujrat) - ۱. پارہ  
 اجنبی (ajnabī) - ۱. پردی،  
 اوپرہ، بدیانی  
 احتراز (aihtirāz) - ۱. ف.  
 خان ساتل، خان ژغورل  
 احترام (aihtirām) -  
 ۱. ف. نمانخنہ، نمانخل،  
 مدار  
 احتیاج (aihteyaj) - ۱. ف. پارہ  
 احتیاط (aihtyāt) - ۱. ف. پام  
 کول

ابتداء (aibtedā) - ۱. ف. ٲیل،  
 لاسپوری، سرمہ  
 ابتر (abtar) - ص. اوتر  
 ابتکار (aibtekar) - ۱. ف.  
 نوبت  
 ابھار (abhar) - ۱. ج. سیندو نہ  
 ابر (abir) - ۱. وریخ. مرغسانہ  
 ابرو (abro) - ۱. وروخہ، وریخہ  
 ابریشم (abrešum) - ۱. وریبشم  
 ابلق (ablaq) - ص. برک  
 ابلیس (aiblīs) - ۱. شیطان  
 ابھام (aibham) - ص. ٲٲ، ٲتوالی  
 اتباع (?) (atbā) - ۱. تابیان، ایلان  
 اتحاد (aitihād) - ۱. ف. یووالی  
 اتفاق (aitifaq) - ۱. ف. لاس یوی  
 اتھام (aitihām) - ۱. ف. تور

ارشاد (airsād) - ۱. ف.

نغوته، لارښوونه.

ارمان (armān) - ۱. ارماند،

اوپ.

ازار (aizār) - ۱. پرتوگ.

ازدواج (aizdiwāj) - ۱.

ف. جوړه کیدل،

واده کول.

اژدر (aždar) - ۱. ښامار.

اساس (asās) - ۱. آره،

ښست، سټه، رده.

اساطیر (asatīr) - ۱. جم. سترې.

اسپ (asp) - ۱. آس.

استاد (austād) - ۱. ښوونکی.

استخراج (aistixraj) - ۱.

ف. را ایستل.

استراحت (aistirāhat) - ۱. ف.

هوساینه، سوده، سهنه.

اسلحه (asliha) - ۱. وسله، درسته.

اسلام (aislām) - ۱. اسلام.

اشتباه (aistibāh) - ۱. ف.

اړنگ، وټ، کو ښی

احسان (aihsān) - ۱. ف.

ښیځنه، ښیځړه.

احکام (ahkām) - ۱. جم.

حکموڼه، پرمانونه.

اخبار (axbār) - ۱. جم. خبرونه.

اختراع (aixtirā?) - ۱. ف.

نوی را ویستل، نوی

ایستنه.

اختلاف (aixtilaf) - ۱. ق.

توپیر، بیلوالی.

اخگر (axgar) - ۱. سکروته.

ادب (adab) - ۱. ډب، سپړتوب.

ادنی (adnā) - ۱. ص. ټیټ، پاسو.

ادیان (adyān) - ۱. جم. دینونه.

ارادت (airādat) - ۱. ف.

گروهه، عقیده

ارتفاع (airtifa?) - ۱. ف.

لوړووالی، هسکيوالی

ارجمند (arjūmand) -

ص. بگرام.

ارزان (arzān) - ۱. ص. ارزان.

افتخار (aiftixār) - ا. ف.

لوړل، وياړل.

افراط (aifrat) - ا. ف. له اندازی

وتل.

افروخته (afroxta) - ص. مف.

بل.

افسار (afsār) - ا. تر سری

تیسخړی، تیر سری.

افسانه (afsāna) - ا. کیسه.

ستری.

افسوس (afsos) - ا. ټاپ. تر ټاپ.

افشا (aifšā) - ا. ف. رسوا کول.

افطار (aiftār) - ا. ف. روژه

ماتول.

افق (aufuq) - ا. څنډه.

افلاس (aiflās) - ا. ف. خواری

لاس تنگی.

افیون (afyon) - ا. اېم، اېن.

اقارب (aqārib) - ا. جم.

خینځان، خپلوان.

اقبال (aiqbāl) - ا. ف. بخړه،

مرغ، برخه، سخ.

اشیا (ašyā) - ا. ف. شیان، څیزونه.

اصرار (aisrar) - ا. ف. ټینګار.

اصوات (aswāt) - ا. جم.

غږونه، ږغونه.

اطاعت (aitā?at) - ا. ف.

منل، غاړه ایښودل.

اطاق (autāq) - ا. کوټه، دیره.

اطفال (atfāl) - ا. ج.

واړه، ماشومان

اظهار (aizhār) - ا. ف.

څرګندول، ښکاره کول.

اعانه (ai?āna) - ا. مرسته.

اعتراف (ai?tirāf) - ا. ف.

په ځان شاهی ویل.

اعداد (a?dād) - ا. جم. شمیر.

اعلان (ai?lān) - ا. ف. خبرول

خبرتیا.

اغماز (aigmaz) - ا. ف. ځان

ناګماری کول، غمازی کول.

کول.

افتادن (auftādan) - ا. ف.

غورځیدل.



امداد (aimdād) - ۱. ف. مرسته  
 امضا (aimzā) - ۱. ف. لاسلیک  
 اناث (ainās) - ۱. ف. ښځې  
 انار (anār) - ۱. ف. نرگوسی، انار، وانگ  
 انتحار (aintihār) - ص. ځان وژل  
 انتقاد (aintiqād) - ۱. ف. سره  
 کول، کره کول  
 انتها (aintihā) - ۱. ف. پای  
 انجام (anjām) - ۱. پای  
 انجمن (anjuman) - ۱.  
 ټولنه، ټولې  
 اندیشه (andēša) - ۱. ف. ډوی،  
 اندېښنه، پړو اند  
 انسانیت (ainsānyat) - ۱.  
 ف. سریتوب  
 انصاف (ainsāf) - ۱. ف. نیاو  
 انکار (ainkāṛ) - ۱. ف. نا ځکاره  
 انلشت (angust) - ۱. ف. گوته، گوتې  
 انیس (anīs) - ص. زړه سودی  
 اوباش (awbaṣ) - ص. لنډهر،  
 چورلند، لنډه غر  
 اوج (awj) - ۱. ف. لوړ

اقتدار (aiqtidār) - ۱. ف.  
 وس، واک، لاس  
 اقدام (aiqdām) - ۱. ف.  
 وړاندیکیدل، پښه ایښودل  
 اقرار (aiqrār) - ۱. ف. ویل  
 اکمال (aikmāl) - ۱. ف.  
 بشپړول، پوره کول  
 الاغ (aulāḡ) - ۱. ف. کرکی، خر  
 البسه (albasa) - ۱. ف. کالی،  
 نمری، نوری  
 الحاق (ailhāq) - ۱. ف.  
 اجوتیدل  
 السنه (alsana) - ۱. ف. ږبی  
 الفت (aulfat) - ص. مینه  
 القاب (alqāb) - ۱. ف. جم  
 لقبونه، پتڼومونه  
 الماری (almārī) - ۱. ف. تونی،  
 درکڅی، درکڅی  
 امارت (aimārat) - ف.  
 ټولواکي  
 امام (aimām) - ۱. ف. بومیا  
 امت (aumat) - ۱. ف. امت

اهلی (ahLĪ) - ص. جوتی.

ایام (ayām) - ا. جم. ورخی.

ایزد (aezid) - ا. څښتن تعالی.

ایمن (aemin) - ا. پور، پوره

خوندي.

ایوان (aywān) - ا. مانۍ.

ایور (aiwar) - ا. لېور.

اودر (awdur) - ا. تره.

اوراق (awraq) - ا. پانی.

اورنگ (awrang) - ا. ګډی، پلاز

اوسط (awsat) - ا. منځنۍ،

منځوی.

اوصاف (awsaf) - ص. ستاینۍ.

اها<sup>نت</sup> (aihānat) - ا. ف. سپکول.

# ب

باد افراه (bādafrah) - ۱.	باب (bāb) - ۱. اور.
اهداد، هیداد.	بابا (bābā) - ۱. نیکه.
بادام (bādām) - ۱. بادام،	بابه غور غوری
النبتی، غروشتی.	(bābagōrī) - ۱. غرنده.
بادرنف (bādrang) - ۱.	باج (bāj) - ۱. کلنگ.
دنگوری، تریوری، بادرنگ	باجه (bāja) - ۱. ساندهو.
باد زهر (bādzahr) - ۱.	باختر (bāxtar) - ۱. ختیخ.
مارجری.	باد (bād) - ۱. باد.
بادنجان (bādenjān) -	بادپا (bādpā) - ص. اوسگو،
۱. بانجن.	باد منگ.
باده (bāda) - ۱. بور، بدوال.	بادریزه (bādreza) - ۱.
بادیان (bādeyān) - ۱.	ستراو.
انو، خواره یلنی، خواره	باد سر (bādsar) - ص.
ولنی کوپه، کاره ویلنی،	کبرجن.
کلوو.	

بامداد (bāmdād) - ۱. کهیڅ

بایسکل (bāysikil) - ۱. جولا

گادی.

بت (but) - ۱. بوت، خټکي.

بحر (baħr) - ۱. سیند، سین.

بخت (baxt) - ۱. تالی، پاوره،

بخره، مرغه.

بخشش (baxšis) - ۱. ف.

ورکړ، بخښنه.

بخل (buxul) - ۱. ف. شومی،

کروتی، موزیتوب، کینسکی.

بدن (badan) - ۱. خټه، پېړی،

سرت.

بذر (bazir) - ۱. تومنه، تخم.

بذل (bazl) - ۱. ف. ورکړه، ښندنه.

برادر (birādar) - ۱. ورور.

برباد (barbad) - ص. پوپنا،

میرات.

برف (barf) - ۱. واوره.

برنج (birinj) - ۱. وړجی،

وریخی. ژپ.

بره (bara) - ۱. وری.

بادیه (bādeya) - ۱. بیدیا، داګ.

بار (bār) - ۱. وری، بار.

بارگاه (bārgāh) - ۱. پاريال.

باران (bārān) - ۱. وړینګی،

وریا، باران.

باروت (bārūt) - ۱. دارو.

باریک (bārīk) - ص. نری،

مین.

باز (bāz) - ۱. باز، لمخیتی، کرج.

بازخواست (bāzxāst) -

ص. گروپړنه.

بازرگان (bāzargān) - ۱.

پلوری، سوداګر.

بازو (bāzu) - ۱. مټ، ګردی لیچ.

بازی (bāzī) - ۱. لوبه، مستی.

باستان (bāstān) - ص.

لرغون، پخوانی، زور.

باطل (bātil) - ص. بابیز، کوره.

باغ (bāg) - ۱. ښ.

باکره (bakira) - ۱. بیغله، بچره.

بال (bāl) - ۱. وزر، ووزی.

بالغ (balig) - ۱. پیلستی،

رسیدلی، ځوان.

بیت الخلاء (baytulxalá) - ۱.

تټی، باسی، مکان.

بیخ (bēx) - ۱. بنست، ولی، جمر،

نوغی.

بید (درخت) (bed) - ۱. ونه.

بیداد (bedād) - ص. تیرغی، تیری.

بیرانه (berāna) - ۱. کنډواله

وران.

بیرق (bayraq) - ۱. رپی،

بربری، جنده جفدی.

بیره (bayra) - ۱. اوری.

بیزار (bezār) - ص. ویزار، تیرا، پکو.

بیست (bīst) - ۱. ع. شل.

بیشه (beša) - ۱. درگه.

بیضه (bayza) - ۱. هگی، وی، ها.

بیعت (bay?at) - ۱. لاسنوی.

بېگار (beggār) - ۱. بسگر، پگیر.

بیل (bel) - ۱. یوم، گراهه، بیل، کره.

بیم (bīm) - ص. بیره، ډار، ویره،

انگیڅه

بیمار (bemār) - ص. رنځنی،

ناروغه، ناجوره، رنځور.

برهنه (birahna) - ص. لځ،

لغې، برمنډ، برینډ،

بریدن (burīdan) - ۱. ف.

غوڅول، پریکول.

بز (buz) - ۱. وزه

بسمل (besmel) - ۱. مڅپن،

مږغیجن، مږغجن.

بشارت (bišārat) - ۱. زیری.

بغض (buğz) - ۱. اروړ،

هیرځی، رخه، غچ.

بلهوس (bulhawas) - ص.

اوږدوونی، چرتکی، ملولی.

بوریا (boryā) - ۱. پوزی، اندیږی،

توری.

بوسیدن (bosīdan) - ۱. ف

مچول، چپول، ښکلول.

بهار (bahār) - ۱. پسرلی، خږمنی.

بی آب (beāb) - ص. بی پته.

بی مغز (bemağz) - ص. پوچ،

کواته.

بیابان (byābān) - ۱. ډاگ،

دښت، بیدیا، میره.

بینوا (benawā)-ص. نهه، نهوه.

بیوه (bewa)-ا. کونډه

بیمارستان (bemāristān)

- ا. روغځی، روغتون.

بیني (benī)-ا. پیزه، پزه، پوزه.

# ت

تابوت ( tábút ) - ا. آتیک .

تابه ( tába ) - ا. تبه تیغه .

تایید ( tábíđ ) - ا. تلوالی .

تاپه ( tápamuhr ) (مهر) - ا. تیکنه، تاپه .

تاثیر ( tásir ) - ا. ف. نینه کول .

اغیزه .

تاج ( táj ) - ا. توپیل، وږ،

کرکړه .

تاجدار ( tájdar ) - ص .

توپلوال .

تاجیک ( tájek ) - ا. تاجک .

دیگان .

تاجیل ( tájíl ) - ا. ف. مولت ،

اټاله .

تاجر ( tájir ) - ص. ف. سوداگر .

تاب ( táb ) - ا. توان، وس، تاو .

تاب آوردن ( tábāwardan ) -

ا. ف. تاو راوړل .

تابان ( tábān ) - ص. ف .

خلیدونکی، خلاوو .

تابناک ( tábnák ) - ص .

ف. خلاند، برینسند .

تابخانه ( tábxāna ) - ا. م .

تاو خانه .

تابش ( tábiš ) - ا. ف. رڼا،

خلاند .

تابع ( tábi? ) - ا. ف. بابی،

ایل .

تابعیت ( tábi?yat ) - ا. ف .

تابیگلو، ایلاینی

تابلو ( táblo ) - ا. تابلو، پټ .

تاریک (tārīk) - ص. تیاره.  
 تاریک خانه (tārīkxāna) -  
 ا. م. تیاره کوټه.  
 تازه (tāza) - ص. نوی.  
 تازی (tāzī) - ا. ص. عرب.  
 تازیان (tāziyān) - ا. جم  
 عربان.  
 تازیانه (tāziyāna) - ا.  
 مترکه، کمچه، غمچینه.  
 تاس (tās) - ا. خله، لوخی،  
 کپوری.  
 تأسف (tā'suf) - ا. ف.  
 اسویلی، ترتاب.  
 تاسیس (tāsīs) - ا. ف. آره  
 ایښودل، بنسټ ایښودل.  
 تافته (tāfta) - ا. تاوشوی.  
 تاک (tāk) - ا. میلوه، تاک.  
 تاکستان (tākīstan) - ا. م.  
 کورښ.  
 تاکید (tākīd) - ا. ف. ټینګارنه  
 ټینګار.  
 تالاق (tālaq) - ا. ککرځی.  
 خیرځی، ککره.

تاخت (tāxt) - ا. ف.  
 خغاسته، منلوه، کوپ.  
 تاختن (tāxtan) - ا. ف.  
 زغلول.  
 تاخیر (tāxir) - ا. ف.  
 بیرته پاته کیدل.  
 تاخیر (tāxīr) - ا. ف. ځنډو.  
 تادب (tādub) - ا. ف.  
 ادب موندل، روزیدل.  
 تادیب (tādīb) - ا. ف.  
 ادب ورکول.  
 تادیبه (tādiya) - ا. ف.  
 رسول، ورکول.  
 تار (tār) - ا. تار، سپڼسی.  
 تارتار (tārtār) - ا. ص.  
 دانګی، دانګی.  
 تارومار (tāromār) - ص.  
 تاش پتاش، تیت ویت.  
 تاراج (tāraj) - ا. تالا،  
 تالان، لوټ.  
 تارک (tārik) - ا. فا.  
 پریښوونکی.  
 تاریخ (tārīx) - ا. تاریخ.



تبدل (tabadul) - ا. ف. بدلیدل.

تبر (tabar) - ا. تبر، گذرک.

تبرک (tabaruk) - ا. ف. برکتی.

تبریک (tabrīk) - ا. ف.

مبارکی، بنادیمینی.

تبسم (tabasum) - ا. ف.

مسیدل، مسکیدل، مسکی.

تبصره (tabsira) - ا. ف.

سترگی، روشنول،

روشانول.

تبعه (tab?a) - ا. تابعان.

تبعیت (tabi?yat) - ا. ف.

تابیگلوی، سوانگلوی.

تبعید (tab?īd) - ا. ف،

لری کول.

تبعیض (tab?īz) - ا. ف. ویشل.

تبلیغ (tablīġ) - ا. ف. رسول.

تبنگ (tabang) - ا. توپک.

تبین (tabayun) - ا. ف.

بنکاره کول، بنکارول.

تپ (tap) - ا. وتپ، به.

تپش (tapiš) - ا. ف. تونش.

تالم (tālm) - ا. ف.

خورموندل، خوریدنه.

تألیف (tālīf) - ا. ف. بندونه.

تأمل (taʾmul) - ا. ف.

اندینبل.

تأمین (tāmīn) - ا. ف. ساتل.

تانستن (tānistān) - ا. ف.

له لاسه کیدل.

تانک (tānk) - ا. ف. ټانک.

تانی (tānī) - ا. ف. خند.

تائب (tāʾib) - ا. ف. توبه کار.

تایید (tāyed) - ا. ف. ټینګول.

تب (tab) - ا. لوی ټبه.

تبخال (tabxāl) - ا. م.

خوله خوری، خوله وتل.

تبادل (tabādul) - ا. ف.

بدلول، ایښول.

تباشیر (tabāšīr) - ا. تباشیر.

تباه (tabāh) - ص. سټ،

ډبر، مبرات.

تبحر (tabahur) - ا. ف.

ډک پوهنه.

تجسس (tajasus) - ا. ف.  
لټول.

تجسم (tajasum) - ا. ف.  
غټیدل.

تجلی (tajālī) - ا. ف. برینښ، خلا.  
تجلیل (tajlīl) - ا. ف.

پوست اغوستل.

تجمل (tajamul) - ا. ف.  
سینگارول.

تجویز (tajwīz) - ا. ف.  
روا کول.

تجهیز (tajhīz) - ا. ف.  
تابنه، سمبالنه.

تحت (taht) - ا. لاندی، کوز.

تحت الحمايه (tahtilhimaya) -  
ص. لاس لاندی.

تحت الشعاع (tahtishu'a?) -  
ص. بڼه.

تحرر (tahajur) - ا. ف.  
کړوړیدل.

تحریر (tahrīr) - ا. ف.  
لیکل، کښل.

تحریر (tahrīf) - ا. ف.  
اړول، ګرځول.

تپاندن (tapāndan) - ا.

ف. سیخل، تخته کول.

تپه (tapa) - ا. غونډۍ، شاګۍ.

تپیدن (tapīdan) - ا. ف.  
تړپیدل، کړپیدل.

تتبع (tatabu?) - ا. ف.  
پلیتنه، پلتنه، شننه.

تتله (tutla) - ا. ص. تر تړی،  
تټلی، چارۍ.

تجارت (tijārat) - ا. ف.  
پلورنه، سوداګری.

تجاوز کردن (taja'wuzkardan) -  
ص. فا. تیری واختنه،

تیری کول.

تجاهل (tajāhul) - ا. ف.

تجدد (tajadud) - ا. ف.  
نوی کول، له سر کول.

تجوید (tajwīd) - ا. ف.  
نوی توب، نوی والی.

تجربه (tajruba) - ا. ف.  
آزمینه، آزموینه.

تجزیه (tajziya) - ا. ف.  
برخی برخی کول.

تحريك ( tahrīk ) - ا.ف.

ښورول، خوځول.

تحسين ( taḥsīn ) - ا.ف.

ستاینه.

تحصيل ( taḥsīl ) - ا.ف.

اخیستل.

تحفه ( tuḥfa ) - ا.ف. مجره،

خونی. ډالۍ

تحقير ( taḥqīr ) - ا.ف.

سپکول.

تحقيق ( taḥqīq ) - ا.ف. شننه.

تحکم ( taḥkum ) - ا.ف.

حکومت کول.

تحکیم ( taḥkīm ) - ا.ف.

درېمان کول.

تحریم ( taḥrīm ) - ا.ف.

مردود کښل.

تحلیف ( taḥlīf ) - ا.ف.

قسم ورکول.

تحلیل ( taḥlīl ) - ا.ف.

رواکول.

تحمل ( taḥamul ) - ا.ف.

زغمه.

تحول ( taḥawul ) - ا.ف.

ګرزیدل.

تحويل ( taḥwīl ) - ا.ف. سپارل.

تحويلدار ( taḥwīldār ) -

ا.ص. ساتلوال، تحويلدار.

تحويلخانه ( taḥwīlxāna ) -

ا.سپارلخی، سپارنخی.

تخاصم ( taxāsm ) - ا.ف.

سره دښمنی کول.

تخت ( taxt ) - ا.پلاز، ګدی.

تخته ( taxa ) - ا.پټه، تخته، دره.

تخته به پشت ( taxtabapust )

ا.م. ستونی ستخ، سمه تخته.

تخته سنگ ( taxtasang ) -

ا.م. شازه، پلند، تیره.

تخته مشق ( taxtamaşq ) -

ا.م. تختی، دره.

تخریب ( taxrīb ) - ا.ف. وړانول.

تخصص ( taxasus ) - ا.ف.

خان ته کیدل.

تخصیص ( taxsīs ) - ا.ف.

ځانله کړی.

تخفیف ( taxfīf ) - ا.ف.

سپکیدل.

تذکار ( tazkār ) - ا. ف.  
په یاد لرل.  
تذکره ( tazkira ) - ا. ف. تذکره.  
تذکر ( tazakur ) - ا. ف.  
په زړه کیدل.  
تر ( tar ) - ص. خيشت، لوند.  
تر شدن ( taršudan ) - ا. ف. لوندیدل، خيشتېدل.  
تر کردن ( tarkardan ) - ا. ف. لوندول، خيشتول.  
ترازو ( tarāzū ) - ا. ف. تله.  
تراشیدن ( tarāšīdan ) - ا. ف. تورل.  
تراشیده ( tarāšīda ) - ا. ف. تورلی.  
تراکم ( tarākum ) - ا. ف. کوټه کیدل، ټولیدل.  
ترانزیت ( taranzīt ) - ا. ف. ترانزیت.  
ترانه ( tarāna ) - ا. ف. کلاسی، ښکلی.  
تربت ( turbat ) - ا. ف. خاوره.  
تربوز ( turbuz ) - ا. ف. هندوانه.

تخلص ( taxalus ) - ا. ف. تریدل، ترهیدل.  
تخم ( tuxum ) - ا. ف. تومنه، تخم.  
تخمین ( taxmīn ) - ا. ف. اټکل، جاج.  
تخیل ( taxayul ) - ا. ف. په زړه ر اوستل، په خیال راوستل.  
تداخل ( tadāxul ) - ا. ف. اغیر، اټېرل.  
تدارک ( tadāruk ) - ا. ف. درک کول.  
تداوی ( tadāwī ) - ا. ف. دارو کول.  
تدبیر ( tadbīr ) - ا. ف. تکبیر.  
تدریس ( tadrīs ) - ا. ف. لولول.  
تدفین ( tadfīn ) - ا. ف. ښخول.  
تدویر ( tadvīr ) - ا. ف. ګانه کول، ګرړول.  
تدوین ( tadvīn ) - ا. ف. ټولول، تالیفول.

ترسا (tarsā) - ا. ص.

بیرندوکی، ترسا.

ترسان (tarsān) - ص. فا.

ډارن، يراند، بیرندوکی.

ترسناک (tarsnāk) - ص.

م. يراند.

ترسو (tarso) - ص. - يراند.

ترساندن (tarsāndan) -

ا. ف. بیړول، ویړول.

ترسیدن (tarsīdan) - ا.

ف. بیړیدل، ویړیدل.

ترسیم (tarsīm) - ا. ف.

کښنده کول.

ترش (turs) - ص. تریو، ټاک.

ترش رو (tursro) - ص.

پړوس، کارساو، بوټ.

ترشی (tursī) - ا. تریو والی.

ترغیب (targīb) - ا. ف.

لمسول، تومبار کول، پارول.

ترفند (tarfand) - ا. ص. ټگی،

سارغیت.

ترفیع (tarf?) - ا. ف. لوړول،

جگول، پورته کول.

تربیت (tarbiyat) - ا. روزنه.

تربیت کردن

(tarbiyat kardan) -

ا. ف. روزول.

ترتیب (tartīb) - ا. ف. روڼ،

سمبال، اوډنه.

ترتیب کردن (tartīb kardan) -

ا. ف. اوډل، روڼول،

سمبالول.

ترجمان (tarjuman) - ص.

ترجمان، ژباړی.

ترجیح (tarjeh) - ا. ص.

زیاتوالی، باندیوالی

ترحم کردن (taraḥumkadan) -

ا. ف. لورنه، لور، زړه سواند

لورنه کول، زړه سول.

ترخیص (tarxīs) - ا. ف.

رښخول، رخصت ورکول.

تردد (taradud) - ا. ف.

تله راتله.

تردید (tardīd) - ا. ف.

ردول، نه منل.

ترس (tars) - ا. بیره،

ویره، ډار.

تسکین (taskīn) - ا. ف.

بسیاکول.

تسلسل (tasalsul) - ا. ف.

پرله پسی، پرله پسی

کیدل.

تسلط (tasalut) - ا. ف.

لاس، لاسبری.

تسلی (tasalī) - ا. ف. ډاډ،

سوده، ډاډ گټرنه.

تسلیت (taslyat) - ا. ف.

ډاډ ورکول.

تسلیم (taslīm) - ا. ف.

سلام کول.

تسهیل (tashīl) - ا. ف. آسانول.

تشبه (tašbīh) - ا. ف.

ورته کیدل.

تشت (tašt) - ا. نباتک.

تشتت (tašatut) - ا. ف.

تیتیدل.

تشخص (tašaxus) -

ا. ف. ټاکل کیدل.

تشخیص (tašxīs) - ا. ف.

نا-بېرل، ټاکل.

ترقی (tarqī) - ا. ف. لوړوالی.

ترقی کردن (tarqīkardan) -

ا. ف. لوړیدل.

ترکیب (tarkīb) - ا. ف.

جوړب.

ترمیم (tarmīm) - ا. ف. تیندل،

لاسهول، توک نیول.

ترنم (taranum) - ا. ف.

بنگیدل.

ترویج (tarwīj) - ا. ف.

بابول، دو دول.

تریاک (taryāk) - ا. اپین،

اییم.

تزویر (tazwīr) -

ا. ف. ټگي، دروه، چم.

تزئید (tazwīd) - ا. ف. دیرول.

تزئین (tazīn) - ا. ف. سینگاریدل.

تساوی (tasawī) - ا. ف.

سم، برابر.

تسخیر (tasxīr) - ا. ف.

مالول، ایلول.

تسریع (tasre?) - ا. ف.

اخه کول، بیره کول.

## تصادف (tasaduf) -

۱. ف. پېښېدل، مخامخ

کیدل.

## تصاحب (tasāhub) -

۱. ف. څښتن کیدل.

## تصادم (tasādum) - ۱. ف.

ټکر، لګیدل.

## تصاویر (tasāwīr) - ۱. ف. جم. څیرې

## تصحیح (tashch) - ۱. ف.

روغ، جوړ.

## تصدیق (tasdīq) - ۱. ف.

امنا، مننه.

## تصرف (tasaruf) - ۱. ف.

لاس وهل.

## تصفیه (tasfīya) - ۱. ف. چانول.

## تصمیم (tasmīm) - ۱. ف.

لوړه، هنده.

## تصور (tasawur) - ۱. ف.

ری، اند، اندېښنه.

## تضعیف (taz'īf) - ۱. ف.

انول، خپل.

## تضمن (tazmīn) - ۱. ف.

ځامن ګرځول.

## تشدد (tašadud) - ۱. ف.

خرته، سخته.

## تشدید (tašdīd) - ۱. ف.

خرته کول.

## تشریح (tašreh) - ۱. ف.

روښانول.

## تشریف (tašrīf) - ۱. ف.

لوی وړ کول.

## تشریک (tašrīk) - ۱. ف.

ګډول، شریکول.

## تشکر (tašakur) - ۱. ف.

ستاینه، کور ودانې.

## تشکل (tašakul) - ۱. ف.

جوړ ایدل.

## تشکیل (taškīl) - ۱. ف.

جوړاب.

## تشناب (tašnab) - ۱. ف.

چړچونې، تشناو.

## تشنج (tašanuj) - ۱. ف. بېری، باری.

## تشنه (tašna) - ص. تېری.

## تشویش (tašwīš) - ۱. ف. سودا.

## تشویق (tašwīq) - ۱. ف.

هڅول، لمسول.

تفاهم (tafáhum) - ا. ف.

سره پوهیدل.

تفتش (taftiš) - ا. ف. پلتنه، تپوس.

تفرقه (tafruqa) - ا. ف. بیلتون.

تفریح (tafreh) - ا. ف. سیل،

سا تیری.

تفریق (tafrīq) - ا. ف. بیلول،

کمول.

تفصیل (tafsīl) - ا. ف. پوره ویل.

تفکر (tafakur) - ا. ف.

اندېښنه کول.

تفنگ (tufang) - ا. ف. توپک.

تفهیم (tafhīm) - ا. ف.

پوهول، پوه کول.

تقابل (taqábul) - ا. ف.

مخامخ، مخامخ کېدل.

تقاضا (taqáza) - ا. ف. غوښتنه.

تقاعد (taqá?ud) - ا. ف.

ناسته، کښېناسته.

تقبیح (taqbēh) - ا. ف.

میارنه، غندنه.

تقدم (taqadum) - ا. ف.

وپړاندی والی.

تضاد (tazád) - ا. ف. وړانوالی.

تطبیق (tatbīq) - ا. ف. پرتله.

تعادل (ta?adul) - ا. ف.

اندېول والی.

تعالی (ta?alī) - ا. ف. لوړیدل.

تعبیر (ta?bīr) - ا. ف. وین، وینا.

تعداد (ti?dad) - ا. ف. شمیر.

تعریف (ta?rīf) - ا. ف.

پیژند کلو.

تعقیب (ta?qīb) - ا. ف.

پسی کېدل.

تعلیم (ta?līm) - ا. ف.

ښوونه، لولول.

تعمیر (ta?mīr) - ا. ف.

ودانی کول.

تعنه (ta?na) - ا. ف. هوده.

دښمنی کول.

تعویق (ta?wīq) - ا. ف.

ځنډول، اټلول، تالنه.

تعین (tay?īyn) - ا. ف. غوره.

کیدل، ټاکل کیدل.

تغیر (tagīyr) - ا. ف. اوښتل.

تفاوت (tafāwut) - ا. ف. توپیر.



تکذیب (takzīb) - ا. ف.

دروغجنوال.

تکرار (tikrār) - ا. ف.

له سره کول، بیا بیا

رویدل.

تکریم (takrīm) - ا. ف.

نمانځل، درنول

تکلم (takalum) - ا. ف.

خبرې کول.

تکلیف (taklīf) - ا. ف. زمنه،

جنجال، خواری، غم.

تکمیل (takmīl) - ا. ف. بشپړول.

تکه (tika) - ا. ف. پټوټه، ټوکر.

تلاشی (talāshī) - ا. ف. پلټون، پلټل.

تلافی (talāfī) - ا. ف. وټه.

تلاوت (talāwat) - ا. ف. لوستنه.

تلخ (talx) - ص. ترېخ، اڅاپ.

تلف (talaf) - ا. ف. ځار، توی.

تلفظ (talafuz) - ا. ف. کړت.

تلک (talak) - ا. ف. تلکه، ټکی.

تماس (tamās) - ا. ف. سره

موښتل، بلورل.

تماشا (tamāša) - ا. ف. ننداره،

سیل.

تقدیر (taqdīr) - ا. ف. کچل،

کچه کول، ستایل.

تقدیم (taqdīm) - ا. ف.

وړاندې کول.

تقسیم (taqsīm) - ا. ف.

وېشل، ونډې کول.

تقلید (taqlīd) -

ا. ف. پېښې، سوانگ.

تقلیل (taqlīl) - ا. ف. لږول.

تقویت (taqwīyat) - ا. ف.

برم ورکول، ټینګول.

تقویم (taqwīm) - ا. ف. سمول.

تک (tak) - ص. یواځې.

تکافو (takāfo) - ا. ف.

سمون، سمواله

تکان (takān) - ا. ف. تکان، څندنه.

تکاندن (takāndan) - ا.

ف. ځان پر سول.

تکبر (takabur) - ا. ف.

لوی ګڼل.

تکبیر (takbīr) - ا. ف.

الله اکبر ویل.

تکشیر (taksīr) - ا. ف. ډیرول.

تنومند (tanomand) - ص ډډ.

تنه (tana) - ا. خان.

تناب (tanáb) - ا. تناو.

تناقص (tanāqus) - ا. ف.

وړوړو لپړیدل.

تنبل (tanbal) - ا. کهال. لټ.

تنبور (tanbūr) - ا. تنبور.

تنبه (tanbih) - ا. ف.

وینیدل، خبریدل.

تنبيه (tanbiya) - ا. ف.

وینول، خبرول.

تند (tund) - ا. تیره.

تندرو (tundro) - ص م. بروس، بوب.

تنزیل (tanzíl) - ا. ف.

تیټوال، کوزول.

تنظيف (tanzíf) - ا. ف.

ستره کول، پاکول.

تنظیم (tanzīm) - ا. ف. پیودل.

تنفر (tanafur) - ا. ف. کرکه.

تنفس (tanafus) - ا. ف.

ساکنبل، سا ښکل.

تنگدل (tangdil) - ص م.

سا دوبي، زړخوړینی.

تنګی (tangī) - ا. تنګسه.

تمام (tamám) - ا. ف. بشپړ.

تمثيل (tamsíl) - ا. ف. مثل تیروول.

تمجید (tamjíd) - ا. ف. لوی بلل.

تمدن (tamadun) - ا. ف. ودانیت.

تمديد (tamdíd) - ا. ف. اوږدول.

تمرّد (tamarud) - ا. ف.

سر غمړته، غاړه غړول.

تمرکز (tamarkuz) - ا. ف.

ځای نیول.

تمسخر (tamasxur) - ا. ف.

پېشاری، ملنهی.

تمکین (tamkín) - ا. ف. درناوی.

تملق (tamaluq) - ا. ف.

غوړمالی، رما.

تمنی (tamaná) - ا. ف.

ا سره هیله.

تمیز (tamíz) - ا. بیلول.

تن (tan) - ا. خان.

تن آسا (tanásá) - ص ف.

ځان پالی.

تن خواه (tanxwáh) -

خوړ، مهینه.

تندرست (tandurust) -

ص م. روغ رمت.

- تنوير (tanwīr) - ا. ف. بلول، لگول.  
 تنها (tanhā) - ص. سور تونه، یواځی.  
 تو (tū) - ض. ته، تا.  
 تواریخ (tawārīx) - ا. ف. جم. تاریخونه.  
 توازن (tawāzun) - ا. ف. انډول، هم تول.  
 توافق (tawāfuq) - ا. ف. جور بدل، اسلېدل.  
 توان (tawān) - ا. و. س، واک.  
 توانا (tawānā) - ص. و. سمن، واکمن.  
 توانستن (tawānistān) - ا. ف. د. لاسه کیدل، له و. س. کیدل.  
 توانگر (tawāngar) - ص. بلډای، شته من.  
 توانگری (tawāngarī) - ص. بلډایی، شته منی.  
 توبه (toba) - ا. ش. توبه.  
 توبیخ (tawbīx) - ا. ف. ترتیل.  
 توت (tūt) - ا. توه، توت.  
 توجه (tawajuh) - ا. ف. پام، پاملرنه، مخ کول.  
 توجیه (tawjīh) - ا. ف. پام کول، مخ کول.  
 توسط (tawasut) - ا. ف. منځگری کول، واسطه کول.  
 توسعه (taws?a) - ا. ف. ارتوالی.  
 توسل (tawasul) - ا. ف. ځان نږدی کول.  
 توسیع (tawse?) - ا. ف. پراخول.  
 توشک (tošak) - ا. تولایی، تایي، لاندیستونی.  
 توصیف (tawsīf) - ا. ف. ستایل، سپت کول.  
 توصیه (tawsya) - ف. زیرمه.  
 توضیح (tawzeh) - ا. ف. روښانه، ښکاره.  
 توفیق (tawfīq) - ا. ف. مرسته کول.  
 وقوع (tawaqo?) - ا. ف. اسره، هیله.  
 توقیف (tawqīf) - ا. ف. درول، اټالول.  
 توکل (tawakul) - ا. ف. توکل وېسا.  
 تولد (tawalud) - ا. ف. زیرېدل.  
 تولید (tawlīd) - ا. ف. زیرېول.  
 تهاجم (tahājum) - ا. ف. وړند.

تهدید (tahdīd) - ا.ف.

زور نه ، پټکه .

تهنیت (tahniyat) - ا.ف.

مبارکی . مبارکی .

تهی (tihī) - ا.ص. تش .

تهیه (tahya) - ا.ف. جوړیا ،

تا پو ، تیاری .

تیاتر (tayātr) - ا. تیاتر .

تیر (tīr) - ا. غشی ، بش ، تیر .

تیر ماه (tīrmāh) - ا.م. منی .

تیره (tīra) - ص. تیاره ، تت .

تیز (tez) - ص. تیره .

تیشه (teša) - ا. ترخخ ، تخخ .

تیغ (teḡ) - ا. توره .

تیل (tel) - ا. تیل ، تور ، غوړ .

تیم (tīm) - ا. تیم .

تیمار (tīmar) - ا. روزنه

تیمم (tayamum) - ا.ف.

تیون ، وچ اودس .

ث

ثابت (sábit) - ا.ف.ا. تینگی،

زبات ، وارہ ستوری.

**ثاقب (sáqib) - ا.فا.**

## روبنانه ستوری.

### ثالث ( sális ) - ص. دریم ،

دریمان.

ثالثه (sálisa) - ص. دریمه.

ثانوی (sānawī) - ص.ن. دوم.

### ثبات ( subát ) - ا. ف.

ستہ، پای، تینگوالہ.

### ثبوت (subūt) - ا.ف.

زباد، اچونه.

## ثخانت (saxánat) - ا.ف.

هر پړېدل، پندو پړدل.

تخین ( saxín ) - ص. پریر، گانه.

## ثروت (surwat) - ا. بدایہی.

ثروتمند ( surwatmand ) -

ص.فا. بدای، مور.

ثری (ثرا) (sará)-۱. نمجنہ زمکہ

زیم لرونکی زمکہ نم

جنگہ خاور ۵ ، خاور ۵.

ثری (sará) - ص. بدای، مور.

ثريا (surayá) - ا.هېروني،

خُمبِکِ ستوری.

ثريد ( sarÍd ) - مف.

## خشته کری چوچی

تغر ( saḡar ) - ۱. غابن، د مخ

غائبی، برید۔

**ثفل (sufl)-۱. ختپل، کبجه، پوسل.**

**ثقابت ( saqábat ) - ا.ف.**

بلبدل، خلبدل.

ثقافات (saqát) - ص. سپین

روبی، سپین دروبی.

ثلاثی (salās) - ۱. دری حرفی

کلمه لکه فرس، فلس.

ثلج (salj) - ۱. واوره.

ثلمه (sulma) - ۱. سوری، چاود.

ثمر (samar) - ۱. میوه.

ثمانی (samānī) - ۱. آته،

داتو عدد، له نهو دمخه عدد.

ثمن (saman) - ۱. آتمه،

آتمه برخه، یو په آته.

ثمین (samīn) - ص. قیمتی شی،

قیمتی.

ثنا (sanā) - ص. ثنا و صفت،

اشتیایندوی، ستاینه.

ثنا یا (sanāyā) - ۱. جم - دوه

مخامخ غابونه، داری.

ثواب (sawāb) - ۱. اجوره،

ښه، ښه بشنندنه.

ثور (sawr) - ۱. غوی، غوڅکی.

ثوب (sawb) - ۱. اغوستن،

داغوستلو کالی، لباس.

ثوم (sum) - ۱. هوره.

ثیاب (seyāb) - ۱. جم، جامی، کالی.

ثیب (sayeb) - ص. متاهل.

ثقافت (saqāfat) - ۱. ف.

پوهنیت، پوهېدنه.

ثقلت (saqālat) - ۱. ف.

درنېدل، دروند والی.

ثقب (saqab) - ۱. جم.

سوره، سوری.

ثقبه (saqaba) - ۱. وړوکی سوری.

ثقلت (siqlat) - ص.

دروندوالی، دروند،

د ډوډۍ دروندوالی معده کی.

ثقلین (saqalayn) - ۱. جم.

انس و جن، انسان او پری.

ثقیف (saqīf) - ص. چالاک،

پوه، څیرک.

ثقیل (saqīl) - ص. دروند،

هغه څوک چی خبره یی

په نورو سخته تما میری.

ثقه (siqa) - ص. سپین دروښی،

ګونده، کره.

ثکلی (saklay) - م. ف. هغه

بسڅه چی زوی مړشوی وی.

ثلاث (salās) - ۱. دری.

## پ

- پا (pā) - ۱. پنبه.
- پابرجا (pābarja) - ص. م.
- پای په خای.
- پایی (pāpī) - ۱. کوته.
- پات (pāt) - ۱. پات، تخت.
- پاچه (pāča) - ۱. پيانځه.
- پاداش (pādās) - ۱.
- مزدوری، وچوره.
- پادشاه (pādšāh) - ۱.
- ص. پاچا.
- پاده (pāda) - ۱. رمه، گله.
- پار (pār) - ق. پروس کال.
- پارا گراف (pārāgirāf) - ۱. پاراگراف.
- پارچه (pārča) - ۱. ټوټه.
- پارسا (pārsā) - ص.
- پرهیزگار.
- پارسال (pārsāl) - ق.
- پروسکال.
- پارسل (pārsal) - ۱. پارسل.
- پارسی (pārsī) - ۱. پارسی.
- پاره (pāra) - ۱. ف. خیرول.
- پاس (pās) - ۱. ف. عزت کول،
- قدر کول.
- پاسبان (pāsbān) - ۱.
- ص. محافظ.
- پاسخ (pāsix) - ۱. خواب.
- پاسره (pāsra) - ۱. ص.
- ذخیره.
- پاشان (pāsān) - ۱. ف.
- تیت.
- پاش دادن (pāsdādan) - ۱. ف. تیتول.
- پاشنه (pāsna) - ۱. پونده.

پایان (pāyān) - ۱. اخیر، پای.

پای بند (pāyband) - ۱.

ص. ټینگ، ولاړ.

پای پاک (pāypāk) - ۱. م.

پای پاک.

پای پوش (pāypoš) - ۱. م. بوت

پایتخت (pāytaxt) -

۱. م. پایتخت.

پای زیب (pāizeb) -

۱. م. پای زیب.

پای کوب (pāykob) - ۱.

پای کوب

پای کوبی (pāykobī) -

۱. ف. گها سڅا.

پایگاه (pāygaḥ) - ۱. م. پایگاه.

پای مال (pāymāl) - ص.

مف. لغت کول.

پایه (pāya) - ۱. مته، ډاکه.

پائیز (pāyez) - ۱. منی.

پت (put) - ۱. ص. پټ.

پترول (pitrol) - ۱. پترول.

پتره (patra) - ۱. پتری.

پتنوس (patnūs) - ۱. پتنوس.

پاغنده (pāḡunda) -

۱. ف. پاغنده.

پاکدامن (pākdāman) -

ص. م. پاک لمن.

پاک دل (pākdil) - ص. فا.

پاک زړه.

پاک سرشت (pāksirist) -

ص. م. سپیڅلی.

پاک کاری (pākkārī) -

۱. ف. پاکول.

پاک نفس (pāknafs) -

ص. م. پاک زړی.

پاک نویس (pāknawīs) -

ص. م. پاک نویس.

پاکي (pākī) - ص. سپیڅلتیا.

پاکیز (pāklīza) - ص. سپیڅلتیا.

پالان (pālān) - ۱. کته.

پالش (pālīs) - ۱. ف. پالش.

پالک (pālak) - ۱. پالک.

پالیز (pālez) - ۱. باغ سبزی، پالیزه.

پامیر (pāmīr) - ۱. پامیر.

پانزده (pānzda) - ۱. پنځلس.

پاو (pāw) - ۱. پاو.



پراشوت ( parāśot ) - ۱.

پراشوت.

پراگنده ( parāganda ) - ۱.

تیت.

پرتاب ( partāb ) - ۱. ف. اچول.

پرتو ( partaw ) - ۱. ف. خلیل.

پرچم ( parčam ) - ۱. بیرغ.

پرچون ( parčūn ) - ۱. پرچون.

پر خاش ( parxāš ) - ۱. ف.

جنجال.

پر خچه ( paraxča ) - ۱. پوټه.

پردل ( purdil ) - ص. م.

ډک زړه.

پرده ( parda ) - ۱. پرده.

پرده دری ( pardadarī ) -

ص. ف. رسوای ( برینلو )

پرده نشین ( pardanišīn ) -

ص. ف. خلوت.

پرزه ( purza ) - ۱. پرزه.

پرسان ( pursān ) - ص.

فا. پوښتنه.

پرستار ( parastār ) - ۱.

فا. ساتونکی.

پتو ( patū ) - ۱. پتو.

پتونۍ ( patūnī ) - ۱. پتونۍ.

پته ( پندلی ) ( pata ) - ۱. پته.

پختن ( puxtan ) - ۱. ف.

پخول.

پخته ( puxta ) - ص. پخه.

پخته ( paxta ) - ۱. مالوچ.

پخته سال ( puxtasāl ) -

۱. م. دپوخ عمرسړی.

پخته کار ( puxtakār ) -

ص. م. دکار سړی.

پوخ سړی.

پدر ( padar ) - ۱. پلار.

پدر اندر ( padarandar ) -

۱. ص. پلندر.

پدر کلان ( padarkalān ) -

۱. م. نیکه.

پذیرائی ( pazīrayī ) - ۱.

ف. هر کلی.

پر ( par ) - ۱. بیکه.

پر ( pur ) - ص. ډک.

پراسال ( pirarsāl ) - ق.

پرسو کال

پروپاگند (puropāgand)-

۱. پروپاگند.

پروتوکول (purotokol)-

۱. ف. موافقه.

پروردگار (parwardigār)-

ص. ف. خبشن تعالی.

پرورش (parwarīš)- ۱.

ف. روزنه.

پرهیز (parhez)- ۱. عبادت،

دیده.

پرهیزگار (parhezgār)-

ص. ف. عبادت کونکی.

پری (parī)- ۱. بناپیری.

پریروز (pareroz)- ۱. ق.

ورمه ورخ.

پریشان (pirešān)- ۱. ص.

خپه.

پژمرده (pažmurda)- ۱.

ف. مراوی.

پس انداز (pasandāz)-

۱. ص. سپما. زیرمه.

پسته (pista)- ۱. پسته.

پرستش (parastīš)-

۱. ف. عبادت (نمانخنه)

پرستو (parasto)- ۱. توتکی.

پرستیژ (parastež)- ۱.

پرستیژ، وقار.

پرسش (pursīš)- ۱. ف.

پوښتنه.

پرسشنامه (pursišnāma)

۱. م. پوښتلیک.

پرسنده (pursinda)- ۱.

ف. لېږونکی.

پرکار (purkār)- ۱. ص. م.

پرکار.

پرکار (parkār)- ۱. پرکار.

پرنده (parinda)- ۱.

الوتونکی.

پرنيان (parniyān)- ۱.

ورېښم.

پروا (parwā)- ۱. پروا.

پرواز (parwāz)- ۱. ف.

الوته.

پروانه (parwāna)- ۱.

الوتونکی.

پُف ( puf ) - ۱. پوکی.  
 پکوره ( pakawra ) - ۱. پکوره.  
 پکه ( paka ) - ۱. بیوزی.  
 پگاه ( pagá ) - ۱. سهار، گهڅ.  
 پل ( پای ) ( pal ) - ۱. پل.  
 پل ( pul ) - ۱. پُل.  
 پلته ( palta ) - ۱. پلته.  
 پلک ( pilk ) - ۱. باڼه.  
 پلنگ ( palang ) - ۱. پپرانگ.  
 پلو ( palaw ) - ۱. پلو.  
 پلوان ( pulwán ) - ۱. بوله.  
 پله ( pala ) - ۱. پله، تله.  
 پمپ ( pamp ) - ۱. پمپ.  
 پناه ( paná ) - ۱. پت.  
 پناهنده ( panáhinda ) - ۱.  
 ف. پناه اخیستونکی.  
 پنبه ( punba ) - ۱. مالوچ.  
 پنجال ( panjál ) - ۱. منگول.  
 پنجره ( panjara ) - ۱. پنجره.  
 پنجه ( panja ) - ۱. خپړ، پنجه.  
 پنجه چنار ( panjačínar ) -  
 ۱. م. چنار.  
 پنچر ( pančar ) - ۱. پنچر.

پس خانه ( pasxána ) -  
 ۱. پس خانه.  
 پس خورده ( pasxorda ) -  
 ص. مف. پاتی شوی.  
 پسپر ( pisar ) - ۱. زوی.  
 پس رفته ( pasrafta ) -  
 ص. کم جرائنه، بی زړه.  
 پس شب ( pasisab ) - ۱. م.  
 شومه دم.  
 پس کوچه ( paskočá ) -  
 ۱. م. کوڅه.  
 پس مانده ( pasmánda ) -  
 ص. وروسته پاتی.  
 پسند ( pisand ) - ۱. ف.  
 په زړه پوری.  
 پشت ( pušt ) - ۱. شا، خټ.  
 پشتاره ( puštára ) - ۱. پنډه.  
 پشت کار ( puštikár ) -  
 ص. م. جدی، خواری کښ.  
 پشته ( pušta ) - ۱. غونډۍ.  
 پشتی ( puští ) - ۱. وزیر، پښتی.  
 پشک ( pišak ) - ۱. پښو.  
 پشم ( pašm ) - ۱. وړۍ.  
 پشه ( paša ) - ۱. ماشی، منگس.

پوسیده (posída) - ا. ف.

وروسته.

پوش (poš) - ا. پوښ.

پوشاک (pošák) - ا. جامی.

پوشیده (posída) - ا. ف. پټ.

پوقانه (poqána) - ا. پوکانی.

پوک (pok) - ص. پوک.

پولدار (púldár) - ا. م.

ثروت مند.

پول سیاہ (púlisiyá) -

ا. م. میدہ پیسی.

پهره (pahra) - ا. پهره.

پهلوان (pahlawán) -

ص. پهلوان.

پیاده (piyáda) - ا. پلی.

پیاز (piyáz) - ا. پیاز.

پیاله (piyála) - ا. پیاله.

پیام (payám) - ا. پیام، پیغام.

پیچان (pečán) - ص. فا.

گلکوټی، گکوټی، گکوټی.

پیچک (pečák) - ا. پروتی.

پیچه (píča) - ا. اوربل، پیچکه.

پیر (pír) - ص. بودم.

پیراھن (peráhan) - ا. کمیس.

پند (pand) - ا. عبرت،

نصیحت، ورم.

پندک (pandak) - ا. پنده.

پنیرک (panerak) - ا.

پندیرک.

پوپک (popak) - ا. خونوی.

پوپنک (popanak) - ا.

چنیاسی.

پوچ (puč) - ص. بی مغز، پوچ.

پوچ مغز (pučmagz) -

ص. م. بی مغز، ناخبری.

پودینه (púdína) - ا. ویلنی.

پور (púr) - ا. زوی.

پوز (púz) - ا. تمبوزی.

پوز خند (púzxand) -

ا. م. پس خند.

پوزش (poziš) - ا. ف.

بښنه.

پوست (post) - ا. پوستکی،

پوتکی.

پوست کردن (postkardan) -

ا. ف. پوستول.

پوستین (postín) - ا. پوستین.

پيشوا (pešwā) - ص. لارښوونکی.

پیک (payk) - ا. قاسد، روښار.

پیکار (paykār) - ا. شخړه.

پیکان (paykán) - ا. غشی.

پیکر (paykar) - ا. سټه، ټنه.

پیمان (paymán) - ا. تړون.

پینه (pína) - ا. پیوند، ټوټه.

پيروز (peroz) - ص. بريالی.

پيزار (payzár) - ا. پښی.

پيسه (paysa) - ا. روپۍ.

پيشانی (pešaní) - ا. ټاپه، تندۍ.

پيش قبض (pešqabz) -

ا. م. ستووه.

پيشنهاد (pešnihád) -

ا. ف. وړاندیز.

# ج

جا (jā) - ۱. خای.

جا انداختن (jāandāxtan) -

ف. خای اچول.

جا بر جا (jābarjā) - ۱. ف.

خای پر خای.

جابر جا شدن (jābarjāsudan) -

۱. ف. خای پر خای کپدل.

جا گرفتن (jāgiriftan) -

ف. خای نیول.

جانشین (janīšīn) -

۱. ص. خاینا ستای.

جانماز (jānamāz) - ۱. مسله.

جای (jācy) - ۱. خای.

جادو (jādū) - ۱. کودی.

جادو گر (jādūgar) - ۱. فا.

کود مگر.

جاده (jāda) - ۱. لار، لیار.

جارو (jārū) - ۱. رییخ، جارو.

جاری (jārī) - ۱. فا. بهاند ،

روان.

جاری شدن (jārīsudan) -

۱. ف. بهول ، روانول.

جاری کردن (jārīkardan) -

۱. ف. بهیدل، رانیدل.

جای نماز (jāynamāz) - ۱.

م. مسله.

جبار (jabār) - ۱. فا. واکنم،

زور ور

جبال (jabāl) - ۱. جم. غرونه.

جبر (jabr) - ۱. زور، تیر غمی.

جبران (jabrān) - ۱. ف. کوشیر.

جبه (jabha) - ۱. وچلی، اچرلې.

تنبه، تندی.

جبین (jabīn) - ۱. تنبه، تندی.

جد (jad) - ۱. خواری، مته.

نیکه، با با.

جدی (jidī) - ۱. ص. پرښتیا،

دزړه.

جدیت (jidyat) - ۱. ف. خواری

، کوره زیار.

جُدا (judá) - ص. گوښی، بیل.

جُدا جُدا (judá judá) -

ص. بیل، بیل، جلا جلا.

جاندار (jāndār) - ۱. ساکن،

ژوی.

جان کندن (jānkanda) -

۱. ف. ځنکندن.

جانب داری (jānibdā) -

۱. ف. پلوي.

جانب (jānib) - ۱. لور، خوا،

پلو.

جانی (jānī) - ۱. فا. اوبالی.

جاوید (jāwed) - ص. تل تر تله.

جاویدان (jāwedān) -

ص. تل تر تله.

جاه (jāh) - ۱. پت.

جاهل (jāhil) - ص. نا پوه،

خروک.

جای (jāy) - ۱. تون ځای، تکانه.

جايداد (jāydad) - ۱. سپړی،

شته.

جراح (jarāh) - ۱. ف. پرهاری.

جراحی (jarāhī) - ۱. ف.

پرهارونه.

جرس (jaras) - ۱. کرنگانی.

ږغړنۍ.

جرعه (jur?a) - ۱. غږپ،

کوټ.

جرگه (jirga) - ۱. جرگه، مرکه.

جرم (jurm) - ۱. وبال.

جرمانه (jurmāna) - ۱.

پړه، گرمانه.

جرئت (jur ʔt) - ۱. ف. زغر،

برید.

جریان (jiryān) - ۱. ف.

بهدنه.

جریب (jirīb) - ۱. جریب،

تړاو.

چریده (jarída) - ۱. اخبار،

خره، یلغز.

جدا شدن (judášudan) -

۱. ف. بیلول، جلا کول.

جدا کردن (judá kardan) -

۱. ف. بیلیدل، جلا کول.

جدائی (judācī) - ۱. ف.

بیلتون.

جدال (jadál) - ۱. جگړه،

جنگ.

جدل (jadal) - ص. میړخی،

دښمنۍ.

جدول (jadwal) - ۱. لښتی.

جذب (jazb) - ۱. ف. راڅکول

کشول.

جذبہ (jazaba) - ۱. څکونه

جر (jar) - ۱. څکول، کشول.

جراحت (jaráhat) - ۱. پرهار.

جرايد (jarayid) - ۱. جم.

اخبارونه.

جرايم (jaráiyim) - ۱. جم.

وبالونه، گناوونه.

جرح (jarh) - ۱. ف. پرهار.



جعل (jaʔa) - ا. ف. کول، چلولی.

جعلی (ja lí) - ص. چلولی.

جفا (jafā) - ا. ف. خور، تلغمه،

تیر غمی.

جفت (juft) - ا. جوړه، غبرگی.

جفت شدن (juftsudan) -

ا. ف. جوړه کیدل.

جگر (jigar) - ا. خگر.

جگر پاره (jigar pāra) -

ا. م. د زړه سر.

جگر خون (jigarxūn) -

ا. م. شیشکه، سپه.

جگر گوشه (jigargoša) -

ا. م. د زړه پوتی.

جلاب (jalāb) - خکاوو.

جلاد (jalād) - ا. ف. جلاد.

جلال (jalāl) - ا. ف. لویی،

لویوالی.

جریمه (jaríma) - ص. وبال.

جز (juz) - کلمه شرطیه، اندول.

جزا (jazá) - ا. ف. جزا.

جزیره (jazíra) - ا. ټاپو، چپاری.

جذیه (jazíla) - ا. ججه، جیجه.

جسارت (jasārat) -

ا. زړورتوب.

جستن (jastan) - ا. ف.

ټوپو هل.

جُستن (justan) - ا. ف. لټول،

پلټن.

جُستجو (justujo) - ا.

ف. ټپوس، پلټنه.

جسد (jasad) - ا. ځان، سرت.

جسم (jism) - ا. ځان، تن.

جسور (jasūr) - ص. څرلی،

زړور.

جشن (jašn) - ا. میله.

جنازه (jināza) - ۱. ورمړی.

جنایتکار (jināyatkar) -

۱. ف.ا. وبالی.

جنبانندن (junbāndan) - ۱.

ف. خوځول.

جنت (jannat) - ۱. جنت.

جنگ (jang) - ۱. جگړه.

شخړه.

جنگل (jāngal) - ۱. خړه ،

ځنگل.

جنوب (junūb) - ۱. لمر.

کین ، سوهیل.

جنون (junūn) - ص.

ليوننتوب.

جواب (jawāb) - ۱. ځواب

جو (jaw) - ۱. اوربشی.

جوارۍ (jawārī) - ۱. جوار

جواز (jawāz) - ۱. روا.

جلب (jalb) - ۱. ف. لنډی،

را څکول.

جلسه (jalasa) - ۱.

کښینسنل.

جماعت (jamāʿat) - ۱.

ټولگي، ټولگی.

جمع (jam?) - ۱. ف. ټول.

جمع شدن (jamaʿsudan) -

۱. ف. ټولېدل.

جمعه (jumʿa) - ۱. جومه.

جمله (jumla) - ۱. واپ

ټوله ، خبره.

جمله گي (jumlagī) - ۱.

ټوله.

جمهور (jumhūr) - ۱.

ولس ، بهير.

جمهوری (jumhūrī) -

۱. ولسواکی.

جنایت (jināyat) - ۱. ف.

اوښتل ، و بال گناه.

جوش ( juš ) - ص. زغره.

جوشاندن ( jušāndan ) -

۱. ف. خوښول، خوټول.

جهاد ( jahād ) - ۱. غزا.

جوال ( juwāl ) - ۱. کیچ ،

جوال.

جوان ( jawān ) - ۱. زلی، خلمی.

جوره ( jura ) - ۱. جوړه.

# ح

حاصل کردن (hāsilkardan)-	حاتم (hātam) - ۱. ص. قاضی.
۱. ص. گتته کول،	حاجی (hājī) - ۱. فا. حاجی.
ترلاسه کول.	حاجت (hājat) - ص. اړه.
حاضر (hāzir) - ۱. فا. شته، حاضر.	حاجت مند (hājatmand) -
حاضر جواب (hāzir jawāb) -	ص. م. اړه لرونکی.
ص. م. خواب لوخی،	حادثه (hādisa) - ۱. فا. پېښه.
زر خوابی.	حاذق (hāziq) - ۱. فا. پوه.
حاضر و آماده (hāzироāmāda) -	حاشیه (hāsiya) - ۱. خنډ،
ص. م. تیار، چمتو.	ژی، چاپی.
حاضری (hāziri) - ۱. فا. حاضری.	حاصل (hāsil) - ۱. فا. گتته،
حافظ (hāfiz) - ۱. فا. ساتونکی،	اخسته، ترلاسه.
ساتندوی.	حاصلخیز (hāsilhez) -
حافظه (hāfiza) - ۱. فا. حافظه.	ص. م. ابره وړه

حال ( hāl ) - ۱. اوس.

حالا ( hālā ) - ق. دستی.

حامد ( hāmid ) - ۱. ف.

ستایونکی، ستایوال.

حامل ( hāmil ) - ۱. فا. بارورنکی.

حامله ( hāmila ) - ۱. فا.

بلاربه، امیندواره.

حامی ( hāmī ) - ۱. فا. ساتندوی،

د سر سیوری.

حاوی ( hāwī ) - ۱. فا. چاپرونکی.

حب ( hub ) - ۱. مینه.

حایز ( hāiz ) - ۱. فا. راټولونکی.

حباب ( hūbāb ) - ۱. و. بی،

پوکي، پوتکه.

حبس ( habs ) - ۱. ف. اړيخی،

بندی.

حبوب ( hūbūb ) - ۱.

جم. نیني، دانی.

حبیب ( habīb ) - ۱. ص.

رښتني آشنا، مینه وال.

حتم ( hatim ) - ۱. ص. هرو مرو.

حتی ( hātá ) - حرف جر. تر.

حتی المقدور ( hatalmaqdūr )

۱. ص. تروسه.

حجاب ( hijāb ) - ۱. پلو.

حجاج ( hujāj ) - ۱. جم. حاجیان.

حجره ( hujra ) - ۱. کوټله.

حدت ( hidat ) - ۱. ف.

سوریدل، تیره کیدل.

حدس ( hads ) - ۱. ص. اټکل.

حدقه ( hadaqa ) - ۱.

د سترگو تور.

حدیث ( hadīs ) - ۱. ص. نوی.

حذر ( hazar ) - ۱. ډار. اتیات بیره.

حر ( hur ) - ص. ساهو.

خپلواک سړی.

حریت ( huriyat ) - ۱. ص.

پرانتون، ساهو گلوی.

حرارت (hararat) - ۱. ف

تودوخه، توروالی.

حراس (hīras) - ۱. ص

ساتونکی.

حراست (hīrasat) - ۱. ف

نگهبانی، ساتندوی.

حرام (harām) - ۱. ص

ناروا.

حرب (harb) - ۱. جنگ،

جگړه.

حربه (harba) - ۱.

لنډه، توره.

حرص (hirs) - ۱. ف. سوله،

لیواله، سرانستوب.

حرف (harf) - ۱. توری،

تورکی، خبره.

حرفه (hīrfa) - ۱. چاره،

کاراو پېښه.

حرکت (harakat) - ۱.

خوځیدل، بنوریدل.

حرکات و سکانات

(harakatosakanāt) -

۱. جم. ناسته ولاړه.

حرم (haram) - ۱. حرم شریف،

دحرم کعبه چاپیریال.

حرمان (hirmān) - ۱.

بی اسری، نا امید.

حرمّت (hurmat) - ۱.

حرامول، ناروا کښل.

حریر (harīr) - ۱. ورېښمینه کالی.

حریص (harīs) - ص. آزمند.

حریف (harīf) - ص. بده.

حریق (harīq) - ۱. سوی.

حریم (harīm) - ۱. ورېوی.

حزب (hizb) - ۱. گوند.

حزن (huzn) - ۱. غم. نول.

حزین (hazīn) - ص. غمجن،

تولجن.

حظ ( haz ) ۱-ا. خوند.  
 حفاظت ( hifāzat ) ۱-ا. ف.  
 ساتنه، ژغورنه.  
 حفر ( hufr ) ۱-ا. ف. کیندل.  
 حفظ ( hifz ) ۱-ا. ف. یاد، ساتل، ساتنه.  
 حفیظ ( hafīz ) ۱-ص. یادونکی  
 ساتندوی.  
 حق ( haq ) ۱-ا. رښتیا، وړ.  
 حقدار ( haqdār ) ۱-ص. فا.  
 هکباندي.  
 حقارت ( hiqārat ) ۱-ا. ف.  
 سپکتیا، سپکاوی.  
 حقایق ( haqāīq ) ۱-ا. جم.  
 رښتیاوی.  
 حقوق ( huquq ) ۱-ا. جم.  
 حقونه.  
 حقه باز ( huqabāz ) ۱-ص. فا.  
 ډیلي مار، مداری.  
 حقیر ( haqīr ) ۱-ص، سپک،  
 سپوتک، خوار.

حساب ( hisāb ) ۱-ا. ف. شمیر.  
 حسد ( hasad ) ۱-ا. ف. غور، اړور.  
 حُسن ( husun ) ۱-ا. ف. ښایست.  
 حسن ( hasan ) ۱-ص. ښه، اغلی.  
 حُسین ( husayn ) ۱-ص. ښایسته.  
 حشر ( hasar ) ۱-ا. ف. پاڅونه،  
 غونډول.  
 حشره ( hasara ) ۱-ا. خوځنده.  
 حشمت ( hašmat ) ۱-ا.  
 دباب، شمشه، سامانه.  
 حصار ( hisār ) ۱-ا. کلا.  
 کوټ، گډ.  
 حصر ( hasr ) ۱-ا. ف. چاپېرول.  
 حصه ( hisa ) ۱-ا. برخه، ونډه.  
 حضرات ( hazarāt ) ۱-ا.  
 جم. ښاغلو.  
 حضرت ( hazrat ) ۱-ا.  
 ښاغلی، درشل.

حمایل (hamāl) - ۱. لږ، هار.  
 حمد (hamd) - ۱. ف. ستاينه.  
 حميد (hamīd) - ص. ستايلي.  
 حمله (hamla) - ۱. غورځنگ، بريد.  
 حنيف (hanīf) - ص. سم مسلمان.  
 حوادث (hawādis) -  
 ۱. جم. پېښې، توري سړي  
 حواس (hawās) - ۱. جم. حواس  
 حواشي (hawāshī) - ۱. جم.  
 خنداى، غاړې.  
 حواله (hawāla) - ۱. چټى.  
 حومه (huma) - ۱. خواوشا  
 چپ و چاپير.  
 حويلی (hawīl) - ۱. انگرې.  
 سړى، ټينگرې.  
 حيات (hayāt) - ۱. ف.  
 ژوندون، ژواک.  
 حيدر (haydar) - ۱. زمري.  
 حيرت (hayrat) - ۱. ف.  
 ارياني، اريانيډل.  
 حيوان (haywān) - ۱. ژوند  
 ژوندون، ژواک.  
 حيوان (haywān) - ۱. ژوى  
 ساکښ.

حقیقی (haqlīqī) - ص. ن.  
 په رښتيا، د زړه.  
 حکایت (hikāyat) - ۱. ف.  
 کيسه، نکل.  
 حکومت (hukumat) -  
 ۱. ف. حکومت.  
 حکيم (hakīm) - ص. حکيم.  
 حلال (halāl) - ض. کړنې، الال.  
 حلاوت (halāwat) - ۱.  
 ف. خوږوالى.  
 حلف (half) - ۱. لور، قسم.  
 حلقه (halqa) - ۱. غړۍ، کړۍ  
 حلقه.  
 حلقه حلقه (halqahalqa) -  
 ۱. ص. کړۍ، کړۍ.  
 حلوا (halwā) - ۱. الوا، اوښه  
 وربښه.  
 حلول (hulūl) - ۱. ف. رابښکته  
 کيدل.  
 حماسه (hamāsāt) -  
 ص. زړه وړ توب.  
 حماقت (hamāqat) - ۱.  
 ف. نا پوهنه، نا پووالى.  
 حامل (hamāl) - ص. پنداى  
 جوالى.



# خ

خاریدن (xārīdan) - ۱. فا. گزول.

خاص (xās) - ص. خانگیری، خاصه.

خاصیت (xāseyat) - ۱. خوی، اخته.

خاطر (xātir) - ۱. تکه، زپه.

خاک (xāk) - ۱. خاوره.

خاکباد (xākbad) - ۱. م. دورپ.

خاک جارو (xākjaru) -

۱. م. ورخری، خلبلی.

خاکستر (xākistar) - ۱. ایره.

خاکستری (xākistarī) - ص.

ن. خپ، ایرن، ایریخ.

خال (xāl) - ۱. تکی، پوتی، خال.

خایف (xāyef) - ص. دارن.

خادم (xādim) - ۱. ص. چوپری،  
چوکر.

خار (xār) - ۱. اغزی، ازغی.

خارمغیلان (xārimuǵıylān) -

۱. م. مرکندی، گرهله.

خارا (xāra) - ۱. شخره، گاره.

خارج (xārij) - ۱. فا. د باندی، بهر.

خارجی (xārijī) - ص. ن.

باندینی، پردی.

خارج شدن (xārijsudan) -

۱. ف. وتل.

خارج کردن (xārijkardan) -

۱. ف. ویستل.

خارش (xāris) - ۱. ف. کله، خارش.

خانه بدوش (xānabadoš) - ۱.

م. کوچی.

خانه دار (xānadār) -

ص. فا. کوروالا.

خانه داماد (xānadāmād) -

۱. ص. کور زومی.

خانه واده (xānawāda) -

۱. م. کورنی.

خانم (xānēm) - ۱. میرمن.

خاور (xāwar) - ۱. ختیځ، لمر خواته.

خاین (xāyen) - ص. فا. دغل، درغل.

خبر (xabar) - ۱. خبر.

خبیث (xabīš) - ص. خپل،

ناولی، ککړ.

خبیر (xabīr) - ص. پوه.

خپ (xap) - ص. غلی، خپ، چپ.

خجالت (xijālat) - ۱. خپ، ژمنه،

خینګ.

خجالت شدن (xijālatšudan) -

۱. ف. شرمیدل.

خال زدن (xālzadan) -

۱. ف. ستنوهل.

خالی (xālī) - ص. تش.

خام (xām) - ص. اومه.

خام بوی (xāmboy) -

ص. م. سوړبوی.

خامس (xāmis) - ص. پنځم.

خاموش (xāmoš) - ص.

چپ، غلی، خپ.

خاموش شدن (xāmoššudan) -

۱. ف. خپیدل.

خاموشی (xāmošī) - ص. چیتیا.

خان (xān) - ۱. خان.

خانقاه (xānaqāh) - ۱. م. لنگر.

خانه (xāna) - ۱. کور، مینه.

خانه آباد (xānaābād) -

۱. م. کور دی ودان.

خانه خراب (xānaxarāb) -

۱. م. کور خوری، کور جوړی.

خانه دان (xāndān) -

۱. م. کورنی، کوړمه، کهول.

خانه به خانه (xānabaxāna) -

۱. م. کور په کور.

خراب (xarāb) - ص. وړان،

وېجاړ.

خرابه (xarāba) - ص.

کنډواله، وړانه.

خراج (xarāj) - ۱. لگاوو، تاوونی.

خراس، خروس (Xurās)

(xurās) - ۱. چرگی.

خرافات (xirāfat) - ۱. جم.

چټیات، ارتاویزی.

خرام (xirām) - ۱. نخره، نشم،

شانه، وړانه.

خرامیدن (xirāmīdan) -

۱. ف. نشمیدل،

په نخرو وتل.

خربوزه (xarbūza) - ۱. خټکی.

خرچ (xarc) - ۱. خرڅ، لگښت،

لگون.

خرس (xirs) - ۱. هنر، میله.

خجسته (xujista) - ص.

بناد من، ورین، تالیمن.

خجبل (xijil) - ص. خر، خیند، پکه.

خدا (xudā) - ۱. خدای څښتن،

خاوند.

خدا حافظ (xudāhafiz) -

۱. م. خدای په امان.

خدا داد (xudādād) -

ص. مف. خدای ورکړی.

خدایگان (xudāygān) -

۱. ص. پاسوال، پاچا.

خدمت (xidmat) -

۱. ف. چوپړ، خدمت، چوکړی.

خدمه (xadama) -

۱. چوپړان، چوکړان.

خر (xar) - ۱. کرکی، خر.

خر (xar) - ۱. گیدی، خر، خرډی.

خر مگس (xarmagas) -

۱. م. بکن.

خر مهره (xarmuhra) -

۱. گوجی، گنجکه.

خس دزد (xasduzd)-

۱. م. غلچکی.

خسپیدن (xuspīdan)- ۱.

ف. خمالاستل، پریوتل.

خسته (xasta)- ص. ستړی

ستومانه، خسته زنی.

خسر (xusur)- ۱. سخر، خسر.

خسر بره (xusurbura)-

۱. اوښی، اخښی.

خسر خیل (xusurxel)-

۱. جم. خسر گڼی.

خشک (xasak)- ۱. سپل،

چښی، اغزکی.

خسوف (xusuf)- ۱. بر. تندرہ،

سرنده.

خسیس (xasīs) ص. پاسو، ټیټ.

خشت (xišt)- ۱. خښته، سله.

خشت پخته (xistipuxta)-

ص. مف، پخه خښته.

خشک (xušk)- ص. وچ.

خشکابی (xuškābī)- ۱. م.

وچوبی.

خرسند (xursand) ص. خوښ

خوشاله.

خورشید (xorsīd) - ۱. لمر، نمر.

خرقه (xirqa)- ۱. خرکه گودپی.

خرگوش (xargos)- ۱. سوی.

خرما (xurmā)- ۱. کجوره.

خرمن (xirman)- ۱. درمن،

درمند.

خروج (xurúj)- ۱. ف. وتل.

خروش (xuros)- ۱. چیغه، کریکه.

خروشیدن (xurošīdan)-

۱. ف. سوریدل، چیغیدل.

خریدن (xarīdan) ۱. ف.

پیرول، اخیستل.

خریطه (xarīta)- ۱. کڅوړه، خلته.

خزان (xazān)- ۱. منی.

خزاین (xazāyen) ۱. جم.

زیرمی، خزانی.

خزانه (xazāna)- ۱. زیرمه،

خزانه.

خزیده (xazīda)- ۱. مف. غلی.

خشک سال (xuṣksal) -

۱. م. سو کره، وچ کالی.

خشک شدن (xuṣksūdan) -

۱. ف. وچیدل.

خشک کردن (xuṣkkardan) -

۱. ف. وچول.

خشم (xasṁ) - ص. غوسه، گواښ.

خشو (xuṣū) - ۱. خواښی.

خصوص (xusūs) ۱. ف. خانگړی.

خصوصی (xusūsī) - ص.

ن. ځانته، خاص ځانته.

خصوصیت (xusūmat) - ص.

دښمنی، میرختی.

خضرا (xazrā) - ص. سبز، شین.

خضوع (xuzo?) - ۱. ف. کمینی،

تپته.

خط (xat) - ۱. لیک.

خط آهن (xatiāhan) - ۱. مر.

اوسپن لیکه.

خط کش (xatkaš) -

۱. مر. ختیکه، خط کش.

خط راست (xatirāst) -

۱. مر. سمه کرښه.

خطا (xatā) - ۱. گناه، اوبال.

خطا ط (xatāt) - ۱. ف. ښه لیکي.

خطبه (xutba) - ۱. ښه وینا،

موعظه.

خطیر (xatīr) - ص. غټ، ستر.

خفا (xafā) - ۱. پټ، پټول.

خفاش (xafāš) - ۱. ځکالکی،

کتبیز، شمپرک.

خفتن (xuftan) - ۱. ف.

ځملاستل، ویدیدل.

خفقان (xafaqān) - ۱. ف.

خواشیني، خوابدی.

خفه (xafa) - ص. خپه.

خلص (xulas) - ص. لنډ.

خلعت (xil?at) - ۱. خلات.

خلف (xalaf) - ۱. ښه زوی.

خلق (xalq) - ۱. ف. پښخیدل،

پنځول، پنځولی.

خلق (xulq) - ص. خوی، غونی.

خم (xam) - ۱. ص. کور، کړوپ.

خم چشم (xamčasṁ) -

ص. مړ سترگی.

خواهش (xāhis) - ا. ف.

غوښتنه، خوبښه.

خوب (xūb) - ص. ښه.

خود (xod) - ضم. خپل.

خوراک (xorāk) -

ا. خواړه، خوروم.

خورد (xord) - ا. وړکي، کمکي  
کوچنی.

خوردن (xordan) - ا. ف. خوړل.

خوش (xoš) - ص. خوښ.

خوش آمدید

(xošāmadēd) - ا. ف.

ښه راغلاست، هرکله

راشي.

خوشه (xoša) - ا. وړی.

خوشمزه (xošmaza) - ص.

م. خوندور.

خوش شدن (xošsudan) -

ا. ف. خوښیدل.

خوک (xūk) - ا. خوک، سوږې.

خون (xūn) - ا. وینه.

خمیدن (xamīdan) -

ا. ف. کړیدل، ټوغیدل.

خمیر (xamīr) - ا. خمیره.

خنک (xunuk) - ص. ښاره، ښخ.

خنګ (xing) - ص. سپین هرشي

چه سپین وی، سپین آس.

خو (xo) - ا. خوی، غونی.

خو کردن (xokardan) - ا.

ف. آموخته کیدل، غولی اخیستل.

خواب (xāb) - ا. خوب.

خوابیدن (xābīdan) - ا. ف.

بیدیدل، ویدیدلی.

خواجه (xwāja) - ا. ص. خاوند

بادار.

خواست (xāst) - ا. ف. غوښتنه.

خواستگار (xāstgar) - ص.

فا. مرکه، غوښتنه.

خواستن (xāstan) - ا. ف. غوښتل.

خواندن (xāndan) - ا. ف.

غوښتل.

خواهر (xāhar) - ا. خور.

خواهر خوانده-

(xāharxānda)

ا. م. دینی خور، خوبښه.

خیال (xiyál) - ۱. چوټ.  
 خیر (xayr) - ۱. ښیگره.  
 خیر مقدم (xayrimaqdam) -  
 ۱. ف. ښه راغلی.  
 خیز (xez) - ۱. ف. ټوپ، خیز.  
 خیز زدن (xezzadan) - ۱. ف.  
 ټوپ وهل.  
 خیلی (xele) - ۱. ق. خورا.

خونخوار (xūxár) - ص. فا.  
 خونپری، خونپری.  
 خون ریختن (xūnrextan) -  
 ۱. ف. وینه تویول.  
 خیاشنه (xiyāsana) - ۱. ښینه.  
 خیاط (xayát) - ۱. ص. درزی،  
 گندپونکی.  
 خیانت (xiyānat) - ۱. ف. دغل  
 درغلنه.

## چ

چادر (čadar) - ۱. پکری،

لوپته، دانو.

چادر نشین (čadarnišīn) -

۱. کوچیان، پوونده.

چادری (čadarí) - ۱. م.

مکيه، اودنه، خادری.

چاق (čaq) - ص. روغ، جوړ.

چاشت (část) - ۱. غرمه،

بریخړ، خا بنست.

چاقو (čāqu) - ۱. چقو، چاکو،

چکو.

چاک (čak) - ۱. چاور، چو.

چاکر (čakar) - ۱. چوپړی،

چو کر.

چابک (čábuk) - ۱. ص.

چتک، کړندی، زغرد.

چابکی (čábukí) - ص.

ن. چتکی، چالاکی، چابکی.

چاپ (čáp) - ۱. چاپ، ټاپ.

چاپخانه (čāpāna) - ۱. ټاپخی.

چاپلوس (čāpalús) - ص.

غورمال، متازو، ستلی.

چاپلوسی (čāpalúsí) -

ص. ن. غورمالی، غوره.

چایی (čápí) - ص. بلوده، چایی.

چاپیکردن (čāpíkardan) - ۱. ف.

بلودل، چایی کردن.



چپه (čapa) - ف.م. نسکورول

چپه کول.

چپه کردن (čapakardan) -

ا.ف. نسکورول ، چپه کول.

چت (cat) - ا.پشتول ، چت .

چتر (čatr) - ا.چتری، سیورن

چچ (čac) - ا.چج، خپ.

چراگاه (čaragah) - ا.م.

خر، خرپ، بیتیه، ورشو،  
راغه.

چرانندن (čarāndan) - ا.ف.

خړول ، پوول.

چرا (čira) - استفهام. ولی، خله.

چراغ (čirağ) - ا.خراغ،

ډیوه.

چراغان (čirağān) - ا.جم.

خراغان.

چال (čal) - ا.چنی.

چالاک (čalāk) - ص.کاغ

اراده ، چکوره.

چامه (čama) - ا.بدله.

چاه (čah) - ا.کوهی، خا.

چای (čay) - ا.چای ، چي.

چپ (čap) - م.کین، گڅ، چپ.

چپ شدن (čapsudan) - ا.

ف.کوزیدل ، لړیدل.

چپ (čup) - ا.غلی.

چپاول (čapawul) - ا.ف.

نښتل ، پوریکولی ، لگیدل.

چشیدن (ča šīdan) - ا.

ککړ، ناولی.

چپلک (čaplak) - ا.خپلی، چوتی.

چپلی (čaplī) - ا.خپلی، چوتی.

چپن (čapan) - ا.غدکه،

چکمنه، خپنه.

چرند (čaran) - ۱. ص. پرتی،

بربادی.

چسپ (časp) - ۱. اسل، جوت

چسپاندن (časpāndan) -

۱. ف. نښلول، پوریکول.

چشانندن (čašāndan) -

۱. ف. څکول.

چشک (čašak) - ۱. ف. څکه.

چشم (čašm) - ۱. سترکه، لیمه.

چشم آب دادن

(čašmābdādan) - ۱. ف.

سترگوته، غور ورکول.

چشم افتادن

(čašmūfutādan) -

۱. ف. سترگوافتل

سترگه ښیږل.

چشم بستن (čašmbastan) -

۱. سترگی پټول.

چرب (čarb) - ص. غور.

چرب زبان (čarbzabān) -

ص. م. غورژبی.

چرب شدن (čarbsudan) -

۱. ف. غوریدل.

چرب کردن (čarbkardan) -

۱. ف. غورول.

چربو (čarbú) - ۱. دل،

غوز، د نس وازده.

چرت (čurt) - ۱. پرمینځی،

چرت.

چرخ (čarx) - ۱. تا وول، خرڅ.

چرخاندن (čarxāndan) -

۱. ف. تاوول، خرڅول.

چرخ زدن (čarxzadan) - ۱.

ف. چر لیدل، تا وېدل.

چرک (čirk) - ص. زوه.

چرک آلود (čirkālūd) - ص.

کرغیرن، خیرن، لغړن.

چرم (čarm) - ۱. خرمن.

چقدر (čiqadar) - ق.

خومره، خونه.

چقر (čūqur) - ا. ص. غوچ،

ډوغل، چوغانی.

چقوری (čūqurī) - ا. ص.

کوندري، زوه چوغانی.

چک (čak) - ا. چوک.

چکان (čakán) - ص.

خخیدونکی، خخېدون.

چکاندن (čakāndan) - ا. ف.

خخول.

چکش (čakuš) - ا. مترکه، ختکی.

چکک (čakak) - ا. چوگکه

چکه (čaka) - ا. خاڅکی.

چلو (čalaw) - ا. سپینی وریجی.

چلو صاف (čalawsáf) -

ا. م. نینونی.

چله (čila) - ا. م. خله.

چله انگشتر

(čilaanguštar)

ا. م. بندی، خلی.

چلیپا (čalīpá) - ا. مکرکی.

چشم پوشی (čāsm pošī) -

ا. ف. سترگی پتول.

چشم داشتن (čāsmdašān) -

ا. ف. سترگه کرل،

سترگه اوښتل.

چشم روشنی

(čāsmrošanī) -

ا. م. زهری.

چشم سفید (čāsmsafed) -

ا. م. سپن سترگی.

چشم سیر (čāsmser) - ا.

م. موړ سترگی.

چشمک (čāsmak) - ا. سترگک.

چشمک زدن (čāsmakzadan) -

ا. ف. سترگه وهل.

چشم گشنه (čāsmgušna) -

ص. وړی سترگی،

ملالی سترگی.

چشمه (čāśma) - ا. چنه، چینه.

چشیدن (čāśīdan) - ا. ف.

خکل.

چلیدن (čalīdan) - ا. ف.

کومبریدل.

چمن (čaman) - ا. بن، باغ.

چنار (čínár) - ا. چنار.

چنان (čínán) - ق. هغی.

چنانچه (činančih) - ق.

لکه څه، هغسی چه.

چند (čund) - ا. دپخو په سر، بوخ.

چند (čand) - ق. خو.

چندان (čandán) - ق. دومره.

چنگ (čang) - ا. منگل.

چنگال (čangál) - ا. منگل پنجه.

چنگک (čangak) - ا. څوکه.

چنین (čunIn) - ق. داسی، دغسی.

چوب (čob) - ا. لرگی.

چوپان (čopán) - ا. شیون، شپه.

چوچه (čuča) - ا. بجی، بچونی.

چور (čúr) - ا. تالا، لوب.

چوری (čurí) - ا. بنگری.

چوشک (čośak) - ا. کوزه‌ری.

چوشیدن (čośīdan) - ف. رودل.

چوکات (čawkát) - ا. چوکات، کانه.

چون (čún) - ق. څنگه، څرنګه.

چه (čih) - حرف. استفهام، څه.

چهار زانو (čaharzanu) -

ا. م. پیلېمتی، پیلېمولى

چیدن (čīdan) - ا. اوډل، روڼول.

چیز (čīz) - ا. څیز، شی.

چیق (čīq) - ا. چغه، بغاری.

چین (čín) - ا. م. کوت، چن، کرمِل.

چین دار (čīndār) - ا. م. کړتو.

# د

دادو گرفت (dādogirift)-

۱. ف. را کړه ، ورکړه.

دادار (dādār)- ۱. لوی څښتن.

داداش (dādāš)- ۱. لالا ،

روکی.

دادآفرین (dādāfarīn)-

۱. لوی خاوند.

دادن (dādan)- ۱. ف. ورکول.

دار (dār)- ۱. غرغره ، سولی.

داد آفرین (dādāfarīn)-

۱. ډډی ، سروپردي.

دار الخلافه (dārulxilāfa)-

۱. پلازمینه.

دار الشفاء (dārūšifa)- ۱.

م. روغځی ، روغتون.

داتوره (dātorra)- ۱. باتوره

دمتوره ، برېک.

داخل (dāxil)- ۱. ف. دننه ،

ننوتلی.

داد (dād)- ۱. ف. نیاو.

دادخواه (dādxāh)- ۱.

فا. غاوی ، پریادی.

دادرس (dādras)- ۱. فا.

غاورسی ، نیاوی ،

نیاویری.

دادگر (dādgar)- ۱. فا.

نیاو ، نیاویری.

دادوبیداد (dādobedād)-

۱. ف. زوزه ، پوزه ، هلی ځلی

ناری سوری.

دار چین (dārĉīn) - ۱.

دالچینی.

دارش (dāriš) - ۱. سانه.

دارو (dārow) - ۱. درمل، دوا.

دارو غه (dāruwġa) - ۱.

کروی، کښی.

داس (dās) - ۱. آ. لور.

داستار (dāstar) - ۱. ف

بلاونه.

داستان (dāstān) - ۱.

مورسه، نکل، کیسه.

داش (dāš) - ۱. م. کوغالی.

داشوان (dāšwān) - ۱. ف.

بتياری، بتي والا.

داشتن (dāštan) - ۱. ف. لرل.

داعی (dā?ī) - ۱. ف. دواپر.

داعیه (dā?iya) - ۱. ف. غوښتنه.

داغ (dāġ) - ۱. ص. سور.

داغی (dāġī) - ۱. ص. ټاپلی،

ټاپ شوی، متهم، زره.

دارالعلوم (dārul?ulūm) -

۱. م. پوهنځی.

دارالفنون (dārulfunūn) -

۱. م. پوهنتون.

دارباز (dārbaz) - ۱. ف.

بازیگر، دالباز.

داردار (dārdār) - ۱. ف.

چیغی پیغی، ناری سوری.

دارزرد (dārzard) - ۱.

کورکمن.

دار کدو (dārkadu) - ۱. کویی.

دارو گیر (dārogīr) - ۱. ف.

اخ وډب، ډېډبه.

دارو مدار (dāromadār) -

۱. ف. ټیټ و پاس،

راشه درشه، ټوسټ.

دارایی (dārāīy) - ۱. ص.

درلوده، شتمنی.

دارای (dārāī) - ۱. ف.

روزونکی.

## دامن چیدن

(dāmančīdan) - ا.ف.

لمن ټولول ، لمن غونډول

دامنه (dāmāna) - ا.لویه تبه

دانا (dānā) - ص. پوه، پوهیالی

دانش (dāniš) - ا.م. پوهه ،

پوهنه

دانستن (dānistān) - ا.ف.

پوهیدل

دانشگر (dānišgar) - ا.فا

دانشمند ، پوهندوی

دانشمند (dānišmand) -

ا.ف. پوهندوی

دانشور (dānišwar) - ا.

فا. دانشمند ، پوهندوی

دانگ (dāng) - ا.آ. منای ،

سوتی، دمړی ، دانگ لور

دانه (dāna) - ا.نونه ،

زړی، زڼی

داوطلب (dāwotalab) -

ا.فا. پناوی

داغ سر (dāgsar) - ا.م.

ټکسری

داغمه (dāgma) - ص. لټکه

دافع (dāf) - ا.فا. ستونوی،

ستونونکی

داکتر (dāktar) - ا. ډاکتر

دال (dāl) - ا. پیتی ، پاتی

دال (dāl) - ا.فا. لارښوونکی

لارښوونی، لارښوون بومیا

دالان (dālān) - ا.م. ډېوډی

ټونکړی ، منډو، برمک

دال بوز (dālbūz) - ا.

توتکی

دام (dām) - ا.آ. دام. لوینه

دام ماهی (dāmehāh) -

ا.آ. چجه، چجکی

دامی (dāmī) - ا.فا. دامیار

داماد (dāmād) - ا.زوم

دامان (dāmān) - ا. لمن

دچار (dočār) - ف. اخته ،

ککړ، دڅار .

دخ (dox) - ا. لوخه .

دخان (doxān) - ا. لویکی، دود .

دختر (doxtar) - ا. لور، جلی

نجلی، جنی .

دختر باکره

(duxtaribākira) - ا.

پیغله ، جلی، بچری .

دختر برادر

(duxtaribrādar) - وریره .

دختر پاچا (duxtaripāča) -

ا. م. تراکی .

دختر خانه (duxtaixāna) -

ا. ص. پلوی ، سر پټه، پیغله .

دختر خوانده (duxtarxānda) -

ا. دینی لور ، لور ښو .

دختر خواهر (cuxtarixāhar) -

ا. خورزه .

دخترک (duxtarak) - ا. ت.

نجلکی .

دوار (dāwar) - ا. ف. نیاوی

دمکړی .

داوری (dāwair) - ا. ف.

نیاوخی .

داهی (dāhā) - ا. زیارسی .

دایر (dāyer) - ف. مگر خاند .

دایره (dāyra) - ا. آ. چمبه، خند .

دایم (dāyem) - ق. تل، هر کلن .

داین (dāyin) - ص. پوروړی .

نتمشه، دباب ډیچ .

دایه (dāya) - ا. دائی، دشیدومور .

دبستان (dābistān) - ا.

م. ښوونځی، لوستځی .

دبدبه (dābdaba) - ص.

شمشه، وباب، ډیچ .

دبنگ (dābang) - ص.

گادې ، تمبوس، ټنډو .

دبه (dāba) - ا. کلی، ډبه .

دبیر (dābīr) - ا. ف. لیکوال .



## دختر کا کا

(doxterikākā) - ۱. ترله.

## دختر نامزد دار

-(duxtarināmzāddār)

۱. نجل، چنگله.

دختري (duxtarī) - ۱. ص.

بکارت، پیغلطوب

نجلیتوب.

دخل (daxil) - ۱. ظ. ننوتل.

## دخل و غرض

(daxloğarz) - ۱. ف. اړه، تره.

دخمه (daxma) - ۱. م.

مرستون، شامی خپته.

## دخمه رباب

(daxmairubāb) - ۱. آ. شاباز.

دخیل (daxīl) - ص. اوپړه.

دد (dad) - ۱. ځناور، خروړی.

در (dar) - ۱. ور، دړه، تمبه.

## در آستین کردن

-(darāstīn kardan)

ف. تر لاسه کول

لاسته راوستل.

در افتادن (daroftādan) -

ف. سره لوبدل، سره لگیدل.

## در آمدن (darāmadan) -

ف. ننوتل.

درباد (darbād) - ق. پوپنا،

میرات، چپ چپ.

دربار (darbār) - ۱. م. دربار،

دربار.

دربان (darbān) - ۱. ورساتی،

قاپوچی، تماوچی.

دربدر (darbadar) ق. لالواند

درپه دره سرگردانه.

دربه دیوار (drbadewār) -

ص. وره په وره.

دربست (darbast) - ۱. ورتړ.

در حال (drhāl) - ق. اوس،

دستی.

## در عرق شدن

(dar?raqsudan) - ص. په

خولو ډوبیدل.

در گیر شدن (dargīrsudan) -

ص. لگیدل.

## در میان آمد

-(darmyānāmadan)

۱. ف. منځ ته لوبدل.

دراز شدن (darāzšudan)-

ص. اوږدیدل.

دراز شمشیر

(darāzšamšer)-

ص. تگلای، چاره مار.

دراز کشیدن

(darāzkašīdan)-

ا. ف. غزیدل، پیوتل.

دراز گوش (darāzgoš)-

ا. م. کرکی، خر.

دراز نفس

(darāznafas)- ا. م. گراوو،

سرماغزن.

درازی (darāzī)- ص.

اوږدوالی.

درک (dark)- ف.

میندل، پوهیدل.

دراک (darāk)- ا. ف. غیر کفار.

درایت (darāyat)- ص.

پوه، خورتیا، زیا.

درب (darb)- ا. ا. اور، دږه.

در (dur)- ا. مرغلره.

در دانه (durdāna) ص.

مرغلری، گران، نازمن.

در یختن (durrextan) ا. ف.

مرغلری توپول.

در سفتن (dursuftan)-

ف. تیخل، تللیل.

در یتیم (duriyatīm)-

ص. حسین سترکه،

نره مرغلره.

درا (darā)- ا. زغزغی،

گونگری، گونگرو.

دراز (darāz)- ق. اوږد.

دراز افگندن

(darāzafgandan)-

ا. م. اوږدول، پری

ایستل، غورول.

دراز دست (darāzdest)-

ا. م. متیخ، تیر غمونی.

دراز دستی (darāzdestī)-

ص. ف. لاس اچول، تیر غمی.

درخت بلوط (d.balūt)-

۱. خپړۍ

درخت بيد انجير

(d.bedanjĪr)- ۱. هر هندوه.

درخت بيد جنگلي

(d.bedijangālī)- ۱. پده.

درخت بي شاخ

(d.Bešāx)- ۱. کونډۍ.

درخت پشه خانه

(d.Pašaxāna)- ۱. م. اډۍ، کهۍ.

درخت چهار مغز

(daraxtičārmağz)- ۱. اوغز.

درخت زار (daraxtizār)-

۱. م. ځنگل، جنگي.

درخت زار انبوه

(daraxtizāranboh)-

ص. زمبر، درنيگ، ډوله

درخت زار تنک

(daraxtizārtunuk)-

ص. څنگه، رينگړۍ.

درج (darj)- ف. نغبتل.

درج (durj)- ۱. آ. دېلي.

درجات (darajāṭ)- ۱. جم، درجي.

درجن (darjan)- ۱. ع. کوري،

بي.

درجه (daraja)- ص. پور، مرتبه.

درخت (daraxt)- ۱. ونه.

درخت ارچه

(daraxtiarča)-

اوښته، پيچوره، سرب.

لمنځه، بجور.

درخت انار

(daraxtianār)- نرگوسه.

درخت انجير کوهي

(daraxtianjĪrkohī)- ۱. ارمل.

درخت بادام

(d.bādām)-

۱. اړوښتي، لښتي،

غوړ، غوښتي.

درخت بازک

(d.Bāzak)- ۱. تکیکانی، گنده زن.

در دمند (dardmand) -

ص. خورمن.

درد (dard) - ص. خپیل.

در دادن (dardādan) -

ا. ف. اور لگول،

اور بلول.

در گرفتن (dargiriftan) -

ا. ف. اور لگیدل،

اور بلیدل.

در گیران (dargerān) - ق

پیلوخی، لگوونی.

درز (darz) - ا. چاود.

درزن (darzan) - ا. ستن،

ورټکونکی، ورټکونی.

درس (dars) - ۱. لوست،

پښت، پانیاټ.

درس خوان (darsxān) -

ا. ص. زده کړونی.

درست (durst) - ق. جوړ،

روغ، سم.

درست شدن

(durustsudan) - ص.

جوړیدل، روغیدل،

سمیدل، سیخیدل.

درخت گز

(daraxtigaz) - ص. غز.

درخشان (duruxšān) -

ص. ځلاند، ځلیدونکی،

برښنده، برښندوکی.

درخشیدن

(duruxšādan) -

ا. ف. برښیدل،

څرکیدل، ځلیدل.

درخواست (darxāst) -

ف. غوښتنه.

درخواستن

(darxāstan) - ا. ف. غوښتل.

درخور (darxor) - ص. وړ.

درد (dard) - ا. درد، خوړ.

درد دل (dardidil) -

ا. ص. خواله،

د زړه خواله.

درد سر (dardisar) - ا. م.

سر خوړی.

## درست کردن

(durustkardan) - ا. ف.

جوړول، روغول،

سمول، سیخول.

درشت (durušt) - ص. زېږ

لواړ، څښ.

درشتی (duruštī) - ص.

زېړتیا.

درشته (durošta) - ص. کوټره.

درشکه (duroška) -

ا. آ. بګی، ګګاډی.

درفش (darafs) - ا. آ. رینه،

رڼه، رپی، بربری، برینینا، رڼا.

درفشان (darafsān) -

ص. برینیند، ځلانده.

درفشه (darafsā) - ا. توره.

درفشیدن

(darafsīdan) - ص. ځلیدل،

برینیدل، توېدل.

درک (dark) - ا. ص. پوهیدل.

درگاه (dargāh) - ا.

درشل، جوس.

درگذاشتن (darguzāstan) - ا.

ف. ا. تیریدل، مړه کیدل.

درگرفتن (dargiriftan) -

ا. ف. لګیدل، بلیدل.

درمان (darmān) -

ف. درمل، دارو.

درماندن (darmāndan) -

ا. ف. کریابیدل، زړیدل.

درمانده (darmānda) -

ا. مف. اړ، کریاب.

درمانده و حیران

(darmāndawhaīrān) - ص.

هک و پک.

درنده (darinda) -

ا. ص. څیرونی، بژوونی.

درنگ (darang) - ف. ترنگ.

درو (darqw) - ف. لو.

دروگر (darowgar) -

فا. لوګری.

دروود (duruūd) -

ف. درود، صلوات.

درياب (daryāb) - ف.

مه را گوره.

دريافتن (daryāftan) -

ف. ميندل، موندل.

دريچه (darīčā) - ۱.۱. کړکي

برياله، وريخه.

دريدن (darīdan) - ۱.۱. ف.

سگيل، خيرل،

بژول، بزه کول.

دريشي (!dirīs) - ۱.۱. دريشي.

دريغ (dirēg) - ص. وای وای،

وش.

دريغا (diregā) - ص. هي هي

وی وی.

دريغ کردن

(dirēgkardan) - ۱.۱. ف.

سپمول، سپما.

دزد (duzd) - ۱.۱. غل.

دزدانه (duzdāna) -

ص. غلی، په غلا.

دزدیدن (duzdīdan) - ۱.۱. ف.

غلا کول.

درو دگر (duruūdgar) -

۱.۱. ف. ترکان، دروزگر.

درو دن (duruūdan) - ۱.۱.

ف. ريبيل.

دروغ (durowg) -

ص. درواغ.

دروغگو (duroḡgo) -

۱.۱. ص. دروغجن،

سورن، سونين.

درون کوب

(darūnkob) - ص.

خولبول، خيخيرل.

درويش (darweš) -

۱.۱. درويزگر،

خواستگر، پکير.

دره (dara) - ۱.۱. ناو، وټ، تاله، لری.

درهم (darham) - ص.

گلوډ.

دری (dary) - ۱.۱. خلاند ستوری.

دريا (daryā) - ۱.۱. سين، سيند.

دريچه (daryāčā) - ۱.۱. بيله

## دست به دست

-(dastbadast)

ص. لاس په لاس.

## دست به دست زدن

-(dastbadastzadan)

ا. م. لاس ټکول.

## دست به دندان کردن

-(d.badandānkardan)

ف. گوته چيچل.

## دست بر آوردن

-(dastbarāwardan)

ف. لاس پورته کول.

## دست برداشتن

-(dastbardāstan)

ف. لاس اخیستل.

دست بردن (dastburdan)

ف. لاس وړل، لاس

وهل، لاس غزول.

دست بر سر (dastbarsar)

ص. ف. لاس تر زني.

## دست بر سینه

-(dastbarsīna)

ص. ف. لاس په نامه.

دسایس (dasāyes) - ا. ف.

تگی، چلو تی، سوره.

دستاس (dastās) - ا. آ.

مېچن، مېچنی.

دست آموز (dastāmoz)

ا. م. آموخته، روږډی.

## دست از جان شستن

-(dastazjānšustan) - ص.

ف. دخانه لاس پر

یمینخل.

## دست انداختن

-(dastandāxtan)

ا. ف. لاس اچول.

## دست افشاندن

-(dastafsāndan)

ف. گپیدل روڅارول

پرېښودل ترک وهل.

دست باف (dastbāf)

ص. لاس اوبی.

دست بالا (dastbālā)

ص. بر لاسی.

## دست به دامن کسی زدن

-(d.Badamenikasizdan)

ف. لمن ته لاس اچول.

دست چپ (dastičap)-

ا. کپین لاس.

دست خط (dastxat)-

ا. م. لاسلیک.

دستخورده (dastxord)-

ف. لاسخورلی.

دست خوش (dastxoš)-

ص. لاسلوبه.

دست دادن

(dastdādan)- ف. چمبه کول،

لاس ور کول.

دسترس (dastras)- ا. م. لاس

بری.

دست راست

(dastīrāst)- ا. بنی لاس.

دست رنج (dastranj)-

ا. م. دلاس گټه.

دست زدن (dastzadan)-

ا. ف. لاس وهل.

دست شستن

(dastšustan)- ف. لاس مینخل.

دست فروش (dastfuros)-

ا. ف. لږ.

دستک (dastak)- ا. لاری،

دگپوره.

دست بریده

(dastborīda)- ص. پډی.

دست بسته (dastbasta)-

ص. لاس تړلی.

دست بند (dastband)-

ا. م. لاس ونډی.

دست بند شدن

(dastbandšudan)-

ف. کریاییدل، لاس

بندیدل.

دست بوس (dastbōs)- ف.

لاس مچی، لاس مچول.

دست به آستین

(dastbaāstīn)- ق.

لاس په لستونی.

دست به زیر زرخ

(dastbazerizanax)-

ف. لاس تر زنی کښیناستل.

دست بین (dastbīn)- ا.

لاستکونی، لاسکوخی.

دست پاک (dastpāk)-

ا. م. لاس وچونی.

دست پنا (dastpanā)- ا.

آپتندی، مرخینک، ختموښی.



دست نگاه کردن  
 ۱. (dastnigāhkardan) -  
 ف. لاس ساتل.  
 دست نماز (dastnamāz) -  
 ۱. ا. اودس.  
 دست و پا بریده  
 ۱. م. (dastopāburīda) -  
 خوزنگ، سخره.  
 دست یاب (dastyāb) -  
 ۱. م. تر لاسه.  
 دستیار (dastyār) - ۱.  
 لاسگری، لاس وزری،  
 لاس، مرستی.  
 دست یافتن  
 ۱. م. (dastyāftan) -  
 ف. بری  
 موندل، لاس موندل.  
 دست یک (dastyak) -  
 ص. لاس یوی.  
 دستار (dastār) - ۱. پگری،  
 منلو، سه، درگنه.  
 دستار بندان  
 ۱. م. (dastārbandān) -  
 سپین روبی، ستانه،  
 سپین دروبی.  
 داستان (dastān) - ۱. لاسونه.  
 دسته (dasta) - ۱. لاستی.

دست کاری (dastkārī) -  
 ۱. م. لاس وهل.  
 دستکش (dastkaš) - ۱.  
 آ. لاس ماغه دسکله  
 لاسماغو.  
 دست کشاده  
 ۱. م. (dastkušāda) -  
 ص. لاس  
 پراتتی، لاس وازی،  
 ارت لاسی.  
 دست کشی (dastkašī) -  
 ۱. ف. لاس اړول.  
 دست کم (dastikam) -  
 ۱. کم له کمه، خه نه خه.  
 دستگردان (dastgardān) -  
 ۱. م. لاس گرژی،  
 لاسگزانندی.  
 دستگیر (dastgīr) - ص. نیولی.  
 دستگیری (dastgīrl) - ف.  
 مرسته.  
 دستمال (dastmāl) - ۱.  
 لاسنبونی، رومال.  
 دست مایه (dastmāya) -  
 ۱. پنگه.  
 دست مزد (dastmuzd) - ۱.  
 لاس باره، لاس گتیه.  
 دست نشان  
 ۱. م. (dastniśān) -  
 لاس نیالگی.

دفعه (daf' ?a) - ا. وار، پلا، خل.

دفعتا (daf' atan) - ق. نابیره

یو په یو، ناخاپه.

دفن (dafin) - ف. خښ، ښخ.

دقت (diqat) - ص. پام، څیر،

اتیات.

دقیق (daqīq) - ص. ا. نری،

اتیات، پام څیرک.

دکان (dukān) - ا. م. هتۍ، دکان.

دکاندارۍ (dukāndārī) -

ق. هتۍ والی

دکاندارۍ.

دکاندار (dukāndār) -

ا. م. هتۍ وال

دکتر (duktur) - ا. درملی،

ډاکټر.

دکمه (dukma) - ا. غوټه تنۍ.

دل آراء (dilārā) - ص.

زړه مښتۍ.

دل آرام (dilārām) - ص.

زړه سودۍ.

دل آسا (dilāsā) - ف. دلاسا.

دل افتادن (dilaufādan) -

ص. زړه پریوتل،

زړه لویدل.

دسته دار (dastadār) -

ص. لاستور.

دسته شمشیر

(dastāsamšer) - ا. موتۍ.

دسیسه (dasīsa) - ا. ف.

چل، دروټه،

چلوټه، سوړه.

دشت (dašt) - ا. م. میره،

ډاگ، بیدیا، دښته.

دشلمه (dašlama) - ا.

خوځوړی، تشلمه، کچلمه.

دشمن (dušman) - ا. ص.

میر څمنی، دښمن، میر څن.

دشنام (dušnām) - ف.

کڅخا، زیری، زورله.

دشوار (dušwar) - ق. به لغت

دشخوار مراجعه شود.

دعاء (du'ā) - ا. کړنده، پاتا،

غوښته، خواست.

دعوای (da'wā) - ف. داوه

نزاع، جنگ چکړه.

دغدغه (dagdaḡa) - ا. خر خښه.

دغل (daḡal) - ا. ص.

غالیجن، گری جن،

گولیجن.

دفتر (daftar) - ا. دوتر. دیوان.

دل بستن (dilbastan) -

۱. ف. زړه تړل.

دلبنده (dilband) - ۱. ص. زړه

پوری.

دل بیجا شدن

(dilbejāšudan) - ۱. ص.

زړه ختل.

دلپذیر (dilpazīr) - ق. ص.

زړه غوښتی، په زړه

پوری.

دلتنګ (diltang) - ص.

خواشینی، ساړوبی،

خواپیتی.

دلجوی (dilgoŋ) - ف. دلا ساینه

لاوسا ګیرنه.

دلچسپ (dilčasp) - ۱. م.

په زړه پوری.

دل خانه (dilxāna) - ۱. م.

کوکل، کوکل.

دلخراش (dilxarāš) - ۱. م.

زړه مینودی.

دلخسته (dilxasta) - ۱. م.

زړه خوړی، خواشینی.

دلخواه (dilxāh) - ۱. م. زړه

غوښتی.

دلخوش (dilxoš) - ۱. م.

زړه خوښی، خوشاله.

دل افسرده (dilafsurda) -

ص. زړه سور، زمول.

دل فگار (dilfigār) - ص.

ویشتلی، زړه مینودی.

دل انداختن (dilandāxtan) -

۱. ف. زړه اچول،

زړه غورځول.

دلاور (dilāwar) - ص. زړه

ور، زړن.

دل باختن (dilbāxtan) - ۱

ف. زړه ورکول

زړه بايلل.

دل به دریا زدن

(dilbadaryazadan) - بی ګودره

ګډېدل.

دل بدست آوردن

(dilbadastāwardan) -

۱. ف. زړه په لاس راوړل.

دل بد شدن

(dilbadšudan) - ۱. ف.

خواکیدل، خواګرځیدل.

دلبر (dilbar) - ۱. ص.

زړه مینتی، زړه وپوښی.

دل بردن (dilburdan) -

۱. ف. زړه وپل.

دل سردی (dilsardī) - ا.م.

زړه سوړتیا.

دل سوختن (dilsuxtan) -

ا.ف. زړه سول.

دل سوز (dilsoz) - ا.م. زړه

سوانده.

دل شب (dilišab) - ا.م.

نیمه شپه.

دل شکسته (dilsikasta) -

ا.م. زړه ماتیدل، زړه

پرېوتل.

دل قوي (dilqawī) -

ص. رو. زړی، غټ زړی.

دل کردن (dilkardan) -

ا.ف. زړه کول.

دلکش (dilkaš) - ا.م.

زړه څکونی، زړه وړونی.

دل گرفتن (dilgiriftan) -

ف. زړه نیول، زړه ټولول.

دل گرمی (dilgarmī) - ا.م.

زړه لگیدنه.

دلگیر (dilgīr) - ا.م. زمول

پروس، خپه.

دل ناخواه (dilnāxāh) -

ا.م. مړه خوا.

دل نرم (dilnarm) - ا.ص

نری زړی، زړه سواندی.

دلخون (dilxūn) - ا.ص.

لږمون، خوړپنی.

دلدادن (dildādan) -

ا.ف. زړه بایلل.

دلدار (dildār) - ا.ص. دلیر،

زړه ور، زړه وړی.

دلداري (dildārī) - ق. ډاډهنه

ډاډکېرته.

دلداشتن (dildāstan) - ا.

ف. زړه لرل.

دل دقی (dildiqī) - ا.م.

گروم، خواشینی.

دلربا (dilrubā) - ص.

زړه وړونی.

دل روز (dilroz) - ا.م. ټکنده

غرمه.

دلریش (dilreš) - ا.م.

خواشینی، زړه خوړی.

دل زدن (dilzadan) - ا.ف.

زړه وهل.

دلستان (dilstān) - ا.

زړه وړونی.

دل سرد (dilsard) - ا.م. زمول

سوړ زړی.

دما دم (damādam) - ۱.

پله پسی.

دمبدم (dambadam) - ۱. ق.

سا په سا، په سیا له.

دم راست (damrāst) - ۱. ص.

ورومه.

دم راست کردن

(damrāstkardan) - ۱. ا.

ف. سا اخیستل،

دمه کول، سا نیول.

دم راستی (damrāsī) - ۱.

ا. م. او ساینه، دمه،

سهایدنه، سو که توب.

دم زدن (damzadan) - ۱. ف.

دمول، اوره کول، پارل.

دم ساز (damsāz) - ۱. م.

زړه سوری.

دمش (damiš) - ۱. ص. پارسی،

پار سوب.

دم گرفتن

(damgiriftan) - ۱.

ا. ف. دمه کول.

دم و دود (damodūd) - ۱.

ا. م. ف. او خله پو خله.

دماغ (damāg) - ۱. ماغزه،

منزغزی، ماغزه.

دل به هم خوردن

(dilbahamxordan) - ۱.

ا. ف. زړه هسکیدل.

دلاک (dalāk) - ۱. م. نا بی.

دلال (dalāl) - ۱. ریار.

دلالت (dalālat) - ۱. ف.

ریاری، بومیا گلولی.

دل دل (daldal) - ۱. م. بښتنه،

لن غلیشکی، پلندی.

دلده (dalda) - ۱. اتوب، ورغستلی

گوری، گبر گبره.

دل ق (dalq) - ۱. گودپی.

دل قک (dalqak) - ۱. ص.

تو کمار.

دلیر (diler) - ۱. ص. زړه ور، زړن.

دلیل (dalīl) - ۱. بومیا، خولیر.

دم (dum) - ۱. لکی.

دم بریده (dumburīda) - ۱.

ا. ص. لنلی.

دمچی (dumčī) - ۱. پیارمه.

دم دار (dumdār) - ۱. ص. لکی ور

دمغوزه (dumgoza) - ۱.

لمخنلوی، لمکپی، بچکی.

دم (dam) - ۱. سا، دم.

دماغ سوزی (damāgsozī)-

۱. م. پزه تروه کول،

پزه کږول.

دمبل (dambal)- ۱. سینجکی.

شنځه لونه، شینځه.

دمدمه (damdama)- ف.

اغذغ، چل.

دنبال (dunbāl)- ۱. لکی.

دنباله دار (dunbālladār)-

ص. اوږد.

دنبیره (danburra)- ۱. دنبوره.

دنبه (dunba)- ۱. م.

دنبه دادن (dunbadādan)-

۱. ف. شویول، بوس

ورکول، بوس لاندی

کول.

دنبه دار (dunbadār)-

۱. ص. لمور.

دندان (dandān)- ۱. غاښ.

دنداننه (dandāna)- ۱. پره،

مورکه، غاښی.

دندانې (dandānī)- ص.

داړو، داړور.

دنده (danda)- ۱. پښتی.

دنده کلک (dandakilak)-

ف. اېس دنډی، ډی.

دنیا (dunyā)- ۱. نړۍ، ټوپن،

دنیا.

دنیا دار (dunyādār)-

۱. ص. بډای.

دوباره (dobāra)- ق. بیا،

بل وار، دوه پلا،

دوه واریځ.

دوبالا (dobāllā)- ص. دو

باجه، یو په دوه،

پردوه.

دو به دو (dūbadū)- ص.

دوه په دوه.

دو بیتي (dobaytī)-

۱. م. څلوریځه.

دوپله یی (dapallaeī)-

ص. دوه پتیځ.

دو پشته (dupušta)-

ص. غبرګی.

دوتا (dutā)- ص. کړوپ.

دوتایی (dutaēī)- ۱. ص.

دواړه.

دوچند (dučand)- ۱. ص.

یو په دوه، کورپه، دوگون.

دوات (diwāt) - ا. مشوانی.

دوازده (dowāzdah) - ا. ع.

دولس.

دوچار (dočār) - ف. دوخار.

مخامخ کیدل.

دوختن (doxtan) - ف. ځنډل.

دوخت (doxt) - ف. ځنډنه.

دود (dūd) - ا. لویځی، دود، لو.

دود بوی (dūdboy) -

ص. لویځن.

دوددل (dudidil) - ا. م. د زړه تاو.

دودراو (dūdṛaw) - ا.

وتکی، روزان،

کولک، موری.

دور (dūr) - ق. لری.

دور افتادن (dūrāftādan) -

ا. لری لویدل، لری تلل.

دوراندیش (durandēs) - ا.

م. اوږد دانندی، اوښندی.

دوردست (durdast) -

ا. م. لری.

دور شدن (dūrśudan) -

ا. ف. لری کیدل.

دوری (dūrī) - ص. لری والی.

دودل (dodil) - ا. م. ډېلېښی،

دوه زړه، زړه نا زړه.

دودزده (dudzada) - ص.

لمانۍ، نواری، نماری.

دورگه (doraga) - ص. ځېز.

دورو (doro) - ص. سورزېر،

دوه مخی، دوه مخیځ.

دوروزه (doroza) - ق. دوه

روخی.

دورانو نشستن

(dozānūnišastan) - ا. ص.

ځونډی وهل.

دوزبانه (dozabāna) - ص.

دوه ژبی.

دو طرفه (dutarafa) - ا. ص.

دوه خوائیځ.

دوقات (duqāt) - ص. غبرگی

برغ، بغرگی.

دوگانگی (dogānagī) -

ص. غبرګونی،

غبرګولی، غبرګی.

دویي (duc) - ص. بیلواله، بیلتون.

دوان (dawān) - ص. ځغلاند، په

ځغاسته.

دورادور (dawrādawr)-

ص. چپ چاپير.

دوران (dawrān)-

ف. چلاو، چلند، چلنه.

دور خوردن

(dawrxordan)- ا. ف

تاويدل، چورليدل، خرخيدل.

دوستدار (dustdār)- ا.

فا. مينه ور.

دوستي (dostī)- ف. خپلوی.

دوسيه (dūsyā)- ا. دوسيه.

دوشاب (došāb)- ا. زوښه،

زوښا، دوشا.

دوشيزه (došīza)- ص. پيغله

بچري، جلی.

دوعا (doʔa)- ف. خاست،

پاتا، غوښتنه.

دوغ (dog)- ا. شرابي، تروی،

شوملي، شلومي.

دوک (dok)- ا. دوک، خاښی.

دول (dol)- ا. بوکه، سلواغه، ډول.

دولانه (dollāna)- ا. غونځه.

دولتمند (dawlatmand)-

ص. بلهاي.

ده یک (dahyak)- ق. لپگی

ده يکه (dahyaka)- ا. لسمه

ده (dih)- ا. کلی.

ده خدا (dihxudā)- ا. م.

کندی دار، ملک، کلی

مشر.

دهات (dihāt)- ا. کلی.

دهان بسته (dahānbasta)-

ص. الښک، پت خولی.

دهان پاره (dahānpārre)-

ص. خولځير، پوچ

خولی.

دهان مزه

(dahānmaza)- ا. خوله

خونده.

دهان يخ (dahānyex)-

ص. جينگه خولی،

ويت خولی.

دهشت زده

(dahšatzada)- ص. تراه،

ترهورتيا.

دهل (duhul)- ا. ډول.

دهليز (dahliz)- ا. ډيوډی.

ديار (diyār)- ا. ښارونه، بومونه.



دیگر (dígar) - ۱. زلزل، مازدگر.

دین (dīn) - ۱. دین، گروهه.

دیندار (dīndār) - ص. سادمنی.

دیو دل (dewdil) - ص. اوی.

دیو (dew) - ۱. دیپ ابره، دیو.

دیوار (dewār) - ۱. دیوال،

خندک، النکه.

دیوار گر (diwārgar) -

۱. فا. ختگر.

دیوار سنگی

(dewārisang) - ۱. ص. باره.

دیوان (dewan) - ۱. م. دوتر،

تول لیک.

دیوانه (dewāna) - ص. لیونی.

دیوانه گی

(dewānag) - ص. لیونتوب.

دییاجه (debāca) - ۱. برید لیک.

دیدار (dīdār) - ۱. ق. مخ، انگ.

دیده و دانسته

(dīdawodānista) - ۱. په

لوی لاس، رچید، لیره پیله.

دیر (der) - ق. خند.

دیر شدن (dersudan) - ۱.

ف. خندیدل.

دیر کردن (deirkardan) -

۱. ف. خندول.

دیر مانده (dermānda) -

ص. خند نی.

دیرینه (deirīna) - ص. زاری

لرغون، پخوانی، خند نی.

دیشب (dīšab) - ق. برایی.

دیگ (deg) - ۱. دیگی، کتوه.

دیگدان (diegdān) - ۱. نغره.

دیگدان سرد

(diegdānisard) -

ص. بی نغری،

اورمپ، سور نغری.

# ذ

- ذات (zát) - ۱. م. خواند، خبنتن.
- ذال (zál) - ۱. دالفبا توری، توره.
- ذخیره (zaxÍra) - ۱. ف. زیرمه، پاسره، اړوینستی.
- ذره (zarra) - ۱. نوکی، وړانگه، رچه، پلوشه.
- ذکاوت (zakāwat) - ۱. م. زیارسی، څیرک تیا.
- ذکر (zikir) - ف. یادول، بلل.
- ذکی (zakÍ) - ۱. زیارسی، څیرک.
- ذلیل (zalÍl) - ۱. م. ذپلی، توزن، خوار.
- ذمه (zimma) - ۱. ولکه، غاړه.
- ذمه وار (zimmawār) - ۱. ف. په غاړه اخیستل، عهده دار.
- ذوق (zawq) - ۱. ف. څکل، چشل، مینه.
- ذغال (zuġ'ál) - ۱. ب. سکاره.
- ذغال سنگ (zuġ'ál lisang) - ۱. م. دډبرو سکاره.
- ذیحق (zÍhaq) - ۱. م. دحق خاوند، دحق خبنتن.
- ذیروح (zÍroh) - ۱. م. ژوی، ساکبن.
- ذیصلاح (zÍsaláh) - ۱. م. دصلاحیت خاوند، دواک خبنتن.
- ذیعلاقه (zÍ'alláqa) - ۱. م. دذوق خاوند، دمیني خبنتن.
- ذیربط (zÍrabt) - ۱. م. داریکی نخبنتن، درابطه خاوند.

# ر

راقم (raqim) - ص. لیکونکی.  
 راکب (rakib) - ا. فا. سپور.  
 رام (ram) - ا. ایل.  
 رامش (ramiš) - ا. سوکالی.  
 راوی (rawī) - ا. فا.  
 روایت کونکی.  
 راه (rah) - ا. لاره.  
 راهب (rahib) - ا. راهب.  
 راه زن (rahzan) - ا. م. داپ مار.  
 رای (ray) - ا. گروہه.  
 رایگان (rayagan) -  
 ص. فا. وریا.  
 رب (rab) - ا. خنبتن تعالی.  
 رباعی (rubā?ī) - ا. خلور پیخه.  
 ربع (rubh) - ا. گتہ.  
 رتبه (rutba) - ا. پور.

رابط (rabit) - ص. فا. ارتباط  
 ورکونکی.  
 راتب (ratib) - فا. دنده، ثابت.  
 راجع (raj?) - فا.  
 برگشت کونکی.  
 راحت (rahat) - ا. ف. استراحت.  
 راد (rad) - ص. خوانمرد.  
 رادیکال (radīkāl) - ا. ص.  
 اصلاح غوښتونکی.  
 راز (raz) - ا. خواله.  
 راستکار (raskar) - ا. م. رښتنی.  
 راستی (rastī) - ص. رښتیا.  
 راسخ (rasix) - ص. هوډمن.  
 راش (ras) - ا. رښه.  
 راشد (rasid) - ا. فا. رښتنی.  
 راضی (razī) - ص. خوښ.  
 راعی (ra?ī) - شپون.

رصد (rasad) - ۱. خار.  
 رضا (ra zā) - ۱. ف. خوښه.  
 رطوبت (rutúbat) - ۱. ف. لنده، خټوالی.  
 رعایت (ri?āyat) - ۱. ف. ساتل، ماتفه.  
 رعیت (ri?yat) - ۱. پاسلی.  
 رغبت (raġbat) - ۱. مینه والی.  
 رفاقت (rifāqat) - ۱. ف. ملگرتوب.  
 رفیع (raf.Ī?) - ص. لوړ، هسک.  
 رفیق (rafīq) - ۱. ص. مل، ملگری، انډیوال.  
 رقص (raqs) - ۱. ف. نڅا، ګلډا.  
 رکیک (rakīk) - ص. سپک.  
 رمز (ramz) - ۱. ښاره، زونګه به یچمی.  
 رمضان (ramazān) - ۱. دروژی میاشت.  
 رنج (ranj) - ص. خواری.  
 روپوش (rop os) - ۱. م. مخنیونی.  
 روسیاه (rosyāh) - ص. تورمخی.

رجحان (rujhān) - ۱. لوړ تیا.  
 رحم (rahm) - ۱. زړه سوی.  
 رخ (rux) - ۱. مخ.  
 رخسار (ruxsār) - ۱. خیره، مخ.  
 رخشان (ruxsān) - ص. ځلاند.  
 رذل (razil) - ص. کچه، پاسو، سپونک.  
 رزم (razim) - ۱. جګړه، جیګار.  
 رساله (risāla) - ۱. لیک.  
 رسامی (rasāmī) - ص. کښید یاری.  
 رستاخیز (rastāxez) - ۱. ف. پاڅون.  
 رسته (rasta) - ۱. خپره، لین.  
 رسد (rasad) - ۱. بخړه، برخه، ډډی.  
 رسم (rasim) - ۱. کښیده.  
 رسن (rasan) - ۱. پړ، رسی.  
 رسوا (ruswā) - ص. اشوا.  
 رسول (rasūl) - ۱. استازی.  
 رسوم (rusūm) - ۱. جم. دودونه.  
 رشوت (rišwat) - ۱. ف. بری، موک، ګدیده موکه.

رویه (rawya) - ص. چارچلند،

سلوک.

رهایش (rahāys) - ۱. استوگنه.

ریاضت (riyāzat) - ص. زهد.

ریز (rez) - ص. واره.

ریزش (reziš) - ص. دومه،

والکې، دومی.

رسیمان (resmān) - ۱. رسی.

ریش (rīš) - ۱. ږیره.

ریشخند (rešxand) - ص.

ملنډی.

ریگ (reg) - ۱. شکه.

ریم (rīm) - ص. زوی، زوی.

روگردان (rogardán) -

۱. ف. مخ اړونی.

رونویس (roniwīs) - ۱. م.

دمخه لیکل.

روابط (rawābit) - ۱. جم.

تراوی، آمتی.

روز روشن (rozirošan) -

۱. م. پښینه ورځ.

روزمزد (razmuzd) - ۱. م.

روځپاره.

روزنامه (roznāma) - ۱. م.

ورځپاڼه.

روستا (rosta) - ۱. کلی.

روشن (rošān) - ص. روښانه.

روغن (roḡan) - ۱. غوړی.

## ز

زاد (zād) - ۱. توبه.  
 زاد و بوم (zādobūm) -  
 ۱. تاتوبی.  
 زار (zār) - ص. خوار.  
 زارع (zāri?) - ا. ف. بزرگوار.  
 زاغ (zāg) - ا. تیخی.  
 زال (zāl) - ا. زور.  
 زانو (zānū) - ا. زنگون.  
 زاهد (zāhid) - ا. سمکوت.  
 زاهر (zāhir) - ا. خرگند، جوت.  
 زاید (zāyīd) - ا. ف. زیاتی.  
 زایل (zāyīl) - ا. ف. زوم، زهه، لری.  
 زبان (zabān) - ا. ژبه.  
 زبان آور (zabānāwar) -  
 ا. م. ژب غرن.  
 زبده (zubda) - ا. ص. غوره.  
 زبردست (zabardast) -  
 ا. م. پیآوری.  
 زبون (zabūn) - ص. زبولی،  
 خوار.  
 زجر (zajir) - ص. ستنونه، منه.  
 زحمت (zahmat) - ص.  
 خواری، زیار کپ او، ربې، غم.  
 زخم (zāxim) - ص. پرهار، تپ.  
 زخمه (zaxma) - ا. شایاز، زخمی.  
 زخمی (zaxmī) - ص. ژوبل.  
 زدن (zadan) - ا. ف. وهل، ویشتل.  
 زدوبند (zadoband) -  
 ا. ف. چل ول.  
 زد و خورد (zadoxord) -  
 ا. ف. جنگیدل.  
 زر (zar) - ا. سره زر.  
 زراعت (zirā? t) - ا. ف.  
 کرل، کر، کرنه، کرله.  
 زربفت (zarbaft) - ا.  
 زر زری.

زاد (zād) - ۱. توبه.  
 زاد و بوم (zādobūm) -  
 ۱. تاتوبی.  
 زار (zār) - ص. خوار.  
 زارع (zāri?) - ا. ف. بزرگوار.  
 زاغ (zāg) - ا. تیخی.  
 زال (zāl) - ا. زور.  
 زانو (zānū) - ا. زنگون.  
 زاهد (zāhid) - ا. سمکوت.  
 زاهر (zāhir) - ا. خرگند، جوت.  
 زاید (zāyīd) - ا. ف. زیاتی.  
 زایل (zāyīl) - ا. ف. زوم، زهه، لری.  
 زبان (zabān) - ا. ژبه.  
 زبان آور (zabānāwar) -  
 ا. م. ژب غرن.  
 زبده (zubda) - ا. ص. غوره.  
 زبردست (zabardast) -  
 ا. م. پیآوری.

زمستان (zimistán) - ۱.  
 ژمی، جمی، زمی.  
 زمین (zamín) - ۱. ځمکه.  
 زن (zan) - ۱. ښځی.  
 زنبق (zanbuq) - ۱. زنبق.  
 زنجیر (zanjír) - ۱. زنجیر.  
 زندان (zindán) - ۱. بندیکخانه.  
 زنده (zinda) - ص. ژوندی، ژوی.  
 زنگی (zangí) - ۱. تور.  
 زوج (zawj) - ۱. میړه، جوړه.  
 زورق (zawraq) - ۱. بیړی.  
 زولانه (zawlána) - زولنی،  
 پایکړی.  
 زهد (zuhd) - ص. پالیالی، مناتوب.  
 زهر (zahr) - ۱. انډیر، گنډیر، جر.  
 زیان (ziyán) - ص. فاساد، خلل، تاوان.  
 زیتون (zaytún) - ۱. ښون، خانی.  
 زیرک (zírak) - ص. خور، څیر.  
 زین (zín) - ۱. سرغ، گانی، آنه.  
 زینت (zínat) - ۱. سینگار، شیوه.  
 زیور (zewar) - ۱. گانه، پسرول،  
 کینه.

زر خرید (zarxaríd) - ۱. م.  
 زر خرید.  
 زردک (zardak) - ۱. گازر.  
 زرکوب (zarkob) - ص.  
 زرکوب.  
 زرگر (zargar) - ۱. زرگر.  
 زرنګ (zarang) - ص. تکره،  
 غښتلی.  
 زشت (zišt) - ص. ناکاره،  
 کرغیږن.  
 زعیم (za?fm) - ۱. مشر.  
 زغال (zigál) - ۱. سکاره.  
 زفاف (zifáf) - ص. واده.  
 زقوم (zaqūm) - ۱. توهې،  
 دوغس ونه.  
 زکام (zukám) - ۱. والگی.  
 زلال (zulál) - ص. رنی اوبه.  
 زلزله (zilzila) - ص. زلزله.  
 زلت (zilat) - ص. ښویدنه،  
 ختاوتنه.  
 زمام (zimám) - ۱. واک.  
 زلف (zulf) - څونگی، ښوخی،  
 څوښی.  
 زمان (zamán) - ۱. پېر.  
 زمخت (zumuxt) - ص.  
 ترینکړی.

# ژ

ژیان (ziyān)-ص. غوسه ناک.

ژنده (zanda)-ص. زاړه،

زاړه کالی.

ژئولوژی (zeoložī)-ا.

ځمک پېژندنه.

ژست (žest)-ا. حرکت

واعمال شخص.

ژاړخا (žāžxā)-ص. ډنی،

ایلت، گاکپړی.

ژاله (žāla)-ا. ډلجی، ژلی.

ژرف (žarf)-ص. ژور، تندوره.

ژوبین (žobīn)-ا. بله.

ژولیده (žolīda)-ص. خوره،

خپولی.



## س

- سابق (sābiq) - ۱. ف. پخوا،  
رومی لرغون.  
ساجد (sājid) - ۱. ف. ف.  
سجده کونکی،  
سرینبودونکی.  
ساجق (sājiq) - ۱. ژاوله.  
ساجمه (sācma) - ۱. زرنیخی،  
ساجمی، چری.  
ساحت (sāhat) - ۱. ولکه،  
چلکه، پاک، غولی.  
ساحر (sāhir) - ۱. ف. کودگر،  
پارو، پاروگر.  
ساحره (sāhira) - ۱. ف. کودگره.  
ساحل (sāhil) - ۱. سین غار،  
سین خنده.  
ساخت (sāxt) - ۱. ف. جور کړی.  
ساختن (sāxtan) - ۱. ف.  
جورول، رغول،  
سازول، جوړه.
- ساخته گی (sāxtagi) -  
۱. ف. چلول، ټگی.  
ساختمان (sāxtumān) -  
۱. ف. جوراب،  
رغبت، اړاو.  
ساخته (sāxta) - ۱. ف. جور.  
ساخته کاری (sāxtakārī) -  
۱. ف. چلول، جور کړی.  
ساده (sāda) - ص. ساد، پاری  
سپیدلی، شوده.  
ساده دل (sādadil) -  
ص. م. سپین زړی، سپیدی.  
ساده گی (sādagī) -  
ص. ساده توپ،  
سپیدلیتا، سپیدلتوپ.  
ساده لوح (sādalawh) -  
ص. م. سپیدلی، شوده.  
ساربان (sārbān) - ۱. ص.  
اوبښه، اوبښوان.

سارق (sāriq) - ص. فا. غل.

سارقه (sāriqa) - ص. فا. غله.

سازش (sāziš) - ۱. ف. جوړه.

سازگاری (sāzgarī) -

۱. ف.

جوړښت، سازښت.

ساعت (sā?at) - ۱. ګڼی

ساعت.

ساعت ساز (sā?atsāz) -

۱. ف. ساعت ساز.

ساعده (sā?ied) - ۱. لیچه،

لیچی، لیچ، لیخ.

ساعی (sā?ī) - ۱. فا. خواری کښ

زیارمن، هاوند.

ساغر (sāgar) - ۱. ټوټانکی

(کاکې) ټوټیالی، کوناتی.

ساق (sāq) - ۱. پړکی.

ساق درخت (sāqidarxt) -

۱. م. ډر.

ساقط (sāqit) - ۱. ص. لوپدلی.

ساقی (sāqī) - ۱. فا. اوبی، اوبیار.

ساکت (sākit) - ص. چپ،

پتخولی، غلی.

ساکن (sākin) - ص. دریدی،

ولاړ.

سال (sāl) - ۱. کال.

سالانې (sālāna) - ق. ص.

کلنی، کالیخ.

ساختورده (sālxorda) -

ص. م. زوړ.

سالګره (sālgira) - ۱. م. تلین.

سالنامه (sālnāma) - ۱. م.

کال لیک، کالنی.

سالار (sālār) - ۱. ص. مشر.

سالک (sālik) - ص. فا. لاریه،

لارونی.

سالم (sālim) - ص. روغ، ساز.

سالوس (sālūs) - ص. ټګی،

چم، چل.

سالون (sālūn) - ۱. لوی دالان.

سامان (sāmān) - ۱. سمبال،

ساز.

سامعه (sāmi?a) - ۱. فا. اورنی.

سان (sān) - ۱. دور.

سانتی متر (sāntīmitir) -

۱. م. سانتي متر.

سانسور (sānsor) - ۱. بدن،

کوره، سانسور، کرنټیل.

ساویدن (sāwīdan) - ۱. ف.

سولول، زدوویل، زدوول.

سایه (sāya) - ۱. سوری.

سبق (sabaq) - ۱. لوست.  
 سبک پاچه (subukpāča) -  
 ص. م. ډرپل، سپونک،  
 ورکې، ډرنګی.  
 سبک دست (subukdast)  
 ص. م. ټک لاسی.  
 سبوس (sabos) - ۱. ځکول،  
 څمک.  
 سپارش (sipāris) - ۱. ف.  
 سپارنه، زیرمه، سپارښ.  
 سپردن (sipurdan) - ۱. ف.  
 سپارل.  
 سپند (sipand) - ۱. سپینلی، سپلنی.  
 ستاره (sitāra) - ۱. ستوری.  
 ستایش (sitāyes) - ۱. ف. ستاینه.  
 ستم (sitam) - ۱. زور، تېری،  
 تیرغمی، ناسازی.  
 ستم دیده (sitamdāda) -  
 ص. مف. اپوته.  
 ستیزه (siteza) - ۱. ف. جګړه،  
 هوډه، لانه.  
 سحر (sahar) - ۱. سهار.  
 سحری (saharī) - ۱. پېشلمی،  
 پرشمی، پسیمی.  
 سخاوت (saxawat) - ۱. ف.  
 تلواني.

سایه بان (sāyabān) - ۱.  
 سیوران، مینا، چتر.  
 سایه دار (sāyadār) - ص.  
 ف. بیرانی.  
 سایه رخ (sāyarux) - ص.  
 مخپسوری، سیورن،  
 سورلن.  
 سبب (sabab) - ۱.  
 پاسونه، سوب.  
 سبحان (subhan) - ۱. ف.  
 پاکول، سپینول.  
 سبحة (sabha) - ۱. تسبی.  
 سبد (sabad) - ۱. توکری،  
 بشکور، سوده.  
 سبز (sabz) - ۱. شین، زرغون.  
 سبز شدن (sabzšudan) -  
 ۱. ف. شینیدل.  
 سبز و خرم (subzoxuram) -  
 ص. م. شالیز.  
 سبزه زار (sabzazār) - ۱. م.  
 شنلی، وښپاند.  
 سبزی (sabzī) - ۱. شینوالی.  
 سبزی پالک (sabzīpāla) -  
 ۱. م. چرګ سایه، چرګولی.  
 سبزی پلو (sabzīpalaw) -  
 ۲. م. سبونا که.

سرافگنده (sarafganda)-

ص.م. سرتڼی.

سرباز (sarbāz)- ص.م.

سرتیږی.

سربالائی (sarbālāey)- ۱.

ص. لورږه، بوکره، بریرنه.

سربراه (sarbarah)- ۱. ف.

سربه لاره، نامی.

سربه سر (sarbassar)- ق.

سربه سر.

سربه کف (sarbakaf)-

ص.م. سربه تلی.

سربلند (sarbuland)-

ص.م. سرلوی، سرلور.

سربلندی (sarbilandī)-

ص.م. سرلوی، سرلوی.

سربه تالاق

(sarbatalāq)- ص.م.

سربه خپری، سرلاتی.

سربه خود (sarbaxod)-

ص.م. پنخیل سر.

سربهوا (sarbahawā)-

ص.م. هوک، بوک، پروس.

سرپا (saripā)- ص.م. پښوپه سر.

سرپایانی (sarpāyānī)-

ص.م. خور، زوره، مخ بښکه.

سخت (saxt)- ص. کلک.

سخت جان (saxtjān)-

ص.م. خری.

سخت گیر (saxtgīr)-

ص.م. لانجه ور.

سخن (suxan)- ۱. خبره.

سخن بیهوده (suxanibehāda)-

۱.م. پرتی، چتیا.

سخن چین (suxančīn)-

ص. ما، مراسی، خبرغل.

سخن ناشنو

(suxa :nnāšinaw)-

ص. فا. تورغوری.

سخن ور (suxanwar)-

ص. ژبه ور.

سخی (saxī)- ص. ښه خوان،

ښه خلمی، نارینه.

سر (sar)- ۱. ککره، سر.

سرپا (sarāpā)- ۱.م.

سرتږ پښو، جوړه.

سر اسیمه (sarāsīma)-

ص.م. الویزان،

خلیلاند، هک پک.

سرانجام (saranjam)- ق. پای.

سرآمد (sarāmad)- ص.م.

سرکرده، سرغندوی.

سر خوش (sarxōš) - ص. م.

بڼه تار، چټ.

سر خیل (sarxel) - ا. ص. مشر.

سر دار (sardār) - ا. ص. سرغندی.

سر دچار (sadučār) - ص.

قا. کښیوتلی، اړخار.

سر درگم (sardargum) -

ص. م. انچه، هوک.

سر دست (saridast) -

ا. م. سم دلایه.

سر راست (sarrāst) - ص.

م. نیغ، یگانه، سرخیره.

سر راه (sarirāh) - ا. م.

دلاری په سر.

سر رشته (sarrišta) - ا. م.

سبمالونه.

سر زمین (sarzamīn) -

ا. م. هیواد.

سر زنش (sarzaniš) - ا. ف.

زورنه، منت.

سر زور (sarzor) - ص. م.

سر تمبه، هوړی.

سر زیادی (sarziyādī) -

ق. ترونه.

سر سام (sarsām) - ا. م. یاسار.

سر پرست (sarparast) -

ا. ص. پالونی.

سر پناه (sarpanāh) - ا.

دناستی، خای.

سر پوش (sarpos) - ا. م. سرپوش.

سر پیچیدن (sarplīdan) -

ا. ف. سر غړول،

غاړه غړول.

سر تاسر (sartāsar) - ق.

سر ترسره، له یوی مخی.

سر چادر (saricādar) - ا. م.

کبره سمله.

سر چرخ (sarčarx) -

ص. م. سر بهال، اکر.

سر چشمه (sarčasma) -

ا. م. سر چینه.

سر حد (sarḥad) - ا. م.

بڼید، ویش، پوله، ټک.

سر خاریدن (sarxārīdan) -

ا. ف. سر ګرول.

سر خشکان (sarxuškān) -

ا. م. سروچونی.

سر خم (sarxam) - ص.

سر خوړی، سرتیتی.

سر خمیری (sarxamīrī) -

ا. م. پښتګی، کنډری.

بونست، لگيا.

سر گشته (sargašta) - ص.

م. تره‌ور، الويزان.

سر گم (sargum) - ص. م.

انجر، لړوم.

سر گوشي (sargoš) -

ا. م. غوري، گنگوسي.

سر گيچه (sargiča) - ا. م. اکر.

سر مایه (sarmāya) -

ا. م. پنگه، پونگه،

سنگه پانگه.

سر مشق (sarmašq) - ا. م. پتي.

سر منزل (sarmanzil) - ا. م.

مينه، سر کنلوی.

سر نگون (sarnegŋ) -

ص. م. نسکور.

سر نوشت (sarniwešt) -

ا. م. تندى ليک.

سر ور (sarwar) - ص. سر غندی.

سر و صدا (sarosadā) -

ا. م. غگ او غوک.

سر و کار (sarukār) - ا. م.

اړتړه.

سر نوک (saronok) - ا. م.

خوکه په خوکه،

خوله په خوله.

سر سبزی (sarsabzī) -

ص. م. زرغا.

سر سخت (sarsaxt) - ص.

م. سر تمبه، سر زوره.

سر سر کردن

(sarsarkardan) - ا. ف.

کیلول، سر سر کول.

سر شار (saršār) - ص.

تل به جی په جی،

ژی په ژی.

سر شماری (saršumārī) -

ا. ف. سر شمیر.

سر شناس (saršinās) -

ص. م. مخاوی.

سر شوخ (saršox) - ص. م. دم.

سر فراز (sarfarāz) - ص.

سر لوړ.

سر کرده (sarkarda) -

ا. ص. مشر.

سر گذشت (sarguzašt) -

ا. م. سړی، تودی.

سر گردان (sargardān) -

ص. م. لالوانده،

خابلانده، لالهانده.

سر گرم (sargarm) - ص. م.

سر (sar) - ۱. خواله.  
 سرا (sarā) - ۱. سرای، انگر.  
 سراغ (surāg) - ۱. درک، پته.  
 سرايدار (sarāydar) - ۱. ص.  
 ټټی، سرای.  
 سرخ (surx) - ص. سور، سره.  
 سرخ رو (surxro) - ص. م.  
 مخرون.  
 سرخ شدن (sarxšudan) -  
 ۱. ف. سوریدل.  
 سرخ کردن (surxkardan) -  
 ۱. ف. تبیل.  
 سرخکان  
 (surxakān) - ۱. شیری.  
 سرد (sard) - ص. سوړ، سرخه.  
 سرد شدن (sardšudan) -  
 ۱. ف. سپړدل.  
 سرد کردن  
 (sardkardan) -  
 ۱. ف. سپړه ول.  
 سردی (sardī) - ص. سار،  
 سرتیا.  
 سرش (sirīš) - ۱. سړینښ.  
 سرشت (sirīšt) - ۱. خټه،  
 خورزون خوری، پنځه.  
 سرعت (sur?at) - ۱. ف.  
 سرور (surūr) - ۱. ف. خوښی.  
 بیر، تلوار.  
 سرفه (surfa) - ۱. توخی.  
 سرفه سیاه (surfasiyāh) -  
 ۱. م. توره توخه، توره غاړه.  
 سرک (sarak) - ۱. سړک،  
 واټ، لویه لاره.  
 سرکه (sirka) - ۱. سرکه، تروبی.  
 سرما (sarmā) - ۱. ساړه، ژمی.  
 سرمه (surma) - ۱. رانجه.  
 سرمه دادن (surmadādan) -  
 ۱. ف. رنجرون،  
 مرغاری، بخرومه.  
 سرمه ئی (surmai) - ص.  
 رانجن.  
 سرناجی (surnačī) -  
 ۱. فا. سرنه یی، سرنی چی.  
 سرو (sarw) - ۱. سیر، سپړونه.  
 سروازاد (sarwiāzad) -  
 ۱. م. دنکه سپړه،  
 نیغه سپړه.  
 سرو سهی (sarwis. ihī) -  
 ۱. م. سمه سپړه،  
 تیغه سپړه.  
 سروود (surūd) - ۱. خبره.  
 سروودن (surrūdan) -  
 ۱. ف. بدلی ویل.  
 سرور (surūr) - ۱. ف. خوښی.

سرور (sar) - ۱. خواله.  
 سرا (sarā) - ۱. سرای، انگر.  
 سراغ (surāg) - ۱. درک، پته.  
 سرايدار (sarāydar) - ۱. ص.  
 ټټی، سرای.  
 سرخ (surx) - ص. سور، سره.  
 سرخ رو (surxro) - ص. م.  
 مخرون.  
 سرخ شدن (sarxšudan) -  
 ۱. ف. سوریدل.  
 سرخ کردن (surxkardan) -  
 ۱. ف. تبیل.  
 سرخکان  
 (surxakān) - ۱. شیری.  
 سرد (sard) - ص. سوړ، سرخه.  
 سرد شدن (sardšudan) -  
 ۱. ف. سپړدل.  
 سرد کردن  
 (sardkardan) -  
 ۱. ف. سپړه ول.  
 سردی (sardī) - ص. سار،  
 سرتیا.  
 سرش (sirīš) - ۱. سړینښ.  
 سرشت (sirīšt) - ۱. خټه،  
 خورزون خوری، پنځه.  
 سرعت (sur?at) - ۱. ف.

سقط (siqt) - ا. ف. اچولی،  
نخسائی، زیانی.  
سقف (saqf) - ا. چت، پشتول.  
سقوط (suqūt) - ا. ف. لویدل.  
سکته (sakta) - ا. کړم.  
سکونت (sukūnat) -  
ا. ف. استوګه، اوسیدنه،  
مېشته.  
سګ (sag) - ا. سپی.  
سګ رمه (sagirama) -  
ا. م. خټل.  
سل (sil) - ا. ډک، مړه خوږ،  
نری رنځ.  
سلاح (salāh) - ا. وسله، درسته.  
سلامت (salāmat) - ا. ف.  
روغتیا.  
سلسله (silsila) - ا. خیره، لړهید.  
سلطنت (saltanat) - ا. ف.  
ټولواکي.  
سلطه (sulta) - ا. ف. واک.  
سلیقه (salīqa) - ا. خورزون، خټه.  
سم (sum) - ا. سوه.  
سمارق (samāruq) - ا.  
پوڅکی، پریږه، حزمیری.  
سمت (samt) - ا. خوا، لور، پلو.

سره (sara) - ص. کره، بوب.  
سزا (sazā) - ا. انډول، بدله،  
هدار (پاداش بدی).  
سست (sust) - ص. اومړی،  
پوست، شلېت.  
سره کردن (sarakardan) -  
ا. ف. کره کول.  
سست رفتار (sustraftār) -  
ص. م. مته.  
سست ویکار (sustubekār) -  
ص. م. مړت،  
جابخی، شاپی واپی.  
سطل (satil) - ا. بالټی.  
سعادت (saʔādat) - ا. ف.  
نیکبختی، شارمنی،  
برخه منی، نیک مرغی.  
سفارش (safarish) - ا. ف.  
زیرمه، سپارښت.  
سفر (safir) - ا. یون، سپر.  
سفر کردن (safarkardan) -  
ا. ف. یون کول.  
سفره (sufra) - ا. شخولی.  
سفره آردي (sufarayārdi) -  
ا. م. کنډری، کونډری.  
سفید (safed) - ص. سپین.



سن (sin) - ۱. عمر، منگ.  
 سنبل (sunbul) - ۱. خنځی، خنځی،  
 کوکو.  
 سنبله (sunbula) - ۱. وږی.  
 سنجاق (sinjāq) - ۱. ستنګ.  
 سنجش (sanjiš) - ۱. ف. پرتله.  
 سنگ (sang) - ۱. تیره.  
 سنگ پا (sangipā) -  
 ۱. م. کنګر، پیلو، زیره، تیره.  
 سنگ پشت (sangpušt) -  
 ۱. م. شمشتی، میچنی.  
 سنگچل (sangčil) - ۱. گتای.  
 سنگ چونه (sangicūna) -  
 ۱. م. پسته گاګره،  
 چوټی تیره.  
 سنگدان مرغ  
 (sangdānimurğ) -  
 ۱. م. شاتینکه، ټینګه، ګلپرک.  
 سنگ دست (sangidast) -  
 ۱. م. دلاس تیره.  
 سنگ ذغال (sangizugāl) -  
 ۱. م. سکور کانی.  
 سنگریزه (sangreza) -  
 ۱. گتای، وږی تیری.  
 سنگسار (sangsār) -  
 سین غاری.

۱. م. ډبروژنه.  
 سنگ کش (sangkaš) -  
 ۱. ف. ډبرې والا، مگرګی.  
 سنگګ (sangak) - ۱. ص.  
 ص. مټګر، مټګور.  
 سنگلاخ (sanglāx) - ۱. مګار،  
 ډبرین، تراړه.  
 سنگ مثانه (sangimsāna) -  
 پو کانی، ډبره مثانه.  
 سنگ مرمر (sagimarmar) -  
 ۱. م. مرمر کانی،  
 سپینه تیره.  
 سنگینی (sangīnī) -  
 ص. ن. درناوی،  
 ټوله، وزمینی.  
 سنگر (sangar) - ۱. مورچل،  
 سلته، سنگره، خوکی.  
 سنگین (sangīn) - ص. ن.  
 دروند، وزمین.  
 سنه (sana) - ۱. کال.  
 سنین (sinīn) - ۱. جم. کلونه.  
 سو (su) - ۱. طرف، لور، خوا، پلو.  
 سواحِل (sawāhil) - ۱. جم.

سوری.

سوراخ کردن  
(srāxkardan) - ا. ف.

سوری کول.

سوراخ شدن (sūrāxsudan) -  
ا. ف. سوری کیدل.

سوزاک (suzāk) - ا. سوخی.

سوزش (sozeš) - ا. ف. سوی،  
سوخت.

سوزن (sozan) - ا. ستن.

سوزن لحاف دوزی  
(suzanilihāfdozī) -

ا. م. نماپی ستن.

سوگ (sog) - ا. ویر.

سوگوار (sogwār) - ص.  
ویرژپلی.

سوگند (sawgand) - ا.

لورپه، لو، قسم.

سوهان (sohān) - ا. سوهن،  
چوسار.سوژن (so?izan) - ص. م.  
بغیرنه.

سهو (sahw) - ا. ف. تیرونه.

سهولت (suholat) - ا. ف.

سوهانه، سویت، آسانتیا.

سی (sī) - ا. ع. دیرش.

سوادخوان (sawādxān) -

ا. فا. لوستی، لستونی.

سوار (sawār) - ا. فا. سپور.

سوارکار (sawārkār) - ص. فا.  
سپرلونی، سپرکښ.

سواری (sawārī) - ا. ف.

سولی، سپارلی، سورلی.

سوال (sawāl) - ا. غوښتل.

سوال (sawāl) - ا. پوښتنه.

سوانح (sawāneh) - ا. بیري،  
ژوند لیک.

سوخت دل (suxtidil) - ا.

ف. کوی، زړه سوی.

سوخته گی (suxtagī) - ا.  
ف. سوی.

سوخته (soxta) - ا. مف.

سوخیدل.

سود (sūd) - ا. گڼه، وټه.

سودائی (sawdāey) -

ص. م. تورانی، سودائی.

سودخور (suodxor) - ص.

فا. سوائی، جرکائی.

سوراخ (surāx) - ا. مور.

سوراخ سوراخ

(sūrāxsūrāx) - ا. م. سوری،

- سیاه (seyāh) - ص. تور.  
ستاره (sitāra) - ا. گر خند، ستوری.  
سیاه بخت (siyāhbaxt) - ص. م. ناگرانه، کوته، کربابه.  
سیاه چاه (siyāhchah) - ا. م. تور گندمل.  
سیادانه (siyādāna) - ا. توروانجه.  
سیاه کار (siyahkār) - ص. م. بدلامی، بدلنی.  
سیاه کاسه (siyāhkāsa) - ص. م. بخمل، وچ لاسی.  
سب (seb) - ا. مینه.  
سبب زمینی (sebizamīnī) - ا. م. پانی، کچالو.  
سیخ بافت (sī xibāft) - ا. م. سپر مخکی، سبته.  
سیر آمدن (sirāmadan) - ا. ف. تنگیدل، پخان راتلل.  
سیر چشم (serčasm) - ص. مور سترگی.  
سیر شدن (sersūdan) - ا. ف. مریدل.  
سیر کردن (s. erkardan) - ا. ف. مړول.  
سیستم (sīstum) - ا. اغور.  
سیل (sel) - ا. نیز، توی، سیلاو.  
سیم خاردار (Sīmīxārdar) - ا. م. اغزنمزی.  
سیم دوزی (sīmdozī) - ا. ف. زر گنبدی.  
سیمرغ (sīmurg) - ا. ورک مرغه.  
سینه بغل (sīcnabaḡal) - ا. م. سکاروی.  
سینه تنگی (sīnatangī) - ا. م. سیاره، آزاری، دبه، سالنبدی.

## ش

شادی (šādī) - ص. خوشحالی، خوشالتیا.

شار (šār) - ا. بنار.

شاراندن (šārāndan) -

ا. ف. شپ. ل.

شارستان (šāristān) - ا. بنار.

شاریدن (šāridan) - ا. ف. تویدل.

شاعر (šāʔr) - ا. ف. شاعر.

شاکی (šākī) - ا. ف. مانی جن.

شاگرد (šāgrd) - ا. ص.

زده کوونکی چونی.

شال (šāl) - ا. شپ. ید.

شالاق (šālāq) - ص. قید.

پکتن، ناکراره.

شالوده (šālūda) - ا. آره.

رده، بیته، بنسپ.

شالی (šālī) - ا. شالی. شوی.

شام (šām) - ا. ما بنام.

شاباش (šabās) - ا. اشکی. شاپش.

شاتوت (šātūt) - ا. م. توه.

شاخ (šāx) - ا. خانگه.

شاخ آهو (šāxiahū) - ا. م.

د هوسی بیکر.

شاخچه (šāxča) - مچر کی،

لک کی.

شاخدار (šāxdār) - بیکره ور.

شاخه (šāxa) - ا. منده.

شاد (šād) - ص. خوشحاله.

شاداب (šādāb) - ا. ف. ترو تازه.

بنالیز، پخت.

شاد شدن (šādšudan) -

ا. ف. خوشحالیدل.

شادمان (šādmān) - ص.

خوشحال. خویش.

شادمانی (šādmānī) - ص.

خوشحالی.

شباروز (šabāroz) - ۱. م.

شپه ورځ.

شبانۀ (šabāna) - ۱. شپنۍ،

برنۍ، زيرنۍ.

شب برات (šabibarāt) -

۱. ف. دبرات شپه.

شب بو (šabbo) - ۱. م. شبي.

شب پرک (šabparak) -

۱. م. کتيز، ځکالکي، ځکاکي.

شب حنا (šabihinā) - ۱. م.

دنکريزوشپه.

شب خيز (šabhez) - ۱. ص. فا.

شوگر، شپه لتوی.

شب قدر (šabiqadr) - ۱. م.

دقدر شپه.

شب کور (šabkor) - ۱. ص. م.

شپه ړوندی، شپیلندر.

شب معراج (šabimi?rāj) -

۱. م. د معراج شپه.

شب مهتاب (šabimahtāb) -

۱. م. سپنگي، دسپوژمۍ شپه.

شبان (šubān) - ۱. شپون.

شباہت (šabāhat) - ۱. ف.

سکه، ورته.

شبدر (šabdār) - ۱. شوتله.

شبنم (šabnam) - ۱. م. پرځه.

شامل (šāmel) - ۱. ف. گډ، ډلی

خمسور.

شاندار (šandar) - ۱. ص. پرمین

پتمن.

شانزده (šānzda) - ۱. ع. شپاړس.

شانه (šāna) - ۱. ږنځ، مگنر.

شاه (šāh) - ۱. پاسوال.

شاه خیل (šāhxel) - ۱. م. ورا.

شاه هراډ (šāhrāh) - ۱. م.

لویه لاره.

شاهزاده (šāhzāda) - ۱. م.

شاه زوی.

شاهرگ (šahrag) - ۱. م.

بنا رځي، بناگونه.

شاه کار (šāhkār) - ۱. م.

پځه چاره، پوځ کار.

شاهد (šāhd) - ۱. شها، شهي.

شایسته (šāysta) - ۱. ص. وړپاب.

شاید (šāyad) - ۱. ص. بنايي.

شایستگی (šāyestagī) -

۱. ف. وړتيا.

شایع شدن (šāy?sudan) -

۱. ف. خپریدل.

شایق (šāyiq) - ۱. لیوال.

شب (šab) - ۱. شپه.

شر اکت (sarākat) - ا. ف.

ګډون.

شر ايط (sarāyet) - ا. ف. شرتونه.

شرف (šaraf) - ا. ف. لوئی.

شرق (šarq) - ا. ف. خاتيز، ختيز.

شر کا (šurakā) - ا. ف. جم، شریکان.

شرکت (širkat) - ا. ف. ګډون.

شر ماندن (šarmāndan) -

ا. ف. شرمول.

شرم حضور

(šarmehozūr) - ا. م. دمخې آبا.

شر مسار (šarmsār) - ص.

خړ، خنګ.

شر منده (šarminda) - ص.

پیکه، خړ.

شر میدان (šarmīdan) -

ا. ف. خړ بدل.

شریعت (šarīʔat) - ا. ف. حق،

دخدای لار.

شریف (šarīf) - ص. لوی.

شریک (šarīk) - ص. مل انډیوال.

شستن (šustan) - ا. ف. مینځل.

شش (šaš) - ا. ف. شپږ.

شعاع (šūʔāʔ) - ا. ف. رڼا، توا.

شتاب (šitāb) - ا. ف. تلوار، بیره.

شتر (šuture) - ا. ف. اوښ.

شتر مرغ (šuturmurg) -

ا. م. اوښ مرغی.

شجاع (šujāʔ) - ص. دلاور،

زړه ور.

شخ (šax) - ص. کلک.

شخص (šaxs) - ا. ف. سړی.

شخصی (šaxsī) - ا. ف. ځانګړی.

شخصیت (šaxsiyat) - ا. ف.

سړی توب.

شدت (siddqt) - ا. ف. کاوړه، غښه

شدن (šudan) - ا. ف. کیدل.

شدیدار (šidyar) - ا. ف. سادین شدیداره.

شر (šar) - ص. بد، نابوده.

شرانګیختن (šarangextan) -

ا. ف. شرجوړول.

شرو شور (šarušor) - ا. م.

هاها، شور ماشور.

شراب (šarāb) - ا. ف. شومنی، شراب.

شراب خور دن (šarabxordan) -

ا. ف. شراب وهل،

شراب خوړل.

شرابی (sarābī) - ص. بدالی،

بدزی.

شرافت (sarāfat) - ا. ف. لوئی.

شکسته (šikasta) - ۱. مف.

مات.

شکسته حال

(šikastahāl) - ۱. ص. مف.

کومن، کرمن.

شکسته نفس

(šikastanafs) - ۱. ص. مف. کمینی.

شکل (šakil) - ۱. ایبرات، خیره.

شکم (šikam) - ۱. انس، گیاهه.

شکم انداختن

(šikamandāxtan) -

۱. ف. خپته اچول.

شکمبو (šikambū) - ۱. ص.

خیتو، خیتور.

شکمبه (šikamba) - ۱. لری.

شکنجه (šekaja) - ۱. کاره.

شکوه (šukuh) - ۱. پتمن.

شگوفه (šugufa) - ۱.

غور و کوه، غوتی.

شکيب (šikeb) - ۱. سکنه، پیڅه.

شکيبا (šikebā) - ۱. ص. فا.

پیڅونکی، سکنه کونکی.

شکيبائی (šikebāyī) - ۱. ص.

سکنيا، پیڅه.

شگاف (šigaf) - ۱. سوری.

شعبان (ša?bān) - ۱.

د برات میاشت.

شعبده (šu?bada) - ۱.

کود لوبه.

شعبه (šu?ba) - ۱. خانگه.

شعور (šu?ūr) - ۱. ف. سلیم، زیا.

شغال (šaḡāl) - ۱. سورلندی، گیاهه.

شفاء (šafā?) - ۱. ف. روغتیا.

شفاعت (šafā?at) - ۱. ف.

مخ اړونه.

شفتالو (šaftālú) - ۱. شوتالو.

شفتل (šaftal) - ۱. شوتله.

شق (šaq) - ۱. چو، چاوده.

شقایق (šaqāyeq) - ۱. ریدی.

شک (šak) - ۱. خرخنبه، وپ بک.

شکایت (šikāyat) - ۱. ف. مانه.

شکر گزار (šukurguzār) -

ص. فا. ښه منونکی.

شکست (šikast) - ۱. ف. ماته.

شکست دادن

(šikastdādan) - ۱. ف.

ماته ورکول.

شکست و ریخت

(šikastorix) - ۱. م. کنه و کپر.

شکستن (sikastan) -

۱. ف. ماتول.

شمشیر بازی (šamšerbāzī) - ۱. ف. خورنگ.  
 شمع (šam?a) - ۱. موباتی، شم.  
 شمعدان (šam?adān) - ۱. م. دیوت.  
 شمله (šamla) - ۱. شکلی، شمله.  
 شمول (šumūl) - ۱. ف. راټول.  
 شنا (šinā) - ۱. لمبو، لامبو.  
 شناکردن (šinākardan) - ۱. ف. لامبو وهل.  
 شناور (šināwar) - ص. ف. لامبوز.  
 شناختن (šināxtan) - ۱. ف. پیژندل.  
 شناس (šinās) - ۱. ف. پیژندګلوی.  
 شناسا (šināsa) - ص. ف. پیژاندوی.  
 شناساندن (šināsāndan) - ۱. ف. پیژندول.  
 شناسائی (šināsāey) - ۱. ف. پیژندګلوی، شناخت.  
 شنبه (šanba) - ۱. روزاول.  
 هفته، دخالی ورځ.  
 شنو (šinawā) - ص. ف. اوريدونکي.  
 شنو انیدن (šinawānīdan) - ۱. ف. اوريدل.  
 شنیدن (šunīdan) - ۱. ف. اوريدل.

شگافتن (šigāftan) - ۱. ف. سوری کول.  
 شگفتن (šuguftan) - ۱. ف. سپړيدل، غوړيدل.  
 شگفته (šugufta) - ص. مف. غوړيدلی.  
 شګور (šugūr) - ۱. شکری، امبولی، شکور.  
 شګون (šugūn) - ۱. بښاکوم، مرغ اودم.  
 شل (šal) - ص. مړاوی.  
 شلاق (šallāq) - ۱. تراټ، متروکه.  
 شلغم (šalḡam) - ۱. ټیږهنگړی.  
 شما (šumā) - ص. تاسی.  
 شمار (šumār) - ۱. شمیر.  
 شماره (šumāra) - شمیر.  
 شمال (šamāl) - ۱. لمرېښ، شمال، دمړوخوا.  
 شمال (šamāl) - ۱. وړېښ، باد، سیلی.  
 شمالک (šamālak) - ۱. الوېښ، وژمه.  
 شمردن (šumurdan) - ۱. ف. شمیرل.  
 شمس (šams) - ۱. لمر، نور، نمر.  
 شمشیر (šamšer) - ۱. توره.



## شهادتنامه

- (šahādatnāma)

۱. م. بری لیک.

شهامت (šahāmat) - ۱. ف.

میرانه، میرانه.

شهر (šahr) - ۱. بنار.

شهری (šahrī) - ۱. بناری.

شهرت (šuhtrat) - ۱. او خارنه،

اشوال.

شیار (šayār) - ۱. شدیاره، سادین.

شیخ (šayx) - ۱. زور، بلوا.

شیر (šer) - ۱. زمري.

شیر خدا (šerixudā) - ۱. م.

شیر دخدا، دخدا.

زمري علی (رض).

شیر دل (šerdil) - ص. م. دلاور.

شیر مرد (šermard) - ص. م.

میرنی.

شیر برنج (šīrbirinj) -

۱. م. شوده وریچی.

شیر چوشک (šīrčōšak) -

۱. م. خوښی، خیینیک.

شیر خور (šīr xor) - ص. ف.

تشدی، تی روی.

شیردانی (šīrdānī) - ۱. م.

شیر لوښی، جوری.

شنیده (šunīda) - ۱. ف. اوریدلی.

شو (šaw) - ۱. شپه.

شوخ (šox) - ص. نارام.

خشنک، برند.

شور (šor) - مالگن.

شور بخت (šorbaxt) -

ص. اسی، بی بخره.

شور چشم (šorčašm) -

ص. رنلاستری،

غرندي، بدسریگی.

شور دادن (šordādan) -

۱. ف. لرل، بنورول،

بمول.

شورش (šoriš) - ۱. ف. بلوا،

اله گوله، غاو غره.

شوربا (šorbā) - ۱. زومنه، شوروا،

زیمنه.

شوره زار (šorazār) - ۱. م.

شورنده، بنوره ماغه،

بنرینه.

شوق (šawq) - ۱. ناپ مینه.

شوکت (šawkat) - ۱. برم، دباب.

شوهر (šawhar) - ۱. میره،

خاوند، خنبتن.

شو یست (šoyest) - ۱. خانبست.

شهادت (šahādat) - ۱. ف.

شهیدیدل.

شیر دان (šīrdān) - ۱. م.

سلی، شوانه، خشنکی.

شیر سوخته (šīrsoxta) -

ص. م. وچموری، خواستی.

شیر فروش (šīrfuroš) - ۱. ف.

شودی والا،

شدی خر خونکی،

شدی پلورو نکی.

شیر گرم (šīrigarm) - ۱. م.

نرم، هن، تودو کی.

شیر مست (šīrmast) -

ص. م. بنالیز، خرمیتی.

شیری (šīrī) - ص. پیوره.

شیره (šīra) - ۱. زبنا، دوبنا.

شیره گندم

(šīraygandum) - ۱. م. پوڅکه.

شیرین (šīrīn) - ص. خوږ.

شیرین شدن

(šīrīnsudan) - ۱. ف. خوږیدل.

شیرین کردن

(šīrīnkardan) - خوږول.

شیرینی (šīrīnī) - ۱. خوږوالی.

شیرینی خوری

(šīrīnīxorī) - ۱. م. کوزده.

شیطان (šaytan) - ۱. بنیاره، شیتان.

شیون (šaywan) - ۱. ژړا، ویر،

انگولا.

## ص

صابر (sābir) - ۱. فا. پيخمایی،

پيخو، سکتی.

صابون (sābūn) - ۱. سابین.

صاحب (sāhib) - ص. فا. مل، یار.

صاحب خانه

(sāhibxāna) - ۱. م. کوربه.

صادر (sādir) - ۱. فا. لیول.

صادق (sādiq) - ۱. فا. لور، ربتونی.

صاف (sāf) - ص. بی غش، روان.

صاف دل (sāfdil) - ص. م.

پسین زری.

صاف کردن

(sāfkardan) - ۱. ف. سپینول.

صالح (sālih) - ص. سپین رویی.

صبا (sabā) - ۱. ورمه.

صبح صادق

(subhīsādiq) - ۱. م. کهیخ،

سپین کهیخ.

صبح کاذب

(subhikāzib) - سور، کهیخ.

صبر (sabr) - ۱. ف. پیخی، سکتہ.

صبر کردن (sabr kardan) -

۱. ف. پیخه کول،

سکتہ کول.

صبور (sabūr) - ص. پیخالی.

صحابه (sahāba) - ۱. مله، ملگری.

صحاف (sahāf) - ۱. ص.

دوتنیار، کتاب پلور.

صحبت (ṣaḥḥ bat) - ۱. ف. مرکه.

صحت (siḥat) - ۱. ف. روغتیا.

صحت شدن (siḥatsudan) -

۱. ف. روغیدل، جوړیدل.

صحت و سلامت

(siḥatosalāmat) - ص. م.

جک جوړ، روغ، رمت.

صحرا (sahrā) - ۱. دای.

صحرانی (sahrae) - ۱.

بیدیانی، کاری.

صحیح (saheh) - ص. جوړ، روغ.

صحیح و سالم

(sahehosālim) - ص. م. تکره

وروغ رمی.

صدهزار (sadhazār) -

۱. سل زره.

صدا (sada) - ۱. دغ، غږ.

صدا کردن (sadākardan) -

۱. ف. غږ کول.

صدای تفنگ

(sadaytufang) - ۱. م. ډډ.

صدارت (sidārat) - ۱. ف.

برناستی.

صداقت (sidāqat) - ۱. ف.

رښتینولی.

صدر اعظم

(sadria? zam) -

۱. لوی واکوال.

صدف (sadaḡ) - ۱. سپی.

صدیق (sidīq) - ص. رښتین.

صراحت (sarahat) - ۱. ف.

څرگندتیا.

صراط مستقیم

(sirātimustaḡīm) - ۱. م.

سمه لاره.

صراف (sarāḡ) - ۱. کره، سراپ.

صرف (sirḡ) - ص. یوازی، تش.

صرف نظر (sarfinazar) -

۱. م. پری بنودل.

صرفه (sarfa) - ۱. سپمساو ګټه.

صلا (salā) - ۱. ست.

صلات (salāt) - ۱. لمونځ.

صلاکار (salākār) - ۱. م.

ښه سپی.

صلاحیت (salāhiyat) - ۱. ف.

ښه واله.

صلح (sulḡ) - ۱. روغه جوړه.

صنایع (sanāy?) - ۱. چاری.

صندلی (sandali) - ۱. سندلی.

صندوق (sandoq) - تونی،

سندوخ.

صندوقچه (sandoqča) - ۱.

سندوخچه.

صواب (sawāb) - ص. سم.

صورت (sūrat) - ۱. پیکرونقش.

صیقل (sayqal) - ص. پړونۍ.

صیقل کردن

(sayqalkardan) - ا. ف. روڼول.

صیقل گر (sayqalgar) -

ص. فا. روڼونۍ.

صنم (sanam) - ا. ختکۍ.

خت ، بت

صورت گر (suratgar) -

ص. م. کښیدیار.

صید (sayd) - ا. ف. ښکارون.

صید کردن (saydkardan) -

ښکارول، وټا.

صید گاه (saydgāh) - ا. م.

شکارځای.

## ض

ضابط (zābit) - ۱. فا. زمیری،  
سائکدوی.  
ضامن (zāmin) - ۱. فافسمانی،  
خسمنانو.  
ضایع (zāyi?) - ص. گار، توی.  
ضبط (zabt) - ۱. ف. ساتنه.  
ضجر (zajir) - ۱. ف. سارویی،  
چنگان.  
ضجه (zaja) - ۱. خواشینی،  
گورملی.  
ضحاک (zahak) - ۱. خنداوو.  
ضحک (zuhak) - ۱. ف. خندا.  
ضحیم (zaxīm) - م. ص. کودخولی.  
ضحامت (zaxāmat) - ۱. ف.  
پنلوالی، پرپر واله.  
ضد (zid) - ص. هود، کست.  
ضدیت (zidiyat) - ۱. ف.  
هوده، هته.

ضر (zar) - ص. زلل، کاوان.  
ضراء (zarā ?) - ۱. زیار، کپاو.  
ضرب (zarb) - ۱. ف. وهل.  
ضرب المثل  
(zarbulmasal) -  
۱. ف. متل.  
ضربت (zarbat) - ۱. گزار، گوزار.  
ضربه (zarba) - ۱. گراز، گوزار.  
ضرر (zarar) - ۱. تاوان.  
ضرع (zar?) - ۱. غولانخه.  
ضرع (zar?) - ۱. زواری.  
ضرور (zarūr) - ص. هرومرو.  
ضرورت (zarūrat) - ۱. اله حاله.  
ضریر (zarīr) - ص. روند.  
ضعف (za?n) - ۱. ف. انتیا، زمولتیا.  
ضعیف (zāf) - ص. بزغنجر، زهیر.  
ضعیف الابصر  
(za?īfulabsar) -  
ص. م. بن، ونسترگی.

ضمن (z.imn) - ۱. تر منځ، مينځ.  
ضمنا (zimnan) - ۱. په ترڅ،  
په مينځ.

ضمه (zama) - ۱. پيښ.  
ضمير (zamīr) - ۱. زړه، زړونه.  
ضميمه (zamīma) - ۱. ص.

ورپوری، ورسره.  
ضمين (zamīn) - ۱. ص. ضمانه،  
لاس شوی.

زینت (zīnat) - ۱. ص. کړوتی،  
شومی.

ضواہک (zawāhik) - ۱. واپاری.  
ضور (zūr) - ۱. لورپه.

ضياء (zīā?) - ۱. رڼا، روڼا.  
ضیاع (zīyā?) - ۱. ست، ګار.  
ضيغم (zayḡam) - ۱. زمري.  
ضيافت (ziyāfat) - ۱. ف.

میلستیا.  
ضيق (zīq) - ۱. ف. تنګ.

ضيق النفاس  
(zīqonnafās) - ۱. م.

سالنډی، سیاره.

ضعيف الاعصاب  
(za?īfula?sāb) -  
ص. م. مړانجا.

ضعيف البنيه  
(za?īfulbunya) -  
ص. م. بزغنجر، مرکندی.

ضعيف و لاغر  
(za?īfolāḡar) - ۱. ص. م.  
خوار، خوار کي.

ضعيف شدن  
(za?īfsudan) - ۱. ف. زهيريدل.

ضغن (zīḡan) - ۱. رځي.

ضلال (zalāl) - ۱. ف. بيلارتوب.  
ضالات (zalālat) - ۱. ف.

بيلارتوب.  
ضلع (zul) - ۱. پوشتی.

ضليل (zalīl) - ۱. ص. ورک لاری.

ضم (zam) - ۱. ف. پوری کول.  
ضمان (zamān) - ۱. ف.

ضمانه، لاسور کول.  
ضمانات (zamānat) - ۱. ف.

ضمانه، لاسور کول.  
ضمانات خط

(zamānatxat) -  
۱. م. ضمانه لیک.

ضمایر (zamāier) - ۱. جم.  
زړونه، ضمیر نه.

## ط

طایفه (tāyefa) - ۱. توکم، خیل.

طب (tib) - ۱. درملی، پوهه.

طباخ (tabāx) - ۱. پخونکی، پخونی.

طباعت (tabā?at) - ۱. چاپول،

چاپیدل.

طبراق (tabrāq) - ۱. لیوی،

شخولی.

طبع (tab?) - ۱. پنخون، خته.

طبع کردن (tab?kardan) -

۱. ف. چاپول.

طبق (tibq) - ۱. سم، اسل.

طبقه (tabaqa) - ۱. پور.

طبل (tabl) - تمبل، پرانکه.

طبله (tbla) - دکره، تبله.

طبيب (tabīb) - ۱. درملی.

طبیعت (tabī?at) - ۱.

خورزون، پنخ.

طاس (tās) - ۱. کتوری.

طاعت (tā?at) - ۱. ف.

غاره اینبودل.

طاعون (tā?ūn) - ۱. تاون، طاعون.

طاغوت (tāgūt) - ۱. بود، بوت.

طاق (tāq) - ۱. کونیشخ.

طاق (tāq) - ۱. ناتکی، تاک.

طاقت (tāqat) - وس. برم.

طاقچه (tāqca) - تاخچه، شیلگی.

طالب (tālīb) - ۱. فا. غوشتونی.

طالعمند (tālī?mand) -

ص. فا. تالی، پانری.

طامع (tāme?) - ص. سولن.

طاوس (tāwūs) - ۱. میور.

طاير (tāyer) - ۱. الوتونکی.

طایف (tāyef) - ص. فا.

جاریدونی.



طراح (tarāḥ) - فا. کښیدگر.

طراحی (tarāḥī) - ا. ف. توری.

طرار (tarār) - ا. گندکپ.

طراوت (tarāwat) - ص.

بښرازی.

طرب (tarab) - ا. ف. ښادی.

طرح (tarḥ) - ا. ف. راز، رنځور

چم.

طرد (tard) - ا. ف. رټل، شړل.

طرز (tarz) - ا. کړه وړه.

طرف (taraf) - ا. څنډه، ژیمه

طرفدار (tarafdār) - ص. فا.

گند، پلوی.

طرفه (turfa) - ا. رپ، څمبل،

خمل.

طرفة العين

(turfatul?ayn) - ا.

دسترګی رپ.

طرق (turuq) - ا. لاری.

طره (tura) - ا. پیکي، خوټکي.

طریق (tarīq) - ا. لار، لپاره.

طشت (tašt) - ا. کنډا، کونډا.

طعام (ta?ām) - ا. خواړه.

طعم (ta?m) - خوند.

طعمه (tu?ma) - ا. توحه، نموره.

طعن (ta?n) - ا. څانګه وهل.

طغیان (tuḡyān) - ا. ف. سرغړنه.

طفل (tifil) - ا. وړوکی.

طفولیت (tufulyat) - ا.

الکینه، وړه کینه.

طفیل (tufayl) - ا. پیل، مخ، برکت.

طلاق (talāq) - ا. خوشی کیدل.

طلاق دادن

(talāqdādan) - ا. ف. پریښودل.

طلایه (tilāya) - ا. مخ، څرک.

طلب (talab) - ا. ف. غوښتنه.

طلسم (tilsm) - ا. کود چل.

طلعت (tala?t) - ا. مخ، خیره.

طلوع (tulū?) - ا. خاته، لمړخاته.

طماع (tamā?) - ص. سولند،

تمائی.

طمطراق (tumturāq) - ا.

کړوړ، رباب.

طمع (tama?) - ا. ف. سوله، لیواله.

طناب (tanāb) - ا. واښکی، تناو.

طناز (tanāz) - ص. پیکل، طنوا.

طنز (tanz) - ا. پیغور.

طولانی (túlānyī) - ص. اوږد.

طومار (tūmār) - کورې، تومار.

طویل (tawfīl) - ض. اوږد.

طویله (tawela) - ا. بڼه، تبيله.

طهارت (tahārat) - ا. ف.

سپيڅلتيا.

طياره (tayāra) - ا. الوتکه.

طير (tayr) - ا. مرغه.

طيور (tuyūr) - ا. جم. مرغان،

مرغه.

طنطنه (tantana) - ا. ف.

شمشمه، سامانه.

طواف (tawāf) - ا. ف. جاريدل

تاويدل.

طوبی (tūbā) - ا. وږم.

طوايف (tawāyef) - ا. پيڅی،

تو کمونه، کامونه.

طور (tūr) - ا. غر.

طوطی (totī) - ا. توتی.

طوقک (tawqak) - ا. څکړه،

څکرازه.

طول (tūle) - ا. ف. اوږدواله.

## ظ

ظفر (zafar) - ا. ف. بری، سوبه.

ظل (zil) - ا. سوری.

ظلال (zalāl) - ا. سورن، سیورن.

ظلم (zulm) - ا. ف. شپیسانه،

تیر غمی.

ظلمات (zulumāt) - ا.

توری، تیار ی.

ظلمت (zulmat) - ا. ص. تیاره،

تور تم.

ظلوم (zulūm) - ص. زلنده،

تیر غمونی.

ظلم کردن (zulmkardan) -

ا. ف. تیری کول.

ظله (zila) - ا. چتری، سیورن.

ظن (zan) - ا. ف. ایتل زام. (نمونه)

ظهر (zühr) - ا. بر طی، مایپنین.

ظهور (zuhūr) - ا. ف. خور گندیدل.

ظهیر (zahīr) - ص. ملاتیر،

مرستیال.

ظالم (zālim) - ا. فا. زلال، خونکار.

ظاهر (zāhir) - ص. بشکاره.

ظاهر شدن (zāhirsudan) -

ا. ف. خور گندیدل.

ظاهر کردن (zāhirkardan) -

ا. ف. خور گندول.

ظاهری (zāhirī) - ص. بشکاره.

ظرافت (zarāfat) - ص.

خیر تیا، خیر کتیا.

ظرف (zarf) - ا. لونبی.

ظرف شکسته گلی

(zarfişikastaigilī)

ا. م. کنبول.

ظرف گلی (zarfigilī) - ا. م.

خورین.

ظرافاء (zarafā?) - ا. جم.

غوریالی.

ظروف (zurūf) - ا. لونبی، کالی.

ظعن (z?n) - ا. ف. لبیل، لیریدیل.

## ع

عابد (?ābid) ۱. فا. ربیالی، منی.

عابر (?ābir) ۱. فا. تلونکی، لاروی.

عاجز (?ājiz) -ص. خوارکی،

بی وزلی.

عاجل (?ājil) ۱. فا.

بیره کورونکی، بیرندوکی.

عادت (?ādat) ۱. غونی، خوی.

عادل (?ādil) - ۱. فا. نیاوی.

عار (?ār) ۱. پیغور، شرم، غور.

عارض (?āriz) ۱. فا. بارخو،

غومبری.

عارضه (?ārizā) ۱. فا. پینه،

غورپکه.

عارف (?ārif) ۱. فا. پیژندوی،

پیشرنده گلوی.

عاری (?ārī) -ص. لڅ، لغړ.

عاشق (?āšiq) ۱. فا. مین.

عاشقی (?āšiqī) -ص. ن.

مینتوب.

عاشورا (?āšūrā) ۱. لسمه،

دهه، دمحرّم دهه.

عاصم (?āsīm) ۱. فا. ساتونکی.

عاصی (?āsi) ۱. فا. ربالی، گرم.

عاطفت (?ātifāt) ۱. فا.

پیرزوينه.

عافیت (?āfiyat) ۱. ف.

روغتیا، اوساینه.

عاقبت (?āqibat) ۱. پای،

وروسته.

عاقل (?āqil) -ص. هوښیار.

عالم (?ālim) ۱. فا. پوه، پوهاند، ملا.

عالی (?ālī) -ص. لوړ، هسک.

عاليقدر (?ālīqadr) ۱. مر.

لوړروبی.

عالی همت (?ālīhimat) -

ص. مر. میرنی، لوړ همت.

عام (?ām) ۱. فا. وگړی،

خوشکی، عام.

عامی (?āmī) - ص. ن. نالوستی.

عایدات (?áydat) - ا. جم.

راتله، گټه.

عباد (?ibād) - ا. ج. سپری،

دخدای بنده گان.

عبادت (?ibādat) - ا. ف.

ربیالی، خدای یا دول.

عبث (?abas) - ا. ف. خوشی، چټی.

عبرت (?ibrat) - ا. پانیا، پند.

عبودیت (?abūdeyat) -

ا. ف. مربی، توب.

عتیق (?atīq) - ص. ساهو، زور،

پخوانی.

عثمان (?usmān) - ا. عثمان (رض)

عجب (?ajab) - ص. تماشه

شده، عجب.

عجایب (?ajāyeb) - ص. شندی.

عجوز (?ajūz) - ا. ف. بلی، زړه.

عداد (?adād) - ا. شمیرل، شمار.

عدالت (?adālat) - ا. ف.

نیاو گلوی.

عداوت (?adāwat) - ا. ف.

دښمنی، میرخی، بدی.

عدل (?adil) - ا. نیاو، نیکه.

عدو (?adū) - ا. ص. دښمن.

عذاب (?azāb) - ا. خور، رېو،

زیاد.

عذار (?uzār) - ا. بارخو.

عذر (?uzur) - ا. ف. هیری،

سیله، ننواته.

عذرا (?uzrā) - ص. پیغله.

عرابه (?arāba) - ا. درگړی، پل،

ارابه.

عرایض (?arāyez) - ا. جم.

عریضی.

عرصات (?arasāt) - ا. جم.

لویه ورځ، قیامت.

عرض (?arz) - ا. ف. سور، پسرور.

عرصه (?arsa) - ا. ډاځی.

عرضه (?arza) - ا. خرگندول.

عرفات (?arafāt) - ا. عرفات.

عرفان (?irfān) - ا. پیژندنه.

عرق (?araq) - ا. خوله.

عرق آلود (?araqālūd) -

ص. مر. خو لجن، خولن.

عرق کردن

(?araqkardan) -

ا. ف. خولی کیدل،

پیکه کیدل.

عروج (?urūj) - ا. ف.

پورته ختل.

عشق بازی (?išqbázi)-

ا. ف. میبتوب.

عشق ورزیدن

(?išqwarzīdan)-

ا. ف. مینه کول. مینیدل.

عشوہ (?išwa)- ا. ف. مکیز،

نازو نخره.

عصا (?asá)- ا. ف. لکړه، امسا.

عصیان (?usyán)- ا. ف. وبال.

عضو (?uzw)- ا. ف. غړی.

عضویت (?uzwlyat)- ا. ف.

غړیتوب.

عطار (?atár)- ا. ف. پساری.

عطر (?atir)- ا. ف. خوشبویه کیدل.

عطسه (?atsa)- ا. ف. انگي، پرنجی.

عطسه زدن

(?atsazadan)- ا. ف. پرنجیدل.

انډوسی وهل.

عطش (?atś)- ا. ف. تنده.

عطوفت (?atúfat)- ا. ف.

پیرزونه، لورنه، مینه.

عظیم (?azīm)- ا. ف. لوی، ستر.

عفت (?ifat)- ا. ف. منا،

سپین لمتیا.

عفو (?fwa)- ا. ف. پلنه، بښنه.

عروس (?arús)- ا. ف. ص. ناوی.

عروسک (?arúsak)- ا. ف.

نانځکه، ناوکی.

عروسی (?arúsí)- ا. ف. واده.

عریان (?uryán)- ا. ف. ص. لڅ،

لوڅ، لغړ.

عریض (?aríz)- ا. ف. ص. سره ور،

سوره ور.

عزازیل (?azázíl)- ا. ف. عزازیل،

دشیطان نوم.

عزت (?izat)- ا. ف. پټ،

درناوی پټمن.

عزل (?azl)- ا. ف. له کاره ویستل.

عزم (?azm)- ا. ف. کسد، هود،

انځځه.

عزیز (?azíz)- ا. ف. ص. زورور،

گړان، ناوبات.

عسکر (?askar)- ا. ف. ص.

زمریال، عسکر.

عسل (?asal)- ا. ف. گبینه، اسل.

عشاق (?uśáq)- ا. ف. ج. مینان.

عشا (?isá)- ا. ف. خفتن، ماخوستن.

عشرت (?išrat)- ا. ف.

خوړژوند، ښه ژوند.

عشق (?išq)- ا. ف. مینه.

عفو کردن (?fwakardan) -

۱. ف. بخښل، ببښل.

عقاب (?uqáb) - ۱. گربته، سینوس

عقارب (?qárib) - ۱. جم. لږ مان.

عقاید (?qáíd) - ۱. جل، گروهه.

عقب (?qib) - ۱. پر شا.

عقب شدن (?qibšudan) -

۱. ف. پر شا کیدل.

عقب مانده

(?qibmánda) - ص. م. پاتي،

بیرته پاتي، وروسته پاتي.

عقد (?qd) - ۱. ف. غوته

عقد نکاح (?qdinikáh) -

۱. ف. نکاح تړل.

عقرب (?qrab) - ۱. لږم،

د کال داتم میاشتی نوم.

عقل (?qil) - ۱. ف. پوهه.

عقلاء (?uqalá) - ۱. جم. پوهان.

عقیده (?qída) - ۱. گرویه،

خل، عقیده.

عکس (?aks) - ۱. ف. نسکور، چپه.

عکس (?aks) - ۱. ف. سیوری،

خیره، عکس.

عکاس (?akás) - ۱. ص.

خیره اخيستونکی.

عکه (?aka) - ۱. ف. کشکړه، هکه.

علاج (?iláj) - ۱. ف. درمل، دارو.

علامت (?alámat) - ۱.

نښه، کړښه.

علامه (?aláma) - ص. لوی پوهاند.

علاوه (?aláwa) - ۱. زیاتي، بالا بود.

عليحده (?alayhda) - ۱.

بیل، جلا.

علت (?ilat) - ۱. سوب، سبب، علت.

علف (?alaf) - ۱. شنه، وابښه.

علم (?ilm) - ۱. ف. پوهه.

علم ادب (?ilmiadab) -

۱. م. ادب پوهه.

علما (?ulamá) - ۱. جم. پوهان،

ملایان.

علي (?alí) - ۱. ص. لوړ، هسک.

عمارت (?imárat) - ۱. ف. ودانۍ.

عمد (?amd) - ۱. ف. نمت،

هنډه.

عمداً (?amdan) - ۱. ف.

په کست.

عمر (?umr) - ۱. موده، عمر.

عُمَر (?umar) - ۱. عمر (رض)

د دویم خليفه نوم.

عمران (?imrán) - ۱. ف. ودانۍ.

عمليات (?a maliyat) -

۱. ف. کړنۍ.

عهد و پیمان  
(-ahdopaymān)  
۱. ف. کړه،  
تړون، بندون.  
عیادت (ayādat) ۱. ف.  
پوښتنه، د ناروغ پوښتنه.  
عیان (ayan) - ښکاره، څرگند.  
عیب (ayyb) ۱. - غندنه، عیب.  
عید (Īd) ۱. - اختر.  
عید قربان (Īd qurbān) -  
۱. لوی اختر.  
عید رمضان (Īd ramazān) -  
۱. کمکی اختر.  
عید گاه (Īdgāh) ۱. -  
د اختر ځای،  
داختر د نمونځ ځای.  
عیدی (Īdī) - ض. ن.  
اختر مبارکی.  
عینک (aynak) ۱. - اینکه،  
سترگۍ.  
عیوب (uyūb) ۱. - جم. عیوبه،  
میارونه.

عموم (umúm?) ۱. - جم. ټول.  
عنقریب (nqarĪb?) - ق. ژر،  
نږدې.  
عناصر (nāsir?) ۱. - جم.  
عنصرونه.  
عناوین (nāwĪn?) ۱. -  
سرلیکي، عنوانونه.  
عنبر (nbar?) ۱. - ابر.  
عنبرین (nbarĪn?) - ص. مف،  
ابر.  
عندلیب (ndalĪb?) ۱. -  
توره بلبله، تورانه.  
عنعنات (an?anát?) ۱. - جم.  
ستری، دور.  
عواطف (awātif?) ۱. - جم.  
پیرزوينی، لورنۍ.  
عودت (awdat?) ۱. - ف.  
راگرزیدنه، راگرځیدل.  
عورت (awrat?) ۱. - شرم ځای،  
پرز.  
عوض (iwaz?) ۱. - آتش، بدل.  
عهد (ahd?) ۱. - ف. تړون، بندون.



# غ

غایبانه (ğāyebāna) - ص.  
پسی، شا، الونیا.  
غبار (ğubār) - ا. خپ، لړه، دربه.  
غبار آلود (ğubārālūd) -  
ص. مر. شپیره، مکرزجن.  
غبن (ğabin) - ص. ټکي، درغلنه.  
غیچک (ğīčak) - ا. غچکه،  
د موسیقي آله ده.  
غدار (ğadār) - ص. درغلي،  
دروهلې، درغلنې.  
غدود (ğdūd) - ا. مرغړی،  
مرغیره.  
غدیر (ğadīr) - ا. تریلی، ډنډو.  
غذا (ğizā) - ا. خواړه، خرومه.  
غراب آهنی (ğurabiāhanī) -  
ا. مر. اړه، لړه.  
غربال (ğirbāl) - ا. غلبیل، پیروخی،  
بروز، غلبیل.  
غربت (ğurbat) - ا. ف.  
پر دیتوپ، پردیوالی.

غار (ğār) - ا. سمخ، مکار، خوار.  
غارت (ğārat) - ا. ف. تالا،  
لوټ، تاراک.  
غار تگر (ğāratgar) - ص. فا.  
تالان، تالانگر.  
غازی (ğāzī) - ص. فا. غازي،  
غزا کوونکي.  
غاصب (ğasib) - ا. فا.  
بیوره کوونکي،  
په زور نیوونکي.  
غافر (ğāfir) - ا. فا. بخښونکي.  
غافل (ğāfil) - ص. فا. ناخبره.  
غالب (ğālib) - ا. فا. بر، زورور،  
غاور.  
غالغال (ğalmağāl) - ص. فا.  
شور ما شور.  
غالیه (ğālīa) - ص. مښکیر.  
غایب (ğāyeb) - ص. الونیا،  
الاستی.

غریزه (gārīza) - ۱. پنځه،  
 خورزون، په خټه کې.  
 غریو (gīrew) - ۱. بغاری، شور،  
 چیغی.  
 غزا (gāza) - ۱. غزا  
 غزال (gāzal) - ۱. کبلی.  
 غزاله (gāzāla) - ۱. کبلی.  
 غزوات (gāzawāt) - ۱. جم.  
 غزا کول.  
 غزال (gāzal) - ۱. ف. سندر، بدله.  
 غزالخوان (gāzalxān) - ص.  
 فا. بدلی،  
 څوک چی بدلی وائی.  
 غزدي (gīzdi) - ۱. کیرای، کیردی.  
 غز گاو (gāzgāw) - ۱. مر.  
 غور غویی، غزگاو.  
 غسل (gūsāl) - ص. لمبونی،  
 مړولونی.  
 غسل خانه (gūsulxāna) -  
 ۱. ص. لمبا.  
 غسل (gūsul) - ۱. ص. لمبا.  
 غسل کردن  
 (gūsulkardan) -  
 ۱. ف. لمبل.  
 غصب (gāsb) - ۱. ف.  
 په زور نیول، بیورمه.

غرس (gārs) - ۱. ف.  
 نیالګی کښینول.  
 غرش (gūriš) - ۱. ف. غرهاری،  
 غرمبی.  
 غرض (gāraz) - ۱. ف. اړه، غرض.  
 غرغر (gurgur) - ۱. مر.  
 گڼ پیدل. غوریدل.  
 غرغره (gargara) - ۱. دار،  
 سلی، سولی.  
 غرفه (gurfā) - ۱. کړکۍ، غرفه.  
 غرق (gārq) - ۱. ف. ډوبه، غوب.  
 غرقاب (gārqāb) - ۱. مر. ډند.  
 غرق شدن (gārqśudan) -  
 ۱. ف. ډوبیدل.  
 غرق کردن (gārqkardan) -  
 ۱. مر. ډوبول.  
 غروب (gūrūb) - ۱. مر.  
 لمر لویده، مازیګر.  
 غرور (gūrūr) - ص. تیرویسنه،  
 تیرویستل.  
 غره (gūra) - ص. مرغوری.  
 غریب (gārīb) - ص. پردیس،  
 پردی، خوار.  
 غریدن (gūrīdan) - ۱. ف.  
 شنیدل، غرمیدل.

غلټیدن (galtīdan) - ۱. ف.

نړېدل، نږگیدل.

غلط (galat) - ۱. ف. خطا، ختا،

تېروتنه.

غلطی (galatī) - ص. ن. خطایی.

غلطیدن (galtīdan) - ۱. ف.

نړېدل، نږگیدل.

غللمان (gilmān) - ۱. جم.

نر حور، غلمان.

غلو (gūlū) - ۱. ف. بښ، غږسکه.

غله (gala) - ۱. غله.

غلیان (gilyān) - ۱. خوشیدل،

خوتیدل.

غلیظ (galīz) - ص. خټه، ګاټه.

غم (gam) - ۱. ف. غم، نول.

غم بادده (gambāda) - ص. م.

غرورې، ګروم.

غمخوار (gamxār) - ص. فا.

خو اخورې.

غم ګسار (gamgusār) -

ص. فا. زړه خوږې.

غمګین (gamgīn) - ص. م.

خپه، غمجن.

غماز (gamēz) - ۱. خبرغل،

مواس، چغل.

غمز (gamz) - ۱. ف. سترګک.

غصه (gusa) - ۱. خپګان، نول.

غضب (gazab) - ص. کاوړه،

غوسه، ټو غمه.

غضب شدن

(gazabšudan) -

۱. ص. غوسه ناک،

ټو غمه ناک.

غضروف (gazrūf) - ۱.

کړپندو کې، کړپندی.

غضنفر (gazanfar) - ۱.

مرزی، زمري.

غفار (gafār) - ص. ق. بخشاو،

بخښونکي.

غفران (gufrān) - ۱. ف.

بخښنه، بښنه.

غفلت (guflat) - ۱. ف. لټی،

ناخبري.

غفور (gafūr) - ص. فا.

بخښونکي، بخښونې.

غلاف (gilāf) - ۱. پوښ.

غلام (gulām) - ۱. مریې، مریه.

غلامی (gulāmī) - ۱. ص.

مریې، ټوب.

غلبه (gālaba) - ۱. بری.

غلټاندن (galtāndan) - ۱.

ف. ر. غړول، کولول.

- غوره گل (g̃aragil)-۱.م.  
خته، غوره گل.
- غوری (g̃orĪ)-۱. لنگری، توبنی.  
غوری پوش (g̃orĪpoš)-  
۱.م. برغولی، سرپوین.
- غوزه (g̃oza)-۱. کالکه، تپوسی.  
غوط (g̃ota)-۱. غوته.
- غوغا (g̃awgā)-۱. اشول،  
جغړل، غالمغال.
- گولک (g̃olak)-۱. گولک،  
زمرکي، غزکمان.
- گولنگ (g̃oling)-۱. تایی،  
مامولی، کشته.
- غیاث (g̃iyās)-ص. فا. غاورسی،  
باز خواستگر.
- غیب (g̃ayb)-۱. ف. الونیا، الاستی.  
غیبت (g̃Ībat)-۱. ف. پناکیدل،  
الونیا کیدل.
- غیر (g̃ayr)-۱. پرته، پردی.  
غیرت (g̃ayrat)-۱. ف. ننگه،  
میرانه.
- غیور (g̃ayūr)-ص. فا. ننگیالی،  
میرنی.
- غمزه (g̃amza)-۱. ملیندک.  
غمزه (g̃amā)-غلشکه، کرشنه.  
غمزه یی (g̃amzaĪ)-ص. فا.  
نخره مکر، نخره مکره.
- غناء (g̃inā)-۱. سازوسیل.  
غناء (g̃anā)-۱. ف. بهایی،  
شته منی.
- غنایم (g̃anāyem)-۱. جم. ولجی.  
غنچه (g̃unča)-۱. غوتی، منجری.  
غنچه شدن  
(g̃unčašudan)-  
۱. ف. غوته کیدل.
- غنده (g̃unda)-ص. ف.  
پاغونده، کورپی
- غنوده (g̃anūda)-ص. مف.  
ویده، بیده.
- غنی (g̃anĪ)-ص. بلای مور.  
غنیمت (g̃anĪmat)-۱. اولجه.
- غواص (g̃awās)-ص. فا.  
مرجونیا، مرجوریا.
- غوٹ (g̃aws)-۱. ف. غاورسی،  
باز خواستگر.
- غور (g̃awr)-۱. ف. ژوره، تهنه،  
خوره.
- غور کردن (g̃awrkardan)-  
۱. ف. خیر کیدل.

## ف

- فارغ (fāriğ)-۱. فا. وزگار،  
خلاص، خوشی.
- فاروق (fārúq)-۱. فا. ا. بیلونی،  
دوهم خلیفه (عمر فاروق) لقب.
- فاسد (fāsīd)-ص. بکار، وران،  
و بچار خراب.
- فاسق (fāsīq)-۱. فا. بدلامی.
- فاصله (fāsila)-۱. فا. وا تن.
- فاضل (fāzil)-۱. فا. زیات.
- فاعل (fā?il)-۱. فا. کپرونی،  
کپرونکی، کپرونکی.
- فاکولته (fákolta)-۱. پوهنځی.
- فال (fál)-۱. مرکب سپاره، پاله، تیش.
- فالیج (fálej)-۱. بکرن.
- فام (fām)-۱. پور، موس.
- فانوس (fánūs)-۱. پانوس،  
لارډیوه.
- فانه (fána)-۱. سپیته، پانه.
- فايض (fāyez)-۱. فا.  
کټه رسونی،  
غور لاسی، فیض آدم.
- فایق (fāyeq)-۱. فا. بوب، نور،  
بریالی.
- فتراک (fitrāk)-۱. ف. پروکی.
- فتنه (fitna)-۱. ف. پتنه.
- فتور (future)-۱. ف. مپروای،  
مپروای کیدل.
- فتیله (fatīla)-۱. ف. پلته، پاتی،  
خراغ مزی.
- فحش (fahš)-۱. ف. کنخل،  
کنخا کول.
- فداء (fidā)-۱. ف. جار.
- فر (far)-۱. شمشه، دبدبه.
- فرا (farā)-پیشوند. لور، طرف.
- فرا تر (faratar)-ص. ډیر نږدی.
- فراخ (farāx)-ص. ارت، پراخ.
- فراخور (farāxor)-ص. وړ.

فرجام (farjām)-۱. پای،  
 گانده وروسته، کړه.  
 فرخاش (farxās)-۱. جگړه،  
 شخړه.  
 فرخنده (farxunda)-  
 ص. کجیر،  
 بختور، نیک مرغ.  
 فرد (fard)-ص. یوازی، یکرې.  
 فردا (farād)-۱. گهښ، سبا.  
 فردوس (firdaws)-۱. جنت.  
 فرزانه (farzāna)-ص. وړ.  
 فرزانه (farzān)-ص. حکیم،  
 پوهه، پویه.  
 فرزند (farzand)-۱. زوی.  
 فرس (fars)-۱. آس، اس.  
 فرستادن (firistādan)-  
 ۱. ف. استول، لېږل،  
 رهي کول.  
 فرسوده (farsūda)-ص.  
 وروست، زوړ، شړیدلی.  
 فرشته (firišta)-۱. پریښته، ملکه.  
 فرصت (fursat)-۱. نوبت وار.  
 فرط (fart)-۱. ف. ډیرواله،  
 زیاتوالی.  
 فرمودن (farmūdan)-  
 ۱. ف. ویل، پرمایل.

فراز (farāz)-۱. څک، پور، هسک.  
 فراست (farāsat)-۱. ف.  
 هوشیاری زیرکتوب.  
 فراش (farās)-۱. غوړونی،  
 وېړونی.  
 فراغ (farāḡ)-۱. ف. وزگار تیا.  
 فراگرفتن (farāgrifan)-  
 ۱. ف. چاپېرل.  
 فرآمدن (farāmdan)-  
 ۱. ف. کته کیدل،  
 کوزېدل.  
 فراموش (farāmuš)-۱. ص.  
 هیر.  
 فراموش کردن  
 (farāmēškardan)-  
 ۱. ف. هیرول.  
 فراموشی (faramušī)-۱. ص.  
 هیره.  
 فراوان (ferāwān)-ص. ډیر.  
 فراهم (farāham)-ص.  
 راټولول، پیلو، راغونډو.  
 فربه (farbih)-ص. ځواب،  
 سلنډ، تیار، پیلو.  
 فرتوت (fartūt)-ص. بوډا،  
 بوډی.

فزون (fizun) - ص. ډیر.  
 فساد (fasad) - ۱. تباهی، فتنه.  
 فشردن (fišurdan) - ۱. ف.  
 سپریدل.  
 فش کردن (fishkardan) -  
 ۱. ف. پوزه سونول.  
 فشردن (fishurdan) - ۱. ف.  
 نښتخل، پڼډی کول.  
 فشنگ -  
 ۱. (feshing) کارتوس.  
 فصاحت (fasahat) - ۱. ف.  
 ژبه وړتیا، خبر لوختیا.  
 فصیح (faṣīḥ) - ص. ژبه ور،  
 خبر لوخی.  
 فضا (faẓa) - ۱. تشه، دند.  
 فصاحت (fazahat) - ۱. ف.  
 بدرنگی.  
 فضل (fazl) - ۱. ف. بښنه.  
 فضایل (fazāyel) - ص. پوهنه.  
 فعالیت (faāaliyat) - ۱. ف.  
 پیاوړتوب، تکره توب.  
 فعل (fi?l) - ۱. کړه.  
 فغان (fiḡān) - ۱. کړکار، غریب،  
 چیغه، سری.  
 فقید (faqīd) - ص. ورک،  
 خدای بښنی.

فرو (firo) - ص. ښکته، کښته، تیر.  
 فروتن (firotan) - ص. کمینه،  
 کمینه.  
 فروختن (furuoxtan) -  
 ۱. ص. خرخول، پلورل.  
 فرورفتن (firoaftan) - ۱. ف.  
 ننوتل، ښخیدل، خښیدل.  
 فروزان (firozān) - ص. فا.  
 خلا، خلیدونکی.  
 فروشنده (firoshinda) -  
 ۱. فا. پلورونکی،  
 پلورونی، خرخوونکی.  
 فروغ (firog) - ص. خلا، بریښ،  
 رڼا، شرک.  
 فرومایه (firomāya) - ص.  
 ناگجرات، پاسو، کچه.  
 فرهمند (farahmand) - ص.  
 نږدی.  
 فرهنگ (farhang) - ۱. پوهه.  
 فریاد (faryād) - ۱. سوری،  
 کوکاره، کوکه.  
 فریب (fireb) - ۱. دوکه، چم، چل.  
 فریده (fareda) - ۱. ص. خانتما،  
 مرغول.  
 فریفتن (firieftan) - ۱. ف.  
 غولول، تیریستل.

فقير (faqir) - ص. نیستی، نیستمنی.

فکر (fīkr) - ا. حرت، اندیشه.

فگار (figār) - ص. خود ژوبل.

فگنده (figanda) - ا. سرکوزی،

سرتیتی.

فلاخن (falāxun) - ا.

مچنو غزه، ترنگوڅه.

فلان (fulān) - ا. فلانی، فلانکی.

فلیته (falīta) - ا. بورې.

فلقل (filfil) - ا. تورمرج.

فلق (falaq) - ا. سپیده چاود،

سپیدی.

فلک (falak) - ا. آسمان.

فلالین (falalin) - ا. پللین.

فن (fan) - ا. راز، چمه، ډول.

فنا (fanā) - ا. ف. ورک، ورکیدل.

فنجان (finjān) - ا. ټوټیالی.

فواد (fawād) - ا. زړه.

فواره (fawāra) - ص. څگ.

فوت (fawt) - ا. ف. مړینه، مړ،

تیریدنه.

فوج (fawj) - ا. ډله، لشکر، رمه.

فورا (fawran) - ق. دستی، زر.

فوران (fawrān) - ا. ف.

ایشیدل، ختیدل.

فوری (fawrī) - ق. زر. زرتزره.

فوق (fawq) - ا. بر. پاس، لوړ،

پورته.

فوقانی (fawqānī) - ص. ل.

پاسنی، برنی.

فوق العاده (fuqul?āda) -

ص. ډیرینه.

فوقیت (fawqeyat) - ص.

زیاتوالی، ښه وال،

لوړوال.

فول (fawl) - ا. خطا کول.

فهارس (fahāris) - ا. جم.

پیوستونه، نوم لیکي.

فهام (fahām) - ص. ډیرپوه،

ډیر هوښیار.

فهرست (fihrist) - ا.

نوم لیکي، لړلیک.

فهم (fahm) - ا. ف. پوهه.

فهم (fahīm) - ص. پوه.

فهمیدن (fahmīdan) -

ا. ف. پوهیدل.

فیاض (fayāz) - ص. ښه ځوان،

ښښندوی، میړنی.

فیروز (feroz) - ص. بر.

فیروزه (feroza) - ا. پیروزه،

بیروژه.



فیض (fayz) - ۱. ف. بیض،

برکت، خیر.

فیضان (fayzān) - ۱. ف.

ترئیدل، توئیدنه، ژیتوبه.

فیل (fīl) - ۱. پیل، آتی.

فیل پایه (fīlpāya) - ۱. م.

پیل پندۍ.

فیل مرغ (fīlmurğ) - ۱. م.

پیل مرغ.

فیشن (fis' an) - ص. ډول،

سینگار.

فیشنی (fes' anī) - ص. ډولۍ.

فیصله (faysala) - ۱. ف.

پریکړه، پریکړول،

غوڅه.

فیصل (faysal) - ۱. ص. حاکم.

# ق

قاجاق (qāchāq)-۱. گریزی.  
 قادر (qādir)-ص. فا. وسمن،  
 برلاسی، باور، زورور.  
 قار (qār)-۱. فا. تا غ.  
 قاره (qāra)-۱. وچه.  
 قاری (qārī)-۱. فا. لوستونکی.  
 قاز (qāz)-۱. بته.  
 قاسر (qāsir)-۱. فا. گمارونکی.  
 قاسم (qāsim)-۱. فا. ویشونی،  
 ویشوونکی، ویشگو.  
 قاش (qāš)-۱. ورخه.  
 قاش قاش (qāsqāš)-۱.  
 درې، درې.  
 قاشق (qāsuq)-۱. کاچوغه،  
 چمچی.  
 قاصد (qāsīd)-۱. فا. سکاری،  
 خری.  
 قاضی (qāzī)-۱. فا. کاضی،  
 قاضی.

قاب (qāb)-۱. تینکری، غاب،  
 پوبش، چوکات.  
 قابچی (qābčī)-۱. فا. ور به،  
 ورساتی، قابوچی.  
 قابض (qābiz)-۱. فا. نیوونکی.  
 قابل (qābil)-۱. فا. منونی،  
 منوونکی.  
 قابله (qābila)-۱. فا. دایی.  
 قابلیت (qābileyat)-۱. ف.  
 پوهه، هوبنیاری.  
 قابو (qābū)-ص. غلی، خارو،  
 قابو.  
 قاپ (qāp)-۱. ف. الوزول.  
 قات (qāt)-۱. ف. کپت،  
 کوبست، کپ کپ.  
 قات کردن (qatkardan)-  
 ۱. ف. کتول، عبیر کول.  
 قاتر (qārtir)-۱. کچر.  
 قاتل (qātil)-۱. فا. وژونکی.

قانعوزک (qāngūzak)-

۱. گونگې.

قانون (qānūn)- ۱. لياره ،

دود، نرخ.

قاهر (qāhir)- ص. فا. كبرجن،

غصه ناك.

قايق (qāeyq)- ۱. ما كو،

كوچنی بيړه

قايل (qāeyl)- ۱. فا. ويوونكى.

قايم (qaeym)- ص. تينښت، كلك.

قبااء (qabā)- ۱. غدكه.

قباح (qabāhat)- ۱. ف.

ناكار تيا، بسره ، نابود تيا.

قبال (qibāl)- ۱. كبله.

قباله (qabāla)- ۱. كواله، كباله.

قبايح (qabāeyh)- ص. ناكارى

نابودى.

قبایل (qabāeyl)- ۱. جم. کامونه

پيرونه، ولوسونه.

قبر (qabir)- ۱. چورى، كيڅ، كبر.

قبرستان (qabristān)- ۱. م.

هليپره، مړ ستون.

قبر کن (qabirkan)- ص.

فا. قبر كيدونكى.

قبرغه (qaburḡa)- ۱. پښتى.

قبض (qabz)- ۱. ف. نيول.

قاطر (qātir)- ۱. كچر.

قاطع (qāti?) - ۱. فا. غو خونى،

پريكوونكى،

خوڅوونكى.

قاعد (qā?id)- ۱. فا. ناست.

قاعده (qā?ida)- ۱. فا. دود.

قاغمه (qāḡma)- ۱. كاغمه.

قاف (qāf)- ۱. دقاف غر.

قاف (qāf)- ۱. شلخى.

قافله (qāfila)- ۱. فا. كاروان،

اير، جويه.

قافيه (qāfiya)- ۱. قافيه.

قاق (qāq)- ۱. ص. وچ.

قاقم (qāqum)- ۱. سپين لمى.

قال (qāl)- ۱. ف. بېر غړيدل.

قالين (qālīn)- ۱. غالى. قالينه،

زلين.

قامت (qāmat)- ۱. بر. چر، ونه.

قاموس (qāmūs)- ۱. سيند.

قان (qān)- ۱. كغ، كغ.

قانگر (qāngar)- ص. فا.

گورى جن، گورمار،

درغل غاليجن.

قانع (qāni?) - ۱. فا. بتندى،

سكته كوونكى.

قدرت (qudrat) - ۱. ف. وس، واک.

قدس (qudus) - ۱. ف. سپیڅلتیا، پاکوالی.

قدسیان (qadseyān) - ص. ملکی.

قدغن (qadḡan) - ۱. ف. پل.

قدم دار (qadamdār) - ص. نیک مرغ.

قدما (qudamá) - ۱. جم. اولنی، لرغونی، پخوانی، رومبني.

قدوس (qudús) - ص. ع.

دیر سپیڅلی، دیر پاک.

قدوم (qudúm) - ۱. جم. راتله، راتلل.

قدید (qadíd) - ص. لاندی، پړسند.

قدیر (qadír) - ص. وسمن، واکمن.

قدیفه (qadífa) - ۱. دوپټه، خادر.  
قرا (qurrá) - ص. قاریان، لوستوونکی.

قرابت (qurábat) - ۱. ف.

چنلوی، نزدی والی.

قرار (qarār) - ۱. ف. هوسا، کرار.

قبضه (qabza) - ۱. موتی.

قبل (qabil) - ۱. پخوا، دمخه،

وړاندی، لرغون، رومی.

قبله (qibla) - ۱. قبله، کعبه.

قبله گاه (qiblagá) - ۱. م. پلار.

قبول (qabúl) - ۱. ف. مننه،

کبلونه، هر کره.

قبولی (qabúll) - ص. منبست.

قبیل (qabíl) - ۱. قام، اولس، زی.

قبیله (qabíla) - ۱. کور، ټبر، زبې.

قتال (qital) - ص. جگړه، وژلون.

قتل (qatil) - ۱. ف. وژل، وژله.

قتی (qutí) - ۱. ډبلی، کټی.

قتیل (qatíl) - ۱. مف. وژلی.

قحط (qaht) - ۱. ف. کاخت،

کات، اړایی.

قد (qad) - ۱. ونه، بر، ډړه.

قدو قامت (qaduqāmat) -

۱. جوړاب، ډرووړ.

قد کشک (qadkašak) -

اغباندی، غلنگ،

مرغړی.

قدح (qadah) - ۱. کټوری.

قدر (qadir) - ۱. قدر، پت.

قرارداد (qarārdād) - ۱. م،

تړون.

قراری (qarārī) - ۱. ف. کراری،

هوساینه.

قراقوش (qarāqūš) - ۱.

گريته، سیهنوس.

قرانطين (qarantīn) - ۱.

گوره، بډون، شول.

قراول (qarāwul) - ۱. زخه،

نونی، خری، مکور په ښه

کول، سرودن.

قرائت (qerā't) - ۱. ف.

لوست، لوستل.

قرائن (qarayin) - ۱. جم. ښی،

ښیانی.

قرب (qurb) - ۱. ف. نږدیوالی.

قربان (qurbān) - ۱. ف. جاری،

دروږی.

قربانی (qurbānī) - ص. هلاله،

حاری، اختری.

قوت کردن (qurtkardan) -

۱. ف. غړپول، تیږول.

قرچه (qarča) - ۱. چتی، چتکی،

تروړی، چقر،

بچی توره تروړی.

قرح (qarḥ) - ۱. پړهار، زخم.

قرص (qurs) - ۱. ټیټکلی،

ځکی، تکی.

قطرات (qatarāt) - ۱. جم.

څاڅکی.

قطره (qatra) - ۱. څاڅکی،

څاڅی، تراوی.

قطع (qat?) - ۱. ف. غوځ، پری.

قطعا (qata?n) - ق. کړت،

هلېو، هینکه، حواله.

قطعه (qit?a) - ۱. تکر، ډگر، مرک.

قطور (qutūr) - ص. پریږ.

قطی (qutī) - ۱. ډبلی.

قعه (qa?da) - ۱. ف. ناسته.

قمر (qamar) - ۱. سپوږمۍ.

قفا (qafā) - ۱. ورمېږ، خټ.

قفاق (qafāq) - ۱. ف. خپړاخه،

څاپېږه، چپلاقه.

قفس (qafas) - ۱. پنجری، کپس.

قفل (quful) - ۱. چرک، کلپ.

قلاّب (qullāb) - ۱. نرگوبنه،

نگوش، چنگ.

قلاده (qalāda) - ۱. غړوندی.

قلاع (qalā?) - ۱. ج. کلاوی،

قلاوی، قلاکاني.

قلاغ (qalāḡ) - ص. پښی.

قلب (qalb) - ۱. زړه، نشور، کوټه.

قلبي (qalbī) - ص. غلټی، ټگي،

درغلتوب.

قناويز (qanāwez) - ۱. رخت،

کناويز.

قنداق (qondāq) - ۱. کنډاغ،

ليچ، ورنې، ارنې،

غونډک.

قنديل (qandīl) - ۱. چټ ډيوه

ډيوټ.

قنغال (qengāl) - ۱. چنغول،

چنغله.

قو (qú) - ۱. بته.

قواره (qawāra) - ۱. جوله،

کړه وړه.

قوال (qawāl) - ص. خبر لوڅی،

ژبور.

قوال (qawāl) - ۱. کوال.

قوتان (qotān) - ۱. کوتنه.

قوچ (qoç) - ۱. هنده، مينده.

قوده (qawda) - ۱. غمچه،

مروني، کپړی.

قوس (qaws) - ۱. لينده، لنده.

قوغ (qoğ) - ۱. سگروټه.

قوځله (qoqla) - ص. جلبل،

لولپه، جوغدی.

قول (qawl) - ۱. ف. ويل، وينا،

ژبنة، لوز، لاس وړکول.

قولنج (qolenj) - ۱. پينځ.

قلبه (qulba) - ۱. يوی، رخت،

کلبه.

قلت (qillat) - ۱. ف. لړواله.

قلزم (qulzum) - ۱. سورسیند،

سیندکی، سره بحیره.

قلع (qal?) - ۱. ف. شکول، پریکول.

قلعه (qal?a) - ۱. کوټ، کلا.

قلنج (qulinj) - ۱. پينځ، کلنج.

قلندر (qalandar) - ۱. ص. ملنگ.

قلوب (qulúb) - ۱. جم. زړونه.

قليل (qalīl) - ص. لږ.

قمار (qimār) - ۱. جوارى.

قماش (qumās) - ۱. ټوکی، ټوته،

ټوکر.

قمچين (qamčīn) - ۱. متروکه،

قمچينه.

قمری (qumrī) - ۱. سپلمه،

غمبری، کوکو، کوتره.

قمر (qamar) - ۱. سپوږمۍ.

قمع (qama?) - ۱. ف. پریکول،

پریکړه.

قناد (qanád) - ۱. ص. کنات،

گورپه ساز.

قناری (qanārī) - ۱. زیرسوی.

قناعت (qiná?at) - ۱. ف.

سکته، سبته.

قوم (qawm) - ۱. جم. کام، زی، تیر.  
 قوماندان (qomandān) -  
 ۱. ف. بولد، ورک.  
 قوی (qawí) - ص. زورور،  
 مپروج، خانباندی.  
 قهر (qahr) - ص. غاوری، بره،  
 غوسه، درد، توغمه.  
 قهار (qahár) - ص. غاور.  
 قهرمان (qahramān) - ۱.  
 ص. اتل.  
 قهقهه (qahqah) - ۱. ف. کتکی،  
 کټ کټ، کپهار.  
 قهوه (qahwa) - ۱. یوزه، کاوه.  
 قی (qay) - ۱. ف. کانگه، خوږ.  
 قیادت (qiyādat) - ۱. ف.  
 بومیا ګلوی.  
 قیاس (qiyās) - ۱. ف. اټکل.  
 قیافه (qiyāfa) - ۱. ف. کره وړه،  
 سنټه، جوله.  
 قیام (qiyām) - ۱. ف. دریدل،  
 ولاړه.  
 قیامت (qeyāmat) - ۱. قیامت،  
 پاڅون، کیامت.  
 قیچی (qayčí) - ۱. بیټی.  
 قید (qayd) - ۱. اړتون، بند.  
 قیر (qír) - ۱. زرنه، رانځوه، ننږه.

قیراط (qírat) - ۱. چټه.  
 قیزه (qayza) - ۱. ملونه، کیزه.  
 قیسی (qaysí) - ۱. کیسی.  
 قیصر (qaysar) - ۱. قیصر، کیسر.  
 قیف (qíf) - ۱. غیپ، کیپ.  
 قیل و قال (qíluqál) -  
 ص. اشول، چغریه،  
 هشتو منټ، غریږ.  
 قیماق (qaymaq) - ۱. پیروی،  
 رش.  
 قیمت (qímat) - ۱. بیه.  
 قین و فانه (qínofána) - ۱. م.  
 پانه کونده.  
 قیود (quyúd) - ۱. م. بندونه.  
 قیوم (qayúm) - ص. فا.  
 ساتونکی،  
 ژغورونی، ساتندوی.  
 قیوم (qayúm) - ۱. پاڅونی،  
 د خدای تعالی نوم.

# ک

کار بند (kārband) ص. ا. پ.

محتاج.

کانون (kānūn) ا. ا. اور غالی،

تولنه.

کار تمام (kārtamām) -

ص. بشپ.

کار خانہ (kārxāna) ا. ا.

د کار خای، پخلنخی.

کار خیر (kārixayr) ص.

واده، د خیر خبره،

د واده کنایه.

کار دار (kārdār) ا. ا.

کار وال، مامور،

د دولت کارمند.

کار ساز (kārsāz) ا. ا. فا.

کار سمونی،

کار سموونکی.

کار شناس (kāršinās) -

ا. فا. هوشیار.

کابل (kābul) ا. ا. کابل.

کابوس (kābūs) - خپکی.

کابیدن (kābīdan) ا. ا. ف.

کیندل.

کابین (kābīn) ا. ا. ولور،

د بنخی مهر.

کابینه (kābīna) ا. ا. کابینه،

د وزیرانو شورا.

کاتب (kātib) - ص. فا.

لیکونکی.

کاخ (kāx) ا. ا. مانی؛

کاذب (kāzib) - ا. فا.

دروغژن، دروغجن.

کار (kā) ا. ا. چار، کار.

کار آگاه (kāragāh) - ص.

هونشیار.



کاسنی (kāsnī)-۱. سمکی،

یو قسم شین بوتی دی.

کاسه (kāsa)-۱. کونډی،

یو قسم لوبښی چی

ډوډی په کی خوړل

کیږی.

کاسه سر (kāsayesar)-

۱. مر. کوپړی، کوپی،

د سر کوپړی.

کاسه لیس (kāsales)-

ص. کاسه ختی.

کاشانه (kašāna)-۱. کودله،

کودل.

کاستن (kāstan)-۱. ف.

مت، کدی.

کاشف (kāšif)-۱. فا.

لوخوونکی کشفوونکی.

کاظم (kāzim)-۱. زغمونی،

زغمونکی.

کافر (kāfir)-۱. کاپر، بی ایمان،

هغه څوک چی

ایمان نه لری.

کافه (kāfa)-ق. ټول، ګرد،

درست.

کا کا (kāka)-۱. تره. د پلار

ورور.

کار فرما (kārfarmā)-۱. فا.

ګمارونکی، ګمارونی.

کار ګاه (kārgāh)-۱. م.

کمپنی، کډی،

او بدلو کار ځای.

کاری (kāri)-ص. م. ټکره،

چارې چارو کی.

کارتوس (kārtūs)-۱. آ.

کالتوس، مرمی.

کارد (kārd)-۱. آ. چور کی،

چاکو.

کاریز (kārez)-۱. سپر څه.

کاریز کن (kārezkan)-۱.

ف. سپر څه ایستونکی.

کاسب (kāсіб)-۱. چاری

چارو کی، چاره کوونکی.

کاست (kāst)-ص. دروغ

درواغ، درو.

کاستن (kāstan)-۱. ف.

لږول، کمول.

کاسته (kāsta)-۱. لږ شوی.

کاگل (kākul) - ۱. خنی.

کاگلی (kākulī) - ص. خنور.

کالا (kālá) - ۱. ج. کالی، ختی.

کالچ (kālij) - لوستخی، ښوونځی.

کالر (kalar) - ۱. غاړکی.

کام (kāam) - ۱. مثالو، مریه.

کامیاب (kāmyāb) - ص. بریالی.

کامل (kāmil) - ص. بشپړ،

پوره.

کان (kān) - ۱. معدن، درنگ،

(درنگ له ما لږی وړی).

کاواک (kāwāk) - ص. ډډ،

کوڅ، پوښ، بوسن.

کاویدن (kāwīdan) -

۱. ف. کیندل، کینل.

کاوش (kāwiš) - ۱. مندانو.

کاه (kā) - ص. وچ واښه.

کاهش (kāhiš) - ۱. ف.

لږیدل، کمیدل.

کهکشانشان (kahkašan) -

۱. آسمان لاره،

کبل (kabal) - ۱. کبله، مرغه.

کاگل (kāhil) - ص. کهال،

تمبوس، شاپ، جونکې.

کاغن (kāhin) - ص. توریټی.

کاهیدن (kāhīdan) - ۱. ف.

لږیدل، لږوالی، کمیدل.

کاید (kāyed) - ۱. ټک.

کباب (kabāb) - ۱. وړیت،

کباب.

کبر (kibr) - ص. لوی، کبر.

کبک (kabk) - ۱. زرکه.

کبک زری (kabkizarī) -

ص. تنخړی،

یو قسم ځنگلی مرغه دی.

کبوتر (kabūtar) - ۱.

کوټره، کونټره.

کبود (kabūd) - ص. نیلی،

شین.

کبیر (kabīr) - ص. لوی، غټ.

کُپ (kup) - ص. کړوپ.

کپتان (kiptān) - ۱. ټولی مشر.

کتل (kutaḷ) - ۱. غاښی، پیچومی.

کتله ۽ سنگ (kutlayesang) -

کر کنډه، د تیری یوه ټوټه.

کتیب (katīb) - ۱. مف. لیک،

لیکلی، کښلی.

کتیبه (katība) - ۱. لیک.

کتیران (katīrān) - ۱. زرڼه نانه.

کثرت (kasrat) - ۱. ف.

ډیریدل.

کثیر (kasīr) - ص. زښت ډیر.

کج (kaj) - ص. کوږ.

کج بیل (kajbel) - ۱. آ.

کوږ،

پاره، چاری، کره.

کج چشم (kajčāšm) -

ص. کرپښک،

کوږ سترگی.

کجا (kujā) - ق. چیری.

کجل (kajal) - ۱. غوړ رانجه،

رانجه، کجل.

کچالو (kačālū) - ۱. پټاټی،

آلو مګان.

کت بانو (katbān) - ۱.

میر من.

کتاب (kitāb) - ۱. لیکي کتاب.

کتابت (kitābat) - ص. لیک.

کتاره (katāra) - ۱. کتاره

میر ګنه، کتاری.

کتان (katān) - ۱. سونډ، سوږ،

یو قسم گیاه ده

چی له پوټکی څخه،

ټوټه جوړوی.

کتانه (katāna) - ۱. کوټنی.

کوډله.

کتب (katab) - ۱. ف. لیکل،

نکل کښل.

کتخ (kat'ix) - ۱. ننگولی کتغ.

کتکار (katkār) - ۱. ترکان،

دروز ګر.

کتګار (katgār) - ۱. ترکان

دروز ګر.

کجاوه (kajāwa) - ۱.

انډولې، امبا لی.

کچکول (kačkol)-۱.

گنج، کشکول.

کچل (kačal)-ص. هغه

څوک چې پښی یی

کړی وړی وی.

کحل (kaḥal)-۱. ف. رانجه.

کحال (kaḥāl)-۱. ف.

رانجه پوری کوونکی

کدبانو (kadbānū)-۱.

میرمن، بسخه.

کدخدا (kadxudā)-۱. م.

څښتن، کوربه،

د کلی مشر.

کد (kad)-ص. ربړ، زیار.

کدو (kadū)-۱. یو ډول

خیلی، بوتی دی،

غتی پانی لری او

حاصل یی د هندوانی

کدیور (kadewar)-۱. بزگر،

دیکان،

کړیڅ، کروونکی.

کذب (kizb)-ص. دروغ،

درواغ.

کرب (karb)-۱. غم، خپګان.

کرباس (karbās)-۱. یو

ډول توتیه ده. نا مّا

کرباسه (karbāsa)-۱.

چرمبښکی، خرمبښکی.

کرت (karat)-۱. خل، وار.

کر جفو (karjafū)-۱. مرز،

بودنه.

کر (kar)-ص. کوڼ، هغه څوک

چې په غوړو نه اوری.

کران (karān)-۱. ژى، غاړه،

د دریاب غاړه.

کراحت (karāhat)-۱. ف.

کرکه.

کرچ (kirč)-۱. سمه توره،

کریچ.

کرخ (karax)-ص. سوړ،

سوړ شوی ننگولی.

کردگار (kirdagār)-۱.

ډیرونکی.

کردن (kardan)-۱. ف.

کول، کړل.

کردوس (kardūs)-۱.

شمزی، د ملا تیر.

کرگس (kargas)-۱.

کجیر،

یو ډول مرغه ده.

کرم (karam)-۱. ف. ورکړه،

بخښنه.

کرم (kirm)-۱. چنګی.

## کشادن چشم

(kušādanīčāsm)

۱. م. سترگی خلاصول.

کشال (kašāl) - ۱. خورند،

خریدلی.

## کشاورز (kišāwarz)

۱. کنبی، بزگر.

## کشت زار (kištār)

۱. کرونده.

کشتن (kuštan) - ۱. ف. وژل،

مړ کول.

## کشتی گرفتن

(kuštīgīriftan)

۱. ف. غیږ نیول،

غیږ ایستل.

کشتی (kištī) - ۱. بیړی.

کشش (kašiš) - ۱. ص.

څکونه.

کف مال (kafmāl) - ۱. م.

سرویلی.

## کرم پيله (kirmipīla) - ۱.

ورینیم چنجی.

## کرم شب تاب

(kirmištāb) - ۱.

اور کی، اور بلیکی، اور

اور کی.

کروفر (karofar) - گډوډو.

کره خر (kura xar) - ۱.

کوټی.

کری (kurī) - ۱. پونده.

کریم (karīm) - ص.

ښه ځوان، میړنی.

کسوف (kusūf) - ۱. ف.

لمر تندرہ، تندرہ.

کشاکش (kašākaš) - ص.

څکول لگول.

کشاد (kušād) - ص. ارت.

کشف (kašf) - ۱. لوخونه.

کشف (kašaf) - ۱. کشپ،

کاسه ګرپ.

کشمش (kišmiš) - ۱. مویز،

ممیز.

کشور (kišwar) - ۱. سیمه.

کف زدن (kafzadan) -

۱. ف. تاکی، چاکی.

کف (kaf) - خک، جخ.

کف گیر (kafگیر) - ۱. کوگیر.

کفاره (kafāra) - ۱. توغ.

کفاف (kafāf) - ۱. بسنه، بسیا.

کفالت (kafālat) - ص.

ضمانه، ضمانت.

کفاندن (kafāndan) - ۱. ف.

چول.

کفایت (kifāyat) - ۱. ف.

بسیا، بسنه.

کفیدن (kafīdan) - ۱. ف.

چودل.

کفت (kift) - ۱. اوږه.

کفش (kafs) - ۱. پڼه، گاولی.

کفش دوز (kafašdaz) -

۱. م. کوبنار.

کفش کن (kafškan) -

۱. م. پلوره.

کفن (kafan) - ۱. کفن.

کل (kal) - ص. پک، لیندا.

کل و کور (kalokor) -

ص. پکی پمپی.

کلاغ (kalāḡ) - ۱. کارکه،

کاغه.

کلام (kalām) - ۱. خبره.

کلاه (kulāh) - ۱. خولی، تولی.

کلوخ (kulox) - ۱. لوطه.

کم بغل (kambaḡal) -

۱. م. خوار، لغړ.

کم بخت (kambaxt)-

ص. بد مرغه.

کم بر (kambar)-ص.

لنډ سوری.

کم پیر (kampīr)-ص.

کمتر (kamtar)-ص. لږ څه.

کم جان (kamjān)-ا.م.

بوز غنجر.

کلید (kilīd)-ا. کونجی، نوسه.

کلیز (kilīz)-ا. غومبسه.

کم اصل (kamasil)-

ص. ناکجات، پاسو.

ا.م. سروپښی.

کم جرأت (kamjur?)-

ا.م. بی زړه.

کم خرد (kamxirad)-

ص. نا پوه، بوډی.

کم خور (kamxor)-ص.

لږ خوری..

کلاه پوستی (kulohipostī)-

ا. پیخه.

کلبه (kulba)-ا. کډله، کږه.

کلچه (kulča)-ا. ف.

څو کیف ټیکلی.

کلک (kilk)-ا. ګوته.

کلکین (kilkīn)-ا. کړکی.

کلمه (kalīma)-ا. کړ، کړت.

کلوخ کوب (kuloxkōb)-

ا.م. لوتمال.

کلوله (kulola)-ص. ګرد،

ګردی.

کله (kalla)-ا. ککره کوتی.

کله پاچه (kalapāča)-ا.

کله چرک (kalācarak)-

ا.م. بفتوی.

کله شخ (kalačx)-ا.م.

سرزوری.

کم یافت (kamyāft)-

ص. ناویات.

کم حرف (kamḥarf)-

ص. بی خولی، غلی.

کم حوصله (kamḥawsila)-

ص. بی زغمه.

کم هوش (kamhoš)-

ص. نا پوه.

کمان (Kamān)- ا. لینده،

لیندی.

کمان رستم

کم (kamānirustam)-

ا. م. بلوی. تال.

کمر (kamar)- ا. ملا.

کمر بستن (kamarbastan)-

ا. ف. ملا تړل.

کمر بند (kamarband)-

ا. برگی.

کمر چین (kamarčīn)-

ا. م. گنپنی.

کم زدن (kamzadan)-

ا. ف. سپکول.

کم طالع (kamṭālī?) -

ص. بد مرغه.

کم ظرف (kamzarf)-

ص. پاسو. نا کجات.

کم عقل (kam?ql)- ص.

ناپوه.

کمک (kamak)- قید. لږڅه.

کم کاسه (kamkāsa)-

ا. م. بینگری.

کم کردن (kamkardan)-

ا. ف. لږول.

کم کم (kamkam)- ق.

ورو ورو.

کم مهر (kammihr)-

ص. کته میر.

کم نور (kamnūr)- ص. ت.

کم و زیاد (kamoziyād)-

ق. لږ و ډیر.



کمر شکسته

-(kamarsikasta)

ص. ملا ماتی.

کمر کوه (kamarkoh)-

ا. م. گرنک.

کمرگاه (kamargah)- لنډه.

کمند (kamand)- ا. پری، رسه.

کمین (kamīn)- ا. حو، پټوڼی.

کن (kun)- ا. ف. شه، وشه.

کنار (kinār)- ا. ژی، خنډه، غاړه.

کناراب (kinārāb)- ا. مکان.

کنايه (kināya)- ا. ف.

پیچمی، زونگه.

کنج (kunj)- ا. گوت، گټه.

کنجد (kujid)- ا. کنځله.

کنجدک (kunjidak)-

ا. مچیزه، چوری.

کنجل (kunjul)- صوغونج.

کند شدن (kundsudan)-

ا. ف. پخیدل.

کندن (kandan)- ا. ف. شکول.

کنگره (kangara)- ا. کره وره.

کنون (kunūn)- ق. اوس.

کو (kū)- حرف. چیری.

کواسه (ka wāsa)- ا.

کپوسی.

کوبیدن (kubīdan)-

ا. ف. ټکول.

کوتاه (kotāh)- ص. لنډ.

کوچ (koč) - ۱. یون، لیږد.

کوچ و بار (kočwabar) -

۱. کډه کوډه.

کوچی (kočī) - ۱. پونده.

کوچک (kočak) - ص.

کوچنی.

کوچه (koča) - ۱. وتی، کوڅه.

کوچه گشت (kočagašt) -

ص. کوڅه ډ ب.

کور موش (kormūs) - ۱. م.

ږنده مږه.

کوچه گی (cočagaī) -

۱. کوڅه وال.

کوډک (Kodak) - ۱. ماشوم.

کوډکستان (kodakistān) -

۱. وړکتون.

کوډن (kawdan) - ص. پڅ.

کور (kor) - ص. ږوند.

کوزه (koza) - ۱. منگی.

کوشش (košīš) - ۱. ف. وسه،

زیار.

کوشیدن (košīdan) -

۱. ف. وسه کول.

کوفتن (koftan) - ۱. ټکول.

کوه (koh) - ۱. غر.

کوهسار (kohsār) - ۱. غوربند.

کهن (kuhan) - ص. لرغونی.

کهن سال (kuhansāl) -

ص. زوړ.

کهنه (kuhna) - ص. زوړ.

کی (kay) - ح. کله څه وخت.

کیسه بر (kīsabur) -

۱. فا. گټه کپ.

کیش (kiš) - ۱. گروږه.

کیفر (kayfar) - ۱. هدار.

کیک (kayk) - ۱. ورږه،

زعانځه.

کین (kīn) - ۱. دښمنی.

کیهان (kayhān) - ۱. نړۍ.

# گ

گاردش (gardiš)-ا. ف. چکر.  
 گردن (gardan)-ا. ورمین.  
 گردن بند (gardanband)-  
 ا. م. غارپه کی.  
 گرده (gurda)-ا. پنبتورگی،  
 بلوچی.  
 گرسنه (gurisna)-ص. وپی.  
 گرگ (gurg)-ا. لیوه.  
 گرمابه (garmába)-ا. حمام.  
 گروپ «دسته» (gurúp)-ا. دله.  
 گروی (girawÍ)-ا. گروی.  
 گریان (giryán)-ص. ف. ژپا.  
 گریبان (giraybán)-ا. غارپه.  
 گریز (gurez)-ا. ف. تبتیدل.  
 گریس (girÍs)-ا. گریس.  
 گریه (giryá)-ا. ف. ژپا.  
 گزند (gazand)-ا. ضرر.  
 گزدم (gaždum)-ا. لم.

گادی (gādÍ)-ا. بگی.  
 گاراج (gārāj)-ا. گاراج.  
 گاز (gāz)-ا. زانگو.  
 گام (gām)-ا. گام.  
 گاو (gāw)-ا. غویی.  
 گهواره (gahwāra)-ا. زانگو.  
 گپ (gap)-ا. خبره.  
 گچ (gač)-ا. گچ.  
 گدی (gudÍ)-ا. گرداکی.  
 گذشته (guzašta)-ا. ف. تیر.  
 گرامی (girāmÍ)-ص. عزیز،  
 دوست.  
 گربه (gurba)-ا. پیشو.  
 گرچی (gurjÍ)-ا. پایی.  
 گرداب (girdáb)-  
 ا. م. گرداو.  
 گردباد (girdbād)-ا. م.  
 برپوکی

گندنه (gandana) - ۱. گندنه.

گنگ (gung) - ۱. گنگ.

گور (gor) - ۱. مړستون قبر.

گودال (godál) - ۱. کنده.

گورستان (gor stan) - مصبره

۱. م. جککه حظيره.

گوسفند (gosfand) - ۱. پسه.

گوش (goš) - ۱. غور.

گوشت (gošt) - ۱. غوبنه.

گوشواره (gošwára) - ۱. لښتۍ.

گوهر (gawhar) - ۱. مرغله.

گهواره (gahwára) - ۱. زانگو.

گیس (gays) - ۱. گیس.

گستاخ (gostāx) - ص.

سپین سترگی.

گفتگو (guftugo) - ۱. ف.

خبری اتري.

گل (gul) - ۱. گل.

گلدوزی (guldozi) -

گل گنډنه.

گلستان (gulestán) - ۱. م.

د گلوونو بن.

گلوبند (guloband) - ۱. م.

غاړه کی.

گلیم (gilīm) - ۱. تغر.

گنبد (gunbad) - ۱. گنډه.

گنجشک (gunjišk) -

چوغکه چرچنه.

گندم (gandum) - ۱. غنم.

# ل

لالی (lālī) - ۱. مرغلری.  
 لامپ (lāmp) - لمپه، لمبه.  
 لامسه (lāmisa) - ۱. سله، لاسه.  
 لانه (lāna) - ۱. خاله، گنځالی.  
 لایحه (layeha) - ۱. پانه، لیک پانه.  
 لایق (lāyeq) - ص. وړ.  
 لتالی (laālī) - ۱. مرغلری.  
 لئیم (la<sup>ym</sup>) - ص. ناکجات، پاسو.  
 لب (lab) - ۱. شونډه، شونډی.  
 لبالب (labālab) - ص. جی په  
 جی، زبی په ژی.  
 لب دریا (labidaryā) - ۱. م.  
 سیند غاړه.  
 لباس (libās) - ۱. کپړه، نمری.  
 لبلبو (lablabū) - ۱. جغندر.  
 لبنیات (labaniyāt) - ۱. جم.  
 شو دینځ.  
 لت (lat) - ۱. وهنه، ټکونه.

لابد (Lábud) - ق. نا چاره.  
 لاجرم (lājaram) - ق.  
 ناچاره، هرو مرو.  
 لاچار (lačār) - ق. ناچاره.  
 لازم (lāzim) - ۱. فا. لازمه.  
 لاش (lās) - ۱. مړ ځلی.  
 لاغر (lāgar) - ص. ډونگر.  
 لاف (láf) - ۱. برآوده، باتی.  
 لافیدن (láfīdan) - ۱. ف. بلتیدل.  
 لاک (lák) - ۱. لاک.  
 لاکن (lākin) - ح. ر. منگر، خو.  
 لال (lāl) - ۱. ښکې، تپ.  
 لالا (lālā) - ۱. دوربه، ځلاند،  
 بیچاونه.  
 لالائی (lālāī) - ص. تاتی،  
 دینګه نیکو.  
 لاله (lāla) - ۱. غاټول، غاټوی.  
 لاله کوهی (lāla'īkohī) - ۱.  
 ځیدی.

## لڅشک کردن

- (laxšakkardan)

۱. ف. څښیدل.

لڅشیدن (laxšīdan) - ۱. ف.

ښویدل.

لڅک (laxak) - ۱. ف. چوڼی، چتی،

لڅک.

لذا (liza) - ح. ر. نو، دی لپاره.

لذت (lizat) - ۱. ف. خوند.

لذیذ (lazīz) - ص. خوندنی،

خوندور.

لرزه (larza) - ۱. ف. ګڼی، هرږی.

لرزیدن (larzīdan) - ۱. ف.

ښوریدل، رپریدل.

لزوم (luzūm) - ۱. ف. لازم والی.

لسان (lisān) - ۱. ژبه.

لست (list) - ۱. ف. نوم لیک.

لشکر (laškar) - ۱. ف. جم. جګړن،

لښکر.

لشم (lašim) - ص. ښوی، غړند.

لشمی (lašmī) - ص. ښویتوب.

لطافت (litāfat) - ص.

پوست والی.

لطایف (latāyef) - ۱. ف. غوری،

ښه والی، نری.

## لت کردن (latkardan)

۱. ف. وهل، ټکول.

لته (lata) - ۱. ف. زړوکی، خوځوړی.

لج (laJ) - ۱. ف. هوډه، ځیل.

لجاجت (lajājat) - ۱. ف.

هوډه کول،

ځیل کول.

لجام (lajām) - ۱. ف. ملونه.

لچ (luč) - ص. لڅ، برمډ، لوڅ.

لچر (lačar) - ص. شتا، لچر.

لچګ (lučak) - ۱. ف. لوچه، شتا،

څور.

لحاظ (lihaz) - ۱. ف. ځایتنو، پار.

لحاظ کردن (lihazkardan) -

۱. ف. پار کول،

خاطر کول.

لحاف (lihāf) - ۱. ف. پرستن، نلتک.

لحد (lahad) - ۱. ف. ډوډی.

لحظه (l aḥza) - ۱. ف. شیبه،

سترګی ډپ.

لحن (lahn) - ۱. ف. غاړه، ږغ.

لخت (luxt) - ص. لوڅ، لڅ.

لخت کردن (luxtkardan) -

۱. ف. شو کول، شکول.

لڅشک (laxšak) - ۱. ف. لڅچي.

لق زدن (luqzadan) -

۱. ف. خانگی وهل.

لقب (laqab) - ۱. وړ نوم.

لقمه (luqma) - ۱. مړی،

نمړی، گوله.

لک (به فتح ل) (lak) - ۱. سل زره،

لک.

لک (به ضم ل) (luk) - ص. پنډو،

پرپر، غټ.

لک شدن (luksudan) -

ص. غټیدل، پندیدل.

لکنت (laknat) - ص. تورې.

لکه (laka) - ۱. توپله، خاپ، تپله.

لگام (lagām) - ۱. واگي، ملونه.

لگد (lagad) - ۱. لته، لغته.

للمی (lalmī) - ۱. للمه.

للو (lallo) - ۱. تاتی.

لمپ (iāmp) - ۱. لمپه.

لمحه (lamḥa) - ۱. رپ.

لمس (lams) - ۱. ف. لمسکول.

لمیدن (lamīdan) - ف. پریوتل.

لنگ (به فتح ل) (lang) - ص. گنود.

لنگ (به کسر) (ling) - ۱. بښاتگه.

لنگ (به ضم ل) (lung) - ۱. لنگ.

لنگر (langar) - ۱. درې.

لطف (lutf) - ۱. ف. لور، پاملرنه.

لطیف (latīf) - ص. ښه کړونې.

لطیفه (latīfa) - ص. غوره، تکاله.

لعاب (lu?áb) - ۱. نارې، لارې،

ړین.

لعبت (lu?bat) - ۱. لوبه،

نانڅکه، ناوکی.

لعل (la?l) - ۱. لال.

لعن (la?n) - ۱. ف. پیټ.

لعنتی (la?natī) - ص. بیتلی.

لغات (luḡát) - ۱. جم. ژبی،

وراشی.

لغت (به ضم ل) (luḡat) - ۱. ژبه،

وراشه، گډ، گډت.

لغت (به فتح ل) (laḡat) - ۱. لته،

لغته.

لغزش (lagzis) - ۱. ف. ښویدنه،

تغومه.

لغزیدن (laḡzīdan) - ۱. ف.

ښویدل، درغلیدل،

تغومل.

لفاظ (lafáz) - ۱. فا. خبر لوخی.

لفظ (lafz) - ۱. گډ، گډت.

لق (laq) - ۱. ص. ستغ، نیغ.

لق (به ضم ل) (luq) - ۱. ص. تاغ،

تاغسترگی.

لنگو ته (langota) -۱. لنگوتی.

لنگی (lungí)-(۱۔ دینگی،

مندوسہ، لنکی۔

لنگیدن (langIdan) ف.

نگو بنیدل، گورہ تلل.

لواء (liwá)-۱. رپی، جندہ،

جنابی.

لویا (lobyá)-۱. لویا، کرخی.

لوٹ (laws) - ۱۔ ص۔ ککرتیا۔

لوح (lawḥ) - ا. پت.

لو دہ (lawda) - ص. کجاوہ.

لو کس (loks) - ص. لو کس.

لولاندن (lolándan)-

ف. رغړول، ټولول.

لوله (lola)-ص. توتہ، درمہ.

لوء لوء (lo<sup>2</sup>lo<sup>2</sup>)-۱. مرغلره.

لون (lawn) - ۱۔ رنکی۔

لهذا (lihazá) - ح. ر. حكه، دی

لپاره.

لهجه (lahja) - ۱. وراشه.

لھو و لعب (lahwola?ab)-

IN 11-10-11

۱. لولی لالی.

لیاقت (liyāqat) - ص. وړوالی.

لیث (lays)-۱۔ زمری، مزری۔

لحاظ (liḥāz)- ا. ف. ملاحظه،

پار، خاطر.

**لیدر (lídar) - ۱. مشر.**

لیسانس (lesáns)-۱. لیسانس.

**لیست (lest) -۱. نوم لیک،**

لست.

لیسیدن (lesÍdan) - ا. ف. ختل.

لیف (If) - ۱. منحولی، مالہ.

ليف ليف (líf líf) - ا.ف.

رہنکی رہنکی،

## هناوی هناوی.

پیک (lek) - ح. ر. منگر، خو.

يكن (l<sup>h</sup>kin) - ح. ر. منكر، خو.

پیل (layl) - ۱. شپہ.

ليمو (límō)-ا. ليمو، ليمبو.

لین (layn) - ۱. لیکه، خیره، لین.



# م

مامور (māmūr) - ۱. مارلی،  
 کمارلی.  
 مانده گی (māndagī) - ص.  
 ستړیا، ستو مانی.  
 مانند (mānand) - ۱. ورته،  
 غوندې، لکه.  
 ماه (māh) - ۱. سپوږمۍ.  
 ماهتاب (māhtāb) - ۱. سپینکې،  
 اوږمۍ، سپوږمۍ.  
 ماهر (māhir) - ص. کانی، کاکړ.  
 ماهی (māhī) - ۱. کب، ماهی.  
 ماهیت (māheyat) - ۱. نورې،  
 نوعی.  
 مبادله (mubādila) - ۱. ف.  
 بدلون، بدل.  
 مبارک (mubārak) - ص. بختور،  
 نیک مرغ.  
 مبالغه (mubālīḡa) - ۱. ف.  
 دوزه، مبالغه.

ما (mā) - ص. مونږ، موږ.  
 مابعد (mābaʔd) - ص. وروسته.  
 مابین (mābayn) - ۱. منځ.  
 ماجری (mājrā) - ۱. ف. پېښه.  
 مادون (mādūn) - ص. لاسلاندی.  
 مافوق (māfawq) - ص. پورته.  
 ماورا (māwrā) - ص. پرته.  
 ماتم (mātam) - ۱. ویر، سوتکه.  
 ماچ (māč) - ۱. مچه، مچکه.  
 ماده (māda) - ۱. ښځه.  
 مادیان (mādyān) - ۱. اسپه.  
 مار (mār) - ۱. منگور، مار.  
 ماست (māst) - ۱. مستی.  
 ماش (mās) - ۱. مۍ.  
 ماکیان (mākyān) - ۱. چرگه.  
 مال (māl) - ۱. مال.  
 مالیدن (mālīdan) - ۱. ف.  
 سولول، موږل.  
 ماما (māmā) - ۱. نیایی.

متخاصم (mutaxāsīm) - ۱. ف.

فا. دشمنی کوونکی،

میرخی کوونکی.

متخصص (mutaxasis) - ۱. ف.

ص. ف. لاس لرونکی،

کانی، تاکو.

متخلف (mutaxalif) - ۱. ف.

فا. غاړغده ونکی.

متداول (mutadāwil) - ۱. ف.

مف. اوږداندی.

متدین (mutadayin) - ۱. ف.

منی، دیندار.

مترجم (mutarjim) - ۱. ف.

ترجمان، ژباړون.

متردد (mutaradid) - ۱. ف.

تلولی، دوه زړی.

متشابه (mutašābh) - ۱. ف.

سره ورته.

متشرع (mutašari?) - ۱. ف.

دین پالونکی،

په شریعت برابر.

متشکر (mutašakir) - ۱. ف.

ښمنی، ښکر کوونکی.

متصوف (mutasawif) - ۱. ف.

فا. صوفی، عارف.

متبسم (mutabasim) - ۱. ص. ف.

موسیدونکی،

خندا کوونکی.

مبني (mabnī) - ۱. بنسټ، تاداو.

مبهم (mubham) - ۱. ص. مف.

در مغول به نا معلوم.

مبهوت (mabhūt) - ۱. ص. ف.

ترهور، هډیان.

متابعت (mutābi?at) - ۱. ف.

سوانگلوی، تامل.

متأثر (muta?ser) - ۱. ف.

اغیزلی، ننگی.

متأخر (muta?xir) - ۱. ف. ورسټی.

متاهل (mutahil) - ۱. ص. ف.

عیال داره.

متبرک (mutabarik) - ۱. ص.

فا. کجیر، ښادمن.

متجاوز (mutajāwiz) - ۱. ف.

فا. تیری کوونکی.

متجلی (mutajalī) - ۱. ف.

ښکاره، روښانه.

متحد (mut. ahid) - ۱. ف. یو لاسی.

متحرک (mutaharik) - ۱. ف.

فا. زعمونکی، پیڅونکی.

متحیر (mutahayir) - ۱. ف.

هریان، ترهور.

متقی (mutaqī) - ۱. ف.ا. منی،  
پالیاڼ.  
متکامل (mutakāmil) - ۱.  
ف.ا. بشپړ.  
متکبر (mutakabir) - ۱. ف.ا.  
مرغوری، کبرجن.  
متکلم (mutakalim) - ۱. ف.ا.  
گړیدونکی، رېروونکی.  
متلاطم (mutalātim) - ۱. ف.ا.  
خپان.  
متناسب (mutanāsib) - ۱.  
ف.ا. سره وړ.  
متنوع (mutanawī?) - ۱. ف.ا.  
رازراز، ښه ښه.  
متواتر (mutawātir) - ۱. ف.ا.  
پرله پسې.  
متوازن (mutawāzin) - ۱.  
ف.ا. انډول، هم توله.  
متوسط (mutawasit) - ۱.  
ف.ا. مینځوی، مینځگوره،  
مینځگړی.  
متوفی (mutawffa) - ۱. ف.ا. مف.  
مرشوی.  
متوقف (mutawqf) - ۱. ف.ا.  
تیکاویدونکی،  
تمیدونکی.

متضرر (mutazarir) - ۱. ف.ا.  
تاوانی شوی.  
متضمن (mutazamin) -  
۱. ف.ا. په ترڅ کښی  
لرونکی.  
متظاهر (mutazāhir) -  
۱. ف.ا. ځان ښکاره  
کوونکی.  
متعادل (mutaʿādil) - ۱. ف.ا.  
انډول.  
متعالم (mutaʿāl) - ص. لور.  
متعجب (mutaʿjib) - ۱. ف.ا.  
هریانیدونکی،  
تعجب کوونکی.  
متعدد (mutaʿdid) - ص. ډیر،  
تړیوه زیات.  
متعرض (mutaʿariz) - ۱. ف.ا.  
برید کوونکی،  
تیری کوونکی.  
متعلم (mutaʿlim) - ۱. ف.ا.  
زده کوونکی، زده کړی.  
متغیر (mutaḡaʿir) -  
۱. ف.ا. اوښتونکی،  
اوږیدونکی.  
متقاعد (mutaqāʿid) - ۱. ف.ا.  
ځای ناستی.

مجموع (majmo?) - ا. مف. ټول شوی، غونډه.  
 مجنون (majnūn) - ص. خروږه، لیونی.  
 محاربه (mahāribā) - ا. ف. جگړه، جگوار.  
 محاسبه (mahāsibā) - ا. ف. شمیرل.  
 محاسن (mahāsīn) - ص. ښیښی.  
 محافظت (mahāfizāt) - ا. ف. ساتنه، پیره کول، زمیرنه.  
 محتاجي (muhtājī) - ص. اړتیا.  
 محبت (muḥābat) - ا. ف. مینه.  
 محترم (muḥtaram) - ا. مف. ښاغلی.  
 محضر (mahzar) - ا. ټولتون.  
 محکم (mahkam) - ص. ټینګ، کلک.  
 مختصر (muxtasar) - ا. مف. لنډ.  
 مختلف (muxtalif) - ا. ف. اختلاف کړونکی، بیلیدونکی.

متولد (mutawalid) - ا. ف. زیږیدلی، ذوکړی.  
 متیقن (mutayaqin) - ا. ف. باور کوونکی.  
 مثلاً (masalan) - ق. لکه.  
 مثلث (musallas) - ا. دری څنډی، دری کنجه.  
 مضممر (musmir) - ا. ف. ګټور.  
 مجالس (majālis) - ا. ټولنی، مرکي.  
 مجاور (mujāwir) - ا. ف. همسایه، ګاونډی.  
 مجاهدت (mujāhidat) - ا. ف. غزا کول.  
 مجبور (majbūr) - ا. مف. ناچار، اړاند، اړوتلی.  
 مجدد (mujādad) - ا. ف. سرله نوی، سرله سره.  
 مجروح (majroh) - ا. مف. ټپي، پرهاړلی.  
 مجرم (mujrim) - ا. ف. ګرم، اوبالی.  
 مجلس (majlis) - ا. ټولتون، ټولنه، ګډی.  
 مجمع (majma?) - ا. ټولتون، وستل.

مخلوط (maxlūt) - ۱. مف.

گډشوی، لړلی شوی.

مخلوق (maxlūq) - ۱. مف.

پنځیدلی، پیدا شوی.

مداخله (mudāxila) - ۱.

فلاس وهل.

مدام (mudām) - ۱. تل.

مدعی (muda?ī) - ۱. فا.

غوښتونکی، ادعا کوونکی.

مراتب (maratib) - پورې، پټی.

مراجعة (murāji?at) -

۱. ف. راګرځیدل،

راستیندل.

مربوط (marbūt) - ۱. مف. تلولی،

آسته شوی.

مرد (mard) - ۱. نر.

مردن (murdan) - ۱. ف. مړل،

مړ کیدل.

مرض (maraz) - ۱. ناجوړی،

ناروغی.

مرغ (morg) - ۱. الوتونکی.

مرغابی (morgābī) - ۱. هیلې،

مرغاوی.

مرگ -

(marg) ۱. مړنیه، مړګ،

مړګی.

مزه (maza) - ۱. خوند.

مسافر (musāfir) - ۱. فا. پردیس،

مساېر.

مساوی (masāwī) - ص. سم،

سره برابر.

مستقیم (mustaqīm) -

ص. سم، نیغ.

مسجد (masjid) - ۱. جمات.

مسکن (maskan) - ۱. تون، ځای.

مسؤول (mas?ūl) - ۱. مف.

پوښتیدلی، پوښتلی.

مشت (mušt) - ۱. سوک.

مشرق (mašriq) - ۱. ختیځ،

لمرڅانه.

مشغول (mašgūl) - ۱. مف.

بوخت.

مشکل (muškil) - ۱. ص. ګران،

سخته.

مضر (muzir) - ۱. فا.

ضرر رسونکی،

ضرری بلجوړی.

مطببخ (matbax) - ۱. پخلنځی،

پخلینځی.

معالجه (m?ālīja) - ۱. ف.

دارو کول.

معاف (ma?āf) - ۱. ف. پل، بخښلی.

معاون (ma?āwin) - ۱. فا.

مرستیال، مرستی، ملاتړ.

مقدس (muqadas) - ص.  
 سپین، سپیڅلی.  
 مقرر (muqarar) - ا. مف. ټاکلی.  
 مقصود (maqsūd) - ا. مف.  
 برغه، اړه.  
 مقطر (muqatṭar) - ا. مف.  
 خاڅکی، خاڅکی.  
 مقلب (muqalib) - ا. فا.  
 اړولی، اوښتلی.  
 مقلد (muqalid) - ا. فا. تقلید  
 کونکی.  
 مقیم (muqīm) - ا. فا. میشت،  
 اوسیدونکی.  
 مکاتب (makātib) - جمع مکتب.  
 ا. ښوونځی.  
 مکاتیب (makātīb) - ا. لیکونه.  
 مکارم (makārim) - ا. ښیځنې،  
 ښیځې.  
 مکتب (maktab) - ا. ښوونځی.  
 مکان (makān) - ا. ځای.  
 مکتوب (maktūb) - ا. مف.  
 لیک.  
 مکلف (mukalaf) - ص.  
 په ځان پوهیدلی.  
 مکرر (mukarar) - ا. مف.

معاهده (maʿāhida) - ا. ف.  
 تړون، بندون.  
 معرفت (maʿrifat) - ا. ف.  
 پېژندګلوی، پېژاندنه.  
 معلم (maʿlim) - ا. فا. استاد،  
 ښوونکی.  
 مغاره (maḡārah) - ا. خوده، پنوزه.  
 مغایر (maḡāʾir) - ص. بیل.  
 مغرب (maḡrib) - ا. لویډیځ.  
 مغلوب (maḡlūb) - ا. مف.  
 جر، لږ، بګړ.  
 مفت (muft) - ص. وړیا، خوشی.  
 مفهوم (mafḥūm) - ا. مف.  
 پوهول شوی.  
 مقابر (maqābir) - ا. هدیرې.  
 مقابل (muqābil) - ص. بډه،  
 مخی، دخی.  
 مقاربت (muqāribat) - ا.  
 ف. سره نژدېکیدل.  
 مقاله (maqāla) - ا. ف. مضمون.  
 مقام (muqām) - ا. ځای، ټیک.  
 مقبره (maqbara) - ا. هدیره،  
 مړستون.  
 مقاومت (muqāwimat) -  
 ا. ف. ټینګیدل، تمیدل،  
 سره برابري کول.  
 مقتول (maqtūl) - ا. مف. وژلی.

بیابیا.

مکروب (mikrob) - ۱.

مکروب، جراثیم.

مکعب (muka?ab) - ۱. مف.

شپږ مخیځ.

مکمل (به فتح م) (mukamal) -

۱. مف. بشپړ، پوره.

مکنون (maknūn) - ۱. مف.

پټ، پوښلی.

مگس (magas) - ۱. مځ.

ملاح (mal.āh) - ۱. ماڼګی، ماڼو.

ملاحت (malāhat) - ۱. ف.

ملا ګینه.

ملاحظه (mulāhiza) - ۱. ف.

کننه، پام.

ملازم (mulāzim) - ص. چوپړی،

دربه.

ملاطفت (mulātifat) -

۱. ف. نرمی کول،

مهربانی کول.

ملاقات (mulāqāt) - ۱. ف.

سره کتل، سره ورتله.

ملال (malāl) - ۱. ف. خپګان،

خواشینی.

ملالت (malālat) - ۱. ف.

خپګان، خواشنی.

ملاامت (malāmat) - ۱. ف.

زورل، تره تل.

ملایم (mulāem) - ص. پوست.

ملت (millat) - ۱. ولس.

ملی (millī) - ۱. ص. قومی، ولسی.

ملخ (malax) - ۱. ملخ، نک.

ملقب (mulaqab) - ۱. مف.

لقب ورکړی شوی.

ملک (malik) - ۱. پاسوال، ټولواک.

ملکه (malika) - ۱. شاه میرمنه.

ملل (milal) - ۱. ولسونه.

ململ (malmal) - ۱. ململه، خاسه.

ملنګ (malang) - ۱. ملنګ.

ملوک (mulūk) - ۱. پاسوالان،

ټولواکان.

ملول (malūl) - ص. خپه.

ملون (mulawan) - ۱. مف.

رنګیځ، رنګینه.

ملی (mulī) - ۱. ملی، تړپ.

ممتنع (mumtani?) - ۱. فا.

ناشوده، ناممکن.

ممد (mumid) - ۱. فا. مرستیال،

مرسته کونکی.

ممکن (mumkin) - ص. کیدونکی،

امکان لرونکی.

منتها (muntahā)-۱. مف. پای.

منجم (munajim)-۱. ف. ترویتی.

منجمد (munjamid)-ص.

کنگل.

منحرف (munharif)-۱. ف. کور،

دیونده.

منحصر (munhasir)-ص.

ترپلي.

منحل (munhal)-ص.

ویلیدل، اوبه کیدل.

منزلت (manzilat)-۱. قدر،

درناوی، مرتبه.

منسوب (mansūb)-۱. مف.

نسبت ورکړی شوی.

منشاء (mansāʾ)-۱. منشه، وریخی.

منصب (mansab)-۱. رتبه،

منصب.

منطبق (mantabiq)-ص. سم، برابر.

منطقه (mantaqa)-۱. سیمه،

ولکه.

منظره (manzara)-۱. نندرتون،

نندارخی.

منظور (manzūr)-۱. مف.

کتلی، کتل شوی.

منفذ (manfaz)-۱. سورئ.

منفصل (munfasil)-۱. ف.

بیل، جلا.

ممنون (mamnūa)-۱. مف.

خوښ، پاسلونی.

ممنوع (mamno)-۱. مف.

منه شوی، ستون شوی.

من (man)-ض. زه، ما.

منابر (manābir)-۱. دریځونه.

منابع (manābi?) -۱. چینی.

مناجات (munājāt)-۱. ف. خواله.

مناسب (munāsib)-ص.

وړ، باب.

مناسبت (munāsibāt)-۱.

ف. سره ورته.

مناسب (manāsib)-۱. منصوبه.

مناصفه (manāsifa)-۱. ف.

نیمول، نیمایی کول.

منافع (manāfi?) -۱. ګټی.

منبر (munbar)-۱. دریځ، مومبر.

منتخب (muntaxib)-

۱. ف. غوره کونکی،

خوښونکی.

منتخب (muntaxab)-

۱. مف. غوره شوی،

خوښ شوی.

منتشر (muntašir)-۱. ف. خپور.



موجب (mawjib) - ۱. فا.  
 پاسونه، سوب.  
 موجز (mūjaz) - ص. لنډ.  
 موچی (močī) - ۱. فا. چمیار،  
 موچی.  
 مودت (muwaddat) - ۱. ف.  
 خپلوی.  
 مؤذن (moʔazin) - ۱. فا.  
 آذان کونکی.  
 مور (mūr) - ۱. میری.  
 مورچه (mūrča) - ۱. میری.  
 مورخ (muwarix) - ۱. فا.  
 تاریخ لیکونکی.  
 موزه (moza) - ۱. موزه.  
 موسوم (mawsūm) - ۱. مف.  
 مهال.  
 موسیچه (mōsīca) - ۱. سرکشی،  
 سره پوختکه.  
 موش (mūs) - ۱. مېړک.  
 موصوف (mawsūf) - ۱.  
 مف. ستایلی، ستایل شوی.  
 موضع (mawzi?) - ۱. مف.  
 خای،  
 موضوع (mawzo?) - ۱. مف.  
 باب، مقصد.  
 موظف (mowazaf) - ص. گمارلی.

منفعت (manfiʔat) - ۱. بکته،  
 برغه.  
 منفی (manfī) - ص. نیست  
 کړی شوی.  
 منقبت (munqabat) - ۱.  
 ستاینه.  
 منقسم (munqasim) - ۱.  
 فا. ویشل شوی.  
 مقلب (muqalib) - ۱. فا.  
 چپه، نسکور.  
 منور (munawar) - ص. روڼ،  
 روشانه، بل.  
 منوط (manūt) - ۱. مف. بند،  
 تړلی، خوړند.  
 منهدم (munhadim) - ص.  
 وړان، نړیدلی، ړنگ.  
 مواد (mawād) - ۱. نورې، مادی.  
 موازنه (mawāzina) - ۱. ف.  
 انډول، بودگان.  
 مواشی (mawāšī) - ۱. خاړوی.  
 مواظبت (mawāzibat) - ۱.  
 ف. تل کړنه.  
 موانع (mawāni?) - ۱.  
 بښگولی، ستونځی.  
 مؤدب (moʔadab) - ۱. فا.  
 روزونکی، ادب ورکونکی.

مویه (muhīb) - ص. تره‌ند،

تره‌ناک، ویر و نکي.

می (may) - ا. شراب.

میان (miyān) - ا. منخ.

میت (mayet) - ا. مړی.

میخ (mex) - ا. مورې، میخ.

میدان (maydān) - ا. ډاگ،

میدان.

میده (mayda) - ص. وړ، میده.

میر (mīr) - ا. ص. مشر.

میرزا (merzā) - ا. ص. ښاغلی،

لیکونکی.

میراث (mīrās) - ا. پاته مړی،

وریشون.

میزبان (mezban) - ص. کوربه.

میعاد (mī?ād) - ا. نیته، وعده.

میغ (meḡ) - ا. اوریخ، مرغانه.

میل (mayl) - ا. ف. هڅه، خوبښه.

میل (mīl) - ا. سلی، میل، لورې.

میلاد (mīlād) - ا. زیږده،

زیږدی وخت.

میله (melah) - ا. میله.

میوه (mewah) - ا. میوه.

میهن (mayhan) - ا. وطن.

مورعد (maw?id) - ا. نیته، موده.

مورعظه (maw?iza) - ا.

پند، نغته.

موفق (mowafaq) - ص.

کامیاب، بریالی.

موفقیت (mowafqiyat) - ا.

ف. بریالیتوب.

مونس (monis) - ا. فا. ذره

سودی، زړه دمی. ښه زړه لري

موی (moj) - ا. وینسته.

مه (mah) - ا. وړمکی.

مه (به کسر م) (mih) - ا. مشر، ستر.

مهاجرت (muhājirat) -

ا. ف. پردیس توب،

ماجر توب.

مهتاب (mahtāb) - ا. وړمکی،

سپوږمۍ.

مهر (mihr) - ا. مینه.

مهر (mihr) - ا. لمر.

مهربان (mihraban) - ص.

پیرزو کونکی، لورونکی.

مهم (muhim) - ص. ستر کار،

لوی کار.

مهمان (mihmān) - ا. ص.

میلمه، وله.

مهمل (muhmal) - ص. چټی،

اندته.

مهیا (muhayā) - ص. سمبال، تیار.

# ن

نا توان (nātawān)-ص.  
 خوارِ خاکِ، بی سیکه.  
 ناجور (nājor)-ص. ناروغه.  
 ناچار (nācār)-ص. ناکامه،  
 بیزوه، اړوتلی.  
 ناچیز (nācīz)-ص. خشی،  
 بابیره، نکسی.  
 ناحق (nāhaq)-ص. نرناک،  
 برناک.  
 نا خلف (nāxalaf)-ص.  
 نا امله، ناوړه.  
 نا خوش (nāxoš)-ص. خپه.  
 نادار (nādār)-ص. خوار،  
 ککی، نیستم.  
 نادرست (nādurust)-ص. مات.  
 نادان (nādān)-ص. ناپوه.  
 ناروا (nārawā)-ص. ناروا.  
 ناسزا (nāsaẓa)-ص. ناوړه،  
 نا امله.

نا (ná)-د نفی علامت په دری  
 او پښتو ژبه کی.  
 نا آرام (nāārām)-ص. پلټند،  
 - شرنند.  
 نا امید (nāomīd)-ص. نهیل،  
 نامیده.  
 نا اهل (nāahl)-۱. بی ادبه.  
 نا بالغ (nābālig)-ص. ایلوڅ،  
 (خوځیالی، ز نانی، مروت).  
 نابکار (nābakār)-ص. خوشی.  
 نابلد (nābalad)-ص. نارپک.  
 نابود (nābūd)-ص. ورک،  
 تری تم.  
 نابینا (nābīnā)-ص. وړوند.  
 ناپاک (nāpāk)-ص. ناولی،  
 چټل.  
 ناپدید (nāpadīd)-ص. ناپیت،  
 لړغونی، الوینا.

ناجو (nājo)-۱. نښتر، ځنغوځی.

ناجی (nājī)-۱. فابج، ژرغولی.

ناحیه (nāhiya)-۱. لته، ډکره،

ولکه.

ناخدا (nāxodā)-۱. مانځگی.

ناخن (nāxun)-۱. نوک.

ناخن گرفتن (nāxungriftan)-

۱. ف. نوکان اخیستل.

ناخن گیر (nāxungīr)-

۱. نوکریزی.

نادر (nādir)-ص. ناویاب،

نادره، نایاب.

نادم (nādim)-ص. پښیمانه.

نار (nār)-۱. اور.

نارنج (nāring)-۱. گمبیری، نارنج.

نارنجی (nāringī)-ص. ډت،

گمبیری.

نارنجک (nārinjak)-۱. لاسی بم.

ناریال (nāryāl)-۱. کوپره.

ناز (nāz)-۱. ناز، مکیز.

ناز پرورد (nāzparward)-

ص. مف نازولی.

نازبو (nāzbo)-۱. کشمالی، بیری.

نازک (nāzuk)-ص. تنکی،

نازک، نروڅکی.

ناشد (nāšud)-ص. ناشوده،

ناشونکی.

نا فهم (nāfahm)-ص. ناپوهه.

نا قابل (nāqābil)-ص.

ناوړی، ناپیوری.

ناکام (nākām)-ص. نیمه خوا،

پسیازه.

ناکس (nākas)-ص. ناکجات،

پاسو.

ناگزیر (nāguzīr)-ص. ناچار،

ص. مجبور.

ناگه اړ (nāguwār)-ص.

بد خونده.

نالایق (nālāyeq)-ص. ناوړه.

نامرد (nāmard)-ص. اجرا،

مادنگی، نرنڅی.

نا مرغوب (nāmargōb)-

ص. نا خوښه.

نا مناسب (nāmunāsib)-

ص. ناوړ.

نا مهربان (nāmihrabān)-

ص. کته میره.

نایاب (nāyāb)-ص. ناویاب،

نایابه.

نابغه (nābiḡa)-ص. ونلی، اتل.

ناقوس (nāqūs)-۱: ږغيزی،  
 جرنگاني.  
 ناقه (nāqa)-۱: اوښه.  
 ناک (nāk)-۱: علامه د اتصال،  
 ناک، غورمنه.  
 ناکح (nākih)-۱: فا. واده  
 کونکی، نکاح کونکی.  
 ناگاه (nāgah)-۱: ق. ناخپه،  
 ناگمانه.  
 نالش (nālīs)-۱: ف. زکړوی،  
 زبیرگی.  
 ناله (nāla)-۱: کوکاره، سوزه.  
 نالیدن (nālīdan)-۱: ف. سوری کول.  
 نام (nām)-۱: نوم.  
 نامبرده (nāmburda)-۱: ص.  
 نوموړی.  
 نامزد (nāmzad)-۱: ص. په نامه.  
 ناموس (nāmūs)-۱: پټ، ننگ، ست.  
 نامه (nāma)-۱: لیک.  
 نامی (nāmī)-۱: ص. نومیالی، نامتو.  
 نامی (nāmī)-۱: فا. نو کیدونکی،  
 وده کونکی.  
 نان (nān)-۱: ډوډی، مړی.  
 نان جواری (nānijawārī)-  
 ۱: سکرک، گډلی.

نازکی (nāzukī)-۱: ص. تنکی  
 والی، نروڅکتوب.  
 نازل (nāzil)-۱: فا. کښته کیدونکی.  
 نازنین (nāzanīn)-۱: ص. نیازمینه.  
 نازیدن (nāzīdan)-۱: ف.  
 کرشمه کول،  
 نخره کول.  
 ناسوت (nāsūt)-۱: نړی.  
 ناشتا (nāštā)-۱: سپناری.  
 ناشی (nāśī)-۱: ص. بوتیدونکی،  
 پیدا کیدونکی.  
 ناصح (nāsih)-۱: فا. پندور کونکی.  
 ناصر (nāsir)-۱: فا. سیلگری،  
 مرستی، مرستوال.  
 ناطق (nātiq)-۱: فا. ویونکی، ویان.  
 ناظر (nāzir)-۱: فا. کتونکی،  
 لیدونکی.  
 ناف (nāf)-۱: نوم.  
 نافذ (nāfiz)-۱: فا. چلیدونکی.  
 نافع (nāfī?) -۱: فا. گټه ور.  
 ناقص (nāqis)-۱: ص. نیمگړی،  
 نینگی.  
 ناقض (nāqiz)-۱: فا. ماتونکی.  
 ناقل (nāqil)-۱: فا. وړونکی.

نانده (nāndih) - ص. ډوډی مار.

نان روغنی (nāniroḡanī) -

۱. م. روغانی.

نان فطیر (nānifatīr) - ۱. م.

چغمته، پتیر ه.

ناوک (nāwak) - ۱. غشی، شتی.

ناهید (nāhīd) - ۱. گوب.

نای (nāy) - ۱. شپیلیر.

نایل (nāyel) - ۱. ف. میندو نکی.

نیات (nabāt) - لامبات، نبات.

نیات (nabāt) - ۱. وانبه.

نبرد (nabard) - ۱. جگړه.

نبوت (nabūwat) - ۱. ف.

نبوت، استاختوب.

نبوغ (nubūḡ) - ۱. ف. اتل توب،

اتلوله.

نبی (nabī) - ص. د خدای استاخی.

نیر ه (nabīra) - ۱. کودی.

نتیجه (natīja) - ۱. وتلی.

نثر (nasir) - ۱. ف. نثر.

نجابت (nijābat) - ۱. ف.

اسیلوب.

نجات (nijāt) - ۱. ف. رڼورنه،

خلاصیدنه.

نچار (najār) - ۱. ترکان.

نجبا (nujabā) - ص. اسیلان.

نجس (najis) - ص. چتل، ناولی.

نجم (najim) - ۱. ستوری.

نجا (najwā) - ۱. ف. خواله.

نجوم (جمع نجم) (nujūm) - ۱. ستوری.

نجومی (nujūmī) - ۱. ف. نجومی،

ترویتی.

نجیب (najīb) - ص. اسیل.

نحس (naḥs) - ص. بد مرغی،

بد شاگومی.

نحیف (nahīf) - ص. خوار دنگر.

نخاش (naxāš) - ۱. ص. نخاش.

نخست (naxust) - ۱. پرومی،

لمړی.

نخستین (naxustīn) - ۱. پرمینی.

نخل (naxil) - ۱. کجوره، خرماونه.

نخود (naxud) - ۱. چنه.

نداء (nida) - ۱. ف. غږ، ډع.

نداف (nadāf) - ۱. ف. ډینداپ،

غږ غمبک.

ندامت (nidāmat) - ۱. ف. پښیمانی.

ندرت (nudrat) - ۱. ف. ناویات.

نذر (nazir) - ۱. ف. منښته.

نر (nar) - ص. نر.

نر گاو (nargaw) - ۱. غوی، غڅکی.

نراد (narād) - ص. کاغ.

نرخ (nirx) - ۱. نرخ.

- نرد (nard) - ۱. بختی.
- نردبان (nardbān) - ۱. زینه.
- نرگس (nargis) - ۱. نرگس، زړپ.
- نرم (narm) - ص. پوست.
- ملايمي (mulāemī) - ص. پوستوالی.
- نزاع (nizā?) - ۱. ف. لانه.
- نزاکت (nizākat) - ۱. نزاکت.
- نزد (nazd) - ۱. څخه.
- نزده (nuzda) - ۱. نولس.
- نزدیک (nazdīk) - ۱. ص. نږدی.
- نرله (nuzla) - ۱. څاک، نیمسری.
- نزول (nuzúl) - ۱. ف. کوزیدلی، بنکته کیدل.
- نزهت (nazhat) - ۱. ف. پاکوالی.
- نژاد (nižād) - ۱. خټه، اصل.
- نساچ (nasāj) - ۱. ص. اودونکی، گڼوال.
- نساچی (nasājī) - ۱. اودنه.
- نسب (nasab) - ۱. خټه، پښت.
- نسترن (nastaran) - څرخ.
- نسخه (nusxa) - ۱. نسخه.
- نسرین (nasrīn) - ۱. پرواری.
- نسل (nasil) - ۱. څخه، دوزات.
- نشاط (nišāt) - ص. خوشالتیا، خشالی.
- نشان (nišān) - ۱. پیلامه، نښه.
- نشانندن (nišāndan) - ۱. ف. کښینول، کینول.
- نشستن (nišastan) - ۱. ف. کښینتل، کینل.
- نشه (niša) - ص. سر بهال، نشه.
- نشیمن (nišīman) - ۱. دناسټخی.
- نصاب (nisāb) - ۱. بنسټ.
- نصایح (جمع نصیحت) (nasāeh) - ۱. پندونه.
- نصب (nasb) - ۱. درول، بکول.
- نصر (nasr) - ۱. ف. مرسته کول.
- نصرت (nasrat) - ۱. ف. مرسته.
- نصف (nisf) - ۱. نیمائی.
- نصیحت (nsīhat) - ۱. ف. پند، ښه کوم.
- نطاق (natāq) - ۱. کړاوی، ویاند.
- نظارت (nizārat) - ۱. ف. کمل، سیل.
- نظافت (nizāfat) - ۱. ف. پاکوالی.
- نظر (nazar) - ۱. ف. کاته.
- نظم (nazm) - ۱. ف. پیل، سندره.
- نظیر (nazīr) - ص. ساری، کور.
- نظیف (nazīf) - ص. پاک.

نکو هښ (nikohiṣ)-ا. ف.

تر ټنه، زوړنه.

نگار ش (nigāriṣ)-ا. ف. ليکنه.

نگاه (nigāh)-ا. ف. کتل.

نگون (nigūn)-ص. نسکور.

نگهبان (nigahbān)-

ا. ص. زميری، ساتندوی.

نگین (nigīn)-ا. غمی.

نم (nam)-ا. نو، زیم.

نمناک (namnāk)-ص.

نوجن، ناوډه.

نماز (namāz)-ا. لمونځ، مونځ.

نمایان (numāyān)-ص. فا.

اوڅار، څرگند.

نمایش (numāyēs)-ا. ف.

ښکارونه

نمد (namad)-ا. نیمڅی، کواسته.

نمک (namak)-ا. مالګه.

نمکین (namakīn)-ص. ن.

مالګن، مالګین.

نمو (numo)-ا. ف. وډه.

نمودن (namūdan)-

ا. ف. ښوول.

ننگ (nang)-ا. غور، ننگ،

پیغور.

ننه (nana)-ا. مور.

نعره (naʔra)-ا. کوکاره، چغه.

نעش (naʔs)-مړی، درنگه.

نعل (naʔl)-ا. نال.

نعلبکی (naʔlbakl)-ا. نالېکي.

نغمه (naḡma)-تن، ننا، غږ.

نفاق (nifaq)-ا. ف. اړغیرنه، نفاق.

نفر (nafar)-ا. سړی.

نفرت (nifrat)-ا. کرکه.

نفرین (nafrīn)-ښیرا.

نفس (nafas)-ا. سا.

نفع (naf?) -ا. ګټه.

نفقہ (nafaqa)-ا. شومه، اړکانه.

نفیس (nafīs)-ص. ګران، قیمتي.

نقاب (niqāb)-ا. مخپوټی، ادنی.

نقاد (naqād)-ص. کره کونکي.

نقاش (naqāš)-ص. کښیدګر،

نقاش.

نقب (naqb)-ا. ف. لغم، کیدر.

نقره (nuqra)-ا. سپین زر.

نقش (naqš)-ا. ف. کښیده، موس.

نقطه (nuqta)-ا. ټکي.

نقل (به فتح ن) (naql)-ا. ف. لیږدل.

نقل (به ضم ن) (nuql)-ا. نقل.

نکاح (nikāh)-ا. نکاح.

نکتایی (niktāyī)-ا. غاړپټی.

نکو (niko)-ص. ښه.



نو (naw) - ص. نوی.

نورس (nawras) - ص. خرندي.

نوا (nawā) - ا. غږ.

نوازش (nawāziš) - ا. ف.

لوساينه، دلاساينه.

نواسه (nawāsa) - ا. لمسی،

مسی.

نوبت (nubat) - ا. وار، رون.

نوت (not) - ا. نوټ، لوټ.

نوحه (nawḥa) - ا. سانده، اېنول.

نوراني (nūrānī) - ص. روڼ.

نوش (noš) - ا. ف. شومل، چښل.

نوشتن (niwīstan) - ا. ف. ليکل.

نوشیدن (nošīdan) - ا. ف.

چښل، خکلا، شومل.

نوع (naw?) - ا. ډله.

نوکر (nokar) - ا. ص. دوره،

چوپړی.

نوکرۍ (nokaṛī) - ص. ن.

چوپړ، نوکرۍ،

دوره توب.

نول (nol) - ا. مېڼوکه، مشوکه،

ټنگه.

نويسنده (nawīsinda) -

ا. ف. ليکونکی.

نه (به ضم ن) (na) - نه (۹)

نه (به فتح ن) (na) - ح. ن. نه (نفي).

نهادن (niḥādan) - ا. ف.

اېښودل، اېښوول.

نېهال (niḥāl) - ا. نېالګۍ.

نېهان (niḥān) - ص. پټ.

نهر (nahr) - ا. واله، وياله.

نهي (nahī) - ا. ف. مڼه کول،

ستول.

ني (nay) - ا. دروي، کړکۍ.

نيشکر (naysakar) - ا. م. ګڼی.

ني (ne) - ح. ن. يه، نه.

نيازمند (ni-yāzmand) -

ص. اړ، کړباب.

نيرو (nīro) - ا. وس، سيک، زور.

نيرومند (nīromand) -

ص. غښتلی، پېر وند.

نيزه (nayza) - ا. سانګه، نيزه، بله.

نيست (nest) - ا. ص. نېشته، نسته.

نيک (nek) - ص. ښه.

نيک بخت (nekbaxt) - ص.

بخره ور، بخره من.

نيکو (nēko) - ص. ښه.

نيلوفر (nīlofar) - ا. ډوډه، دنده.

نيم (nīm) - ا. نيمه، نيمايي.

نيوش (niyoš) - ف. واوره.

نيوشنده (niosinda) - ا. ف.

ارويدونکی.

## و

واز کردن (wāzkardan)-

۱. ف. خلاصول،

وازول، پرانستیل.

واسوخت (wāsoxt)- ص.

سوختی.

واکنش (wākuniš)- ۱. ف.

ترزپه نه برابر

غبرگون.

واماندن (wāmāndan)-

۱. ف. دریدل، تپ شوی.

وانمودن (wānamūdan)-

۱. ف. منوول نمودل.

واثق (wāsiq)- ۱. تینگ، کلک.

واجب (wājib)- ق. تل.

واجد (wājid)- ۱. فا. میندونکی،

پیدا کوونکی.

واحه (wāha)- ۱. دامان، دامانه.

واخ (wāx)- ۱. وای وای.

وابسته (wābasta)- ص. ترلی.

واپس (wāpas)- ۱. ص. بیا.

واپسین (wāpasīn)- ص.

ورستنی، دانپوغه،

ایله کول.

وادادن (wādādan)- ۱. ف.

خوشی کول،

خوشی پرینودل.

وارستن (wārastan)- ۱. ف.

پیچیدل.

وادار کردن

(wādārkardan)-

۱. ف. اریستل.

وارسی (wārasī)- ۱. ص. پلتنه.

وارسیدن (wārasīdan)-

۱. ف. پلتنل، رسیدل.

وازدن (wāzadan)- ص.

بیرته وهل،

بیرته ورکول.

واقع (wāqi?) - ۱. پېښ شوی،

لويديلی.

واقعا (wāqi'an) - ق. په رښتيا.

واقف (wāqif) - ۱. خبر او پوه.

والا (wālā) - ص. لوړ والی.

والاشان (wālāšan) -

ص. لوړ والی.

والد (wālid) - ۱. پلار.

والده (wālida) - ۱. مور.

والدين (wālidayn) - ۱. ج.

مور او پلار.

واله (wāla) - ص. غولونکی اوبه،

ډير انو اوبه.

واله (wāla) - ص. ليوال، الواک.

وام (wām) - ۱. پور.

وامق (wāmīq) - ۱. خوښ لرونکی.

واويلا (wāwaylā) - ۱. وير،

څالغی.

واهب (wāhib) - ۱. فا. بښوونکی،

بخښوونکی.

واهمه (wāhima) - ص. وير، ډار.

واهی (wāhī) - ص. چټی، خوشی.

وبال (wobāl) - ۱. کړ او.

وثوق (wosūq) - ۱. وسا، ويسا.

وثيق (wasīq) - ص. ټينگ.

وادی (wādī) - ۱. ف. تنگی.

تری، کڅ.

وارث (wāres) - ص. پاته وړی.

وارث.

وارد (wārid) - ق. رسيدلی، راغلی.

واره (wāra) - پسوند. ځم. واره.

واز (wāz) - ق. خلاص.

وازن (wāzan) - ۱. ف. تلونکی.

واژگون (wāzgun) - ص. چپه،

نسکور، اړولی.

واژه (wāza) - ۱. ف. کلمه.

واسطه (wāsita) - ق. منځی.

واسطه (wāsita) - ص. مينځگړی،

رځی، ريار.

واسع (wāsi?) - ۱. ارت.

واسه (wāsa) - ۱. ف. شغه.

واصف (wāsif) - ۱. ستايوونکی،

صفت کوونکی.

واصل (wāsil) - فا. رسيدلی.

واضح (wāzeh) - ص. ښکاره،

روښانه، روڼ.

واضيع (wāze?) - ۱. فا. ايښوونکی،

ايښودونکی.

واعظ (wā'iz) - ۱. فا.

پند ور کوونکی.

وافر (wāfir) - ص. ډير، پريمان.

وثیقه (wāslīqa) - ۱. لاسوندی،

وثیقه.

و جاهت (wajāhat) - ص.

بجاسیت. بڼا پښت

و جد (wajd) - ص. خوښواله.

و جدان (weijdán) - ۱. مندل،

میندل.

و جود (Wujūd) - ۱. شتوالی.

و جو ه (wujoh) - ۱. جم. مخونه.

و جه (wajha) - ۱. مخ.

و حدانیت (wahdāniyat) -

ص. یو والی.

و حدت (wahdat) - ۱. ص.

یواځی والی، یو والی.

و حشت (wahšat) - ص. ډار.

و حش (wahš) - ۱. بهو، هډل.

و حید (wahīd) - ۱. بی ساری.

و خامت (waxāmat) - ص. زوک.

و خم (waxm) - ص. خنجاړ،

بد، ګردان.

و خیم (waxīm) - ص. سخت

او خطرناک.

و د ا ع (?) (widā) - ۱. ف.

خدای په امانی.

و دود (wodūd) - ۱. ص. ډیر دوست.

و رم (waram) - ۱. ص. پرسوب.

و رد (ward) - ۱. د ګلاب ګل.

و رد (wird) - ۱. ف. ژمنه،

ذکر او دعا د قرآن.

و رزش (warziš) - ۱. مستی،

کړاو.

و رزو (warzo) - ۱. دیوی غویی.

و رزی (warzī) - ۱. بزګر.

و رزیدن (warzīdan) - ۱. ف.

تړاو کول، مستی کول.

و رس (wars) - ۱. ب. نته.

و رسن (warsan) - ۱. پری.

و رشان (waršan) - ۱. شنه کوتره.

و رشکست (waršikast) - ص.

دیوالی.

و رطه (warta) - ص. خار خوړی،

زخم.

و ر ع (?) (wara) - ۱. ص. مونیتوب،

پالیالتوب.

و ر نا (warnā) - ۱. زلی، خلمی.

و رو د (wurūd) - ۱. ف. رسیدل.

و ریب (warīb) - ص. کور.

و ز (wiz) - ص. لګیدونکی،

چلیدونکی.

و ز را (wozara) - ۱. جم. وزیران.

و زیدن (wazīdan) - م. الوتل،

لګیدل.

وزین (wazīn) - ص. دروند.

وسایل (wasāyel) - ا. جم.

وزی، وسیله.

وسط (wasat) - ا. منخ، منیخ.

وسع (was?) - ص. ارتوالی،

پراخوالی.

وسق (wasq) - ا. ف. بارول،

راغونډول.

وستا (wistā) - ص. ستاینه.

وسن (wosan) - ا. ککړې.

وسناد (wasnād) - ص. پریوان.

وسواس (waswās) - ص.

سوداوی، خرخشی.

وسواسی (waswāsī) -

ص. سودائی.

وسوسه (waswasa) - ا.

سودا، خرخشه.

وسه (wasa) - ډاګه، بیرګه، پاشتک.

وسيله (wasīla) - ا. وزله،

اسره، سبب.

وسیم (wasīm) - ا. ص. ښکلی،

ښایسته.

وش (waš) - ا. ف. مزګ، لکه،

غونډی، خیر.

وشفنگ (wašfing) - ا. ف.

ورخاری.

وشن (wašan) - ا. ف. باران.

وصاف (wasāf) - ا. ف. ستایونکی.

وصال (wisāl) - ا. وصلونکی،

یوځای کونکی.

وصایا (wašyā) - ا. جم. زیرمی،

وصیتونه.

وصف (wasf) - ا. ستاینه.

وصلت (waslat) - ا. ف. خپلولی.

وصله (wasla) - ص. پیوند.

وصول (wosul) - ا. جم. رسیدل.

وصیف (wašīf) - ا. ف. ابلوخ،

کړاځی، بوتکی، زنکی.

وضاحت (wazāhat) -

ا. ف. روڼ والی.

وضع (waz?) - ا. ایښودل،

ایښوول.

وضوح (wozoh) - ا. جم. روڼیدل،

روښانیدل.

وضو (wozū) - ا. اودس.

وطن (watan) - ا. مینه، هیواد.

وطن پرور (watanparwar) -

ا. م. مینه پالونکی،

هیواد پالونکی.

وطندار (watandār) - ا. م.

هیواد وال.

وطواط (watwāt) - ۱. خکالکی،

شمپیرک.

وظیفه (wazīfa) - ۱. دنده، زمنه.

وعاظ (waʔāz) - ۱. جم.

پند ور کوونکی.

وعده (waʔda) - ۱. ژمنه، ژبه،

واده، ژبنه.

وعظ (waʔz) - ۱. ف. نغوته، ورم.

وعید (waʔīd) - ص. ترپنه.

وفات (wafāt) - ص. مړیدل.

وفا (wafar) - ق. ډیر، پریمان.

وفقی (wifq) - ۱. ف. سم، اسل.

وفور (wofūr) - ۱. پراوانی، ډیر والی.

وقاحت (wqāhat) - ص.

سپین سترگتوب.

وقاد (wiqād) - ص. روڼ، روښانه.

وقار (wiqār) - ۱. ف. درناوی.

وقایع (waqāy?) - ۱. جم. پېښی.

وقایه (wiqāya) - ۱. ساتنه، ژغورنه.

وقت (waqt) - ق. مهال، وخت.

وقف (waqf) - ۱. ف. خیریدل، دهم

وقفه (waqfa) - ق. اتالند، خنډ،

ډیلتیا.

وقوع (waqo?) - ۱. ف. پېښیدل،

پیدا کردن.

وقوف (wuqūf) - ص. پوه، دریدل

وکالت (wikālat) - ۱.

وکیل کیدل.

ولایت (wilāyat) - ۱. مرسته کول، حاکم

ولوله (walwala) - ص.

شور وغوغا.

وله (wala) - ص. کارجن،

غوسه ناک.

وند (wand) - ۱. لوبښی.

وهاب (wahāb) - ۱. ف. بخښاوه.

وهاج (wahāj) - ۱. خلیدونکی.

وهم (wahm) - ص. ډار.

ویدا (wīdā) - ص. لږ.

ویران (wayrān) - ص. وړان،

ویجاړ.

ویرانه (wayrāna) - ص. وړانه،

کنډواله.

ویرگول (wergol) - ۱.

گدارنده، لیندکی.

ویژه (wiṣa) - ۱. ف. کره نکه.

ویلان (wilān) - ص. ترهور.

# ه

هـ (ha) ۱- د فارسی ژبی یو

دیرشم توری دی،

چی د (ها) په بڼه ویل

کېږي. دغه د هوز

هاهم بولي. ابجدی

ارزښت یی (۵) دی.

ها (hā) - علامت استفهام د

خواب ویی (کلمه)،

بلی، هو.

ها (hā) - علامت جمع په فارسی

ژبه کی د جمعی

وروستاری یا

سوفکس دی لکه په

دی (کتابها) کی

(کتابونه)

ها (hā) امر. د امر کلمه ده،

واخله، ونیسه.

هائب (hā'ib) - ص. ویرونکی،

ډارن.

هائل (ha'il) - ص. فاهولنی،

ویروونکی، ډاروونکی،

هغه کار چی د انسان

لپاره ستونزمن وی.

هابط (hābit) - ۱. ف. پریوتونکی،

کوزیدونکی،

ښکته کیدونکی.

هاتف (hātif) - ۱. ف.

غږ کوونکی، هغه غږ

کوونکی چی غږی

واوریدل شی او خپله

ونه لیدل شی.

هاج (hāj) - ص. هیښ، حیران،

گیج.

هاجر (hājir) - ۱. ف. بیلوونکی،

لایق، بریالی، هر هغه څه

چی پخپله نوعه فضیلت

ولری.

هاجره (hājira) - ۱. فا.

د هاجر مونث.

هاجس (hājis) - ۱. هغه څه

چې په زړه کې و

گرځي، جمع يې

هواجس ده.

هادم (hādim) - ۱. فا.

ورانوونکي، نړوونکي،

ړنگوونکي.

هادي (hādī) - ۱. فا. بومي،

لار ښوونکي، رسمي

لاري ښوونکي.

هاديه (hādiya) - ۱. فا. مونث،

د لاس لرگي، عصا.

هار (hār) - ۱. غاړه کې، هار،

ملغلري، لعل، ياقوت او

نور چې په تار کې پيلل

شوی وي.

هارب (hārib) - ۱. فا. تښتيدونکي.

هارپ (hārp, harpi) -

۱. چنگ، د ساز يوه آله

ده چې (۴۶) تارونه لري

او په گوتو غږول

کيږي.

هارون (hārūn) - ۱. د موسی

(ع) ورور او د بني

اسرائيلو د يوه پيغمبر

نوم. د قوم مشر،

ساتونکي، استازی.

هاس (hās) - ۱. «هراس» مخفف،

ویره، ډار، بل،

همدارنگه، همداشان.

هاضم (hāzim) - ۱. فا.

هضموونکي، خورونکي،

په گيډه کې د غذا

حل کړونکي.

هاکول (hākol) - ۱. د مرکو

دوا، د مرکو د وژني

دوا، مرگ موش.

هاگ (hak) - ۱. هاگ (hak) - ۱.

هگي، د چرگي هگي.

هالک (hālik) - ۱. فا. سټ،

نيستيدونکي،

تباه کيدونکي،

ورک کړونکي،

ډبروونکي.

هامال (hāmāl) - ۱. ص.

ساري، بله، نظير.



های های (hāy hāy)-۱.

صوت. د غمجنو شور  
او غالمغال.

های هوی (hāyhoy)-۱.

صوت. شور ماشور  
هیهی، چیغی پیغی.

هایب (hāyib)-ص. ډارن.

ویرندو کی. ډارن.

هایج (hāyij)-۱. ف. پاخوونکی،  
لمسوونکی.

هبا (habā)-۱. گرز، گرد، دوه،

هغه براس چی له

خمکی پورته کیږی (۲)

کم عقله خلق.

هباک (habāk)-خپری،

خری-ککری

هبد (habad)-ماله.

هبد (habd)-۱. منه غونډی،

د منه غونډی دانه.

هبوب (hubbūb)-۱. ف.

د باد لکیدل، باد الوتل،

باد جلیلد

هتک (hatk)-۱. ف. پرده خیرول،

بی پردی کول.

هامش (hāmīš)-۱. حاشیه،

د کتاب حاشیه،

د کتاب خنډه.

هامون (hāmūn)-۱. دښته،

بیابان، ډاگ،

میره، بیدیا.

هامه (hāma)-۱. مشر

سرغندوی، سرغنه،

د قوم مشر، کوپری،

د سر کاسه، کونگ،

یو ډول الوتونکی.

هامی (hāmī)-ص. ترهور،

خبلالاند.

هامیان (hāmyān)-۱.

همیانی، امیانی.

هاون (hāwan)-۱. اونگ،

وکلی، دشیانو دمیده کولو

لوبښی، چی له اوسپنی،

لرگی او یا تیږی څخه

جوړ شوی وی.

هاون دسته (hāwandasta)-

۱. مر. چومبی، لاستی.

های (hāy)-ح. ن. د خطاب

کلمه، وی، وای، آی، ای، هی.

هدينه (nādīna) - ۱. زينه،

اندر پايه.

هزيان (hāzyān) - ۱. ف. پر تي،

بيهوده خبری..

هرار (hurār) - ۱. هغه درد او

پرسوب چی د اوبښ

د پوټکی او غوښی

تر منځ پیدا کیږی

او پوټکی یی خرابوی،

د اسهال یا نسناستی

ناروغی.

هراس (hirās) - ۱. ف. ویره،

ډار، بیم.

هراسیدن (harāsīdan) -

ص. فا. ویریدل، ډاریدل.

هراش (harāš) - ۱. قی، کانگی،

ګرځون.

هراول (harāwul) - ۱. سر لاپ،

منځ څرک، سرغڼه.

هراینه (harāyna) - ق.

هر ګوزه، که چیری.

هرثمه (harsama) - ۱. زمري،

د سپری نوم.

هرج (harj) - ۱. ف. پتنه، اشوب،

هرج و مرج، ګډوډی.

هرد (hurd) - کور کمن.

هجده (hajda) - ۱. هغه عدد

چی د اوولسو او

نونسو تر منځ دی،

اتلس.

هجر (hijr) - ۱. ف. بيلتون، جدائی.

هجران (hijrān) - ۱. ف.

جدائی، بيلتون.

هجو (hajwa) - ۱. ف. غندنه،

غندل، د چا بد ويل.

هجوم (hajūm) - ۱. ف. يرغل،

حمله.

هدی (س) (hadā) - ۱. ف.

لار ښوونه، رهنمائی.

هدایت (hidāyat) - ۱. ف.

لار ښوونه.

هدر (hadar) - ۱. ف. بایزه،

ضایع کیدل، باطلیدل.

هدف (hadaf) - ۱. نښه،

د توپک نښه.

هدم (hadm) - ۱. ف. وړانول،

ړنگول، نړول.

هدهد (hudhud) - چرګک،

ملا چرګک، ګګ پتوتی.

هدیه (hadya) - ۱. تحفه،

خونی، سوغات.

هرز، هرزه (harz. harza) -

ص. اېلتی، بیکاره.

هرگز (hargiz) - ق. له سره،

هیڅکله، سپینه، کودت.

هرم (haram) - ص. ډیر زور

شوی، زور.

هرم (hiram) - ا. د هندسی په

اصطلاح، مخروطی

شکله جسم چی

قاعده یی مثلث،

مربع یا کسیر

الاضلاع وی.

هرم (hurm) - ا. داور توده والی.

هرماس (harmās) - ا. زمري،

مزري.

هرماس (hurmas) - ا. ديب،

شیطان.

هرمز، هرْمز (hurmuz) -

ا. د پنجشنبی ورځ،

د زیارت ورځ،

د مشتری ستوری.

هرهفت (harhaft) - ا. سنگار،

د ښځو د سینگار

سامان او لوازم.

هری (hirī) - ا. هرات،

د هرات ښار.

هریره (hurayra) - ا.

وړوکی پيشو، پښکونلای.

هزار (hazār) - ا. لس سلگون،

زر، یو زر.

هزار پا (hazārpā) - ا. زنځه.

هزار تابه (hazārtāba) -

ا. م. لمر.

هزارستان (hazārdastān) -

ا. م. بلبله، چونی.

هزاک (hazāk) - ناپوه، نادان.

هزال (hazāl) - ص. ډنگر توب،

خوار توب.

هزال (hazāl) - ډیر شوخ.

هزبر، هزبر (hu(z)bir) - ا.

زمري، مزري.

هزل (hazl) - ا. ف. وشتی ټوکی.

هزم (hazm) - ا. ف. ماتې، د

دښمن ماتول.

هزمان (hazmān) - ق. د هر

زمان مخفف.

هزیل (hazīl) - ص. ډنگر، خوار.

هزیمت (hazīmat) - ا. ف.

ماتې، ماتې خوړل،

تنبتیدل.

هلهله (halhala) - ۱. ف. شور

ماشور، هاها.

همپا (hampā) - ملگری.

همپياله (hampyāla) - ۱.

ص. همسنگ، انډيوال.

همتا (hamtā) - ص. ساری، بله.

همخواب.

همخوابه (hamxwāba) -

ص. اورته، ارينه،

چی می نشته همخوابه

بنکلی په خواکی

نه دی کور په حقیقت

خی گور دی

(حمید مومند).

همدرد (hamdard) -

خواخوږی، زړه

خوږی.

همدردی (hamdardī) -

خواخوږی، زړه خوږی،

زړه سواندی.

همدم (hamdam) - ص.

همدم ملگری.

همراه (hamrāh) - ص. مل،

ملگری.

همراهی (hamrāhī) - ص.

ملگری، ملتیا، ملگری توب.

هسته (hasta) - ۱. خسته،

د منځ دانه لکه د

زردالو، شفتالو

هوش مند (hušmand) -

هوښیار، په سد.

هشیم (hašīm) - ۱. ف. ماتول،

وروکی کول.

هفت (haft) - ۱. اووه، د شپږواو

اتو تر منځ عدد.

هفت آبا (haftābā) - ۱. م.

د بوږی- ټال، کنایه

له اوو آسمانو نو یا

اووه گونی ستوری.

هفته (hata) - ۱. اووه نی (اونی).

هفتاد (haftād) - ۱. اويا، د نهه

شپيته او يو او يا تر

منځ عدد.

هکتار (hiktār) - ۱. لس زره

متره.

هکھک (hikḥik) - ۱. د ژړا

هغه غږ چی په

ستونی کی بندېږی

سونگې.

هلاکت (halākat) - ۱. ف.

مړينه، مرگی.

هلال (hilāl) - ۱. میاشت.

هنگامه (hangāma) - ۱.	همزاد (hamzād) - ص.
انگازه، مشوره،	همزولی، غبرگونی.
وخت، مهال.	همسال (hamsāl) - ص.
هنوز (hanoz) - ق. تراوسه،	همزولی، دوه کسه
تردی دمه.	چی عمر ئی برابر وی.
هوا پیمما (hawāpaymā) -	همسایه (hamsāya) - ص.
۱. م. الوتکه.	گاونډی.
هودج (hawdaj) - ۱. امبالی،	همسایه گي (hamsāyagī) -
کجاوه، پالکی.	ص. گاونډیتوب.
هود (hūd) - ۱. یهود، یهودان،	همشیره (hamšera) - ۱. خور.
دیوه پیغمبر نوم.	همشیره زاده (hamšerāzada) -
هوده (huda) - ۱. ص. سود،	۱. خوری، د خور زوی.
کټه، فایده.	همگام (hangam) - ص.
هور (hur) - ۱. لمر، بخت او طالع.	مل. ملگری.
هوش (hoš) - ۱. عقل.	همگان (hamagān) - جم.
هوشمند (hosmand) -	واړه، ټول، گړد.
ص. هوبنیار، زیرک.	همیشه (hameša) - ق. تل،
هویت (hoyat) - ۱. بڼه، خیره،	هر کله.
پیژندنه.	همین (hamīn) - ق. دغه، دا.
هویدا (huwayda) - ص.	همینطور (hamīntawr) -
بنکاره، خرگند.	ق. همدغسی، همداسی،
هیاج (hiyāj) - ۱. ف. پاریدل،	په همدی توگه.
جگړه کول، نښته.	هنجار (hanjār) - ۱. دود، لار.
هیچ (hec) - ص. هیڅ.	هنگام (hangām) - مهال،
هیزم (hizum) - ۱. خس، بوتی.	وخت.

هيز مکش (hizumkaš)-

۱. ص. خسه.

هیکل (haykal)- بڼه، صورت،

خواکمن سړی.

هیلا (haylā)- ۱. بڼه،

یو ښکاری مرغه دی.

هیمه (hema)- ۱. خس، دونواو

اغزیو وچ ښاخونه او

چوپړ کی د سوزولو

وړوی.

هیون (hayūn)- ۱. تیز اوبښ،

خوب اوبښ،

چاغ اوبښ.

# ی

یادرفتن (yādraftan)-

۱. ف. هیریدل،

له یاده وتل.

یاد کردن (yādkardan)- ۱.

ف. په زړه کول،

په یادول.

یان گار (yādgār)- ۱. خلی، نښه.

یار (yār)- ۱. ص. مل، ملگری،

یار، مرستندوی.

یارا (yāra)- ۱. ف. وس، نیرو، خواک.

نیرو، خواک.

یارستن (yārastan)- ۱. ف.

له عهدی وتل،

له باره وتل،

له وسه کیدل.

یارغو (yārgū)- ۱. ف. پوښتنه.

یارمنخچی (yārmāxči)- ۱.

شاغوئی، یامنخچه،

یارمنخچی، یوډول

وړوکی مرغی ده.

ی (یا) (ya)- دفارسی الفبی

دودیرشم توری دی

چی د(یا) ښه ویل کیږی

ددی توری ابجدی

حساب او ارزښت نی

دی (۱۰)

یا (yá)- ربط دربط توری دی

چی په پښتو او فارسی

> واپوړښوکی کارول

کیږی.

یا (yá)- ندای.

یاب (yāb)- ص. چتی، بی گتی،

بی ارزښته.

یابو (yābú)- ۱. یابو، هغه آس

چی اصیل نه وی.

یابیدن (yābīdan)- ۱. ف.

موندل، میندل.

یاد (yād)- ۱. په زړه، په یاد.

یاد دادن (yāddādan)- ۱. ف.

ورپه زړه کول،

ورپه یادول.

یاوه (yāwa)-۱. ص. اپلتي، پرتي،  
بی سنجشه په خپل  
سر خبری.

یاجوج و ماجوج  
(yājūjomājūj)-

۱. افسانوی موجود،  
لنډی، ټیټ قدی،  
د مغولو یوه طایفه.

یاس «به فتح یا» (ya?s)- ص. ناهیلی.  
یب (yab)-۱. غشی.

یباب (yabāb)- ص. شاره، ورانه.  
یبس (yubs)-۱. ف. وچیدل،  
وچوالی.

یېوست (yubost)-۱. وچوالی،  
دلنده بل ضد.

یتیم (yatīm)- ص. پلار مړی،  
یتیم.

یشرب (yasrb)-۱. دمدينی  
منوری پخوانی نوم  
د حضرت محمد

«صلی الله علیه وسلم»  
د هجرت نه دمخه.

یخمالک (yaxmālak)-  
۱. ف. ښویندی،

ښویانک.

یخن (yaxan)-۱. غاړه، گروهه.

ید (yad)-۱. لاس.

یاری (yārī)-۱. ف. مرسته، دوستی.

یازنه (yāzna)-۱. اخښی، اوښی،  
د خور میړه.

یاغی (yāḡī)- ص. سراخیستونکی،  
سرغراند، سرگران، یاغی.

یافتن (yāftan)-۱. ف. میندل،  
موندل، تر لاسه کول.

یافه (yāfa)- ص. بی معنی،  
یاوه، پریشانه،

ورک شوی.

یاقوت (yāqūt)-۱. یاقوت،  
یو ډول قیمتی ډبره

چی له کانونو څخه  
لاس ته راځي.

یال (yāl)-۱. ورږ، د آس دغړی  
جگ وینشان.

یالمند (yālmānd)- ص. دعیالمند  
مخفف، هغه سړی چی

ښځه او ماشومان لري.

یاله (yāla)- وگ، یالغ.

یان (yān)-۱. ص. پرتی، اپلتي،  
هغه کلمی چی له

ارادی پرته خولی ته  
راځي.

یاور (yāwar)-۱. ف. مرستیال،  
مرستندوی.



یراق (yirāq) ۱- وسله، لکه توره،  
توپک اونور.

یرقان (yaraqān) ۱- زیری.

یزدان (yazdān) ۱- خدای،  
څښتن.

یزک (yazak) ۱- دلښکر  
مخکښ، سرلان.

یسار (yisār) ۱- کښ لاس،  
کښ اړخ، کښ.

یسال (yasāl) ۱- لین، لیکه.

یسر (yusr) ۱- اسانتیا، اسانی.

یشت (yašt) ۱- پرستش، پالنه،  
نمانځنه، عذرو زاری،

داوستا، د کتاب یوه برخه.  
یشک (yašk) ۱- غاښ، ډاری،

د ډارونکو ژویو تیره غاښ.  
يعسوب (ya?súb) ۱- د شاتو،

مچی، دمچیو پاچایامیر.  
يعفور (ya?fúr) ۱- کبلی.

یغلا (yaǵlá) ۱- ار کاره، ار کاری.

یغما (yaǵmā) ۱- تالا، لوټ،  
په تر کستان کی

دیوی قبیلې نوم.  
یغماگر (yaǵmāgar) ۱- ص.

ن. لوټوونکی، لوټمار.  
یغظة (yaǵazat) ۱- وینوالی.

یقین (yaqín) ۱- باور، یقین.

یک (yak) ۱- یو، هغه عدد چی له  
هغه وروسته ددوه

عدد دی.

یکایک (yakāyak) ۱- ق. یویو  
یوه بل پسې.

یکباره (yakbāra) ۱- ص. ناڅاپه،  
له یوی مخی.

یکتا (yaktā) ۱- ص. یواخی، یو،  
بی جوړی.

یک به یک (yakbayak) ۱-  
ق. ټک اوپتری،

ټک له ټکه.

یک تنه (yaktana) ۱- ص.  
یکی یواخی.

یکجا (yakjá) ۱- ص. همه گي،  
غونډ.

یکدانه (yakdāna) ۱- ص.  
بی ساری، بی جوړی،

بی مثله.

یکدست (yakdast) ۱- ص.  
دچاچی یولاس نه وی،

چونتی یولاس،

دارجل ضد.

یکدل (yakdil) ۱- ص. یوزره.  
یکدیگر (yakdígar) ۱- ا.

یوله بله.

یواش (yawāš) - ق. ص. ورو،  
سوکه.

یورش (yoriš) - ۱. حمله، یرغل.  
یوز (yūz) - ۱. لټونه، تپوس.

یوزک (yūzak) - ۱. م. ښکاری  
سپی، دښکار سپی،

په خاورو کی رغړیدل.  
یوزیدن (yūzīdan) - ۱. ف.

غور خیدل، غورخنګ  
خیزکی وهل.

یوغ (yog) - ۱. جم، خغ، هغه تراش  
شوی لرګی چی د

غویانو پر غاړه بی ږدی.  
یوم (yawm) - ۱. ورځ.

یوم التناد (yawmutanād) -  
۱. م. لویه ورځ.

یوم الحساب (yawmulhisāb) -  
۱. م. دقیامت ورځ.

یوم الحشر (yawmulhašir) -  
۱. م. دپاخون یا

پاخیدو ورځ.

یهود (yahūd) - ۱. بنی اسرائیل.

یک رنگ (yakrang) - ص.  
رښتینی، کوم شیان چی

په یوه رنگ وی.

یک رنگی (hakrang) -  
ص. صداقت، رښتینو لی.

یک زبان (yakzabān) -  
ص. همغږی، متفق،

سره یولاس.

یکشنبه (yakšanba) - ۱.

داونی ددو همی ورځی  
نوم، دوه نی.

یک لا (yaklá) - ص. یوقات،  
یوستوی.

یک مشت (yakmušt) - ص.  
یوموتی، په یوه

اتفاق، په یوه زړه.

یک ونیم (yakunīm) - ۱. م.  
یونیم، ځینی.

یکه تاز (yakatāz) - ص.  
بنی سپور، وتلی سپور،

بی ساری سپور.

یم (yam) - ۱. سیند، سین.

یمام (yamām) - ۱. شنه کوتره،  
سارانی کوتره،

یمین (yamīn) - ۱. بنی، بنی لاس،  
بنی خوا.



# Dari- Pashto Short Dictionary

Academy of Sciences  
Of Afghanistan  
Institute of the  
language of Dari  
2006

چاپ مطبعه آزادى